

بِه نام خدا

حسابداری میانه 2

فصل اول

مقدمه: پیدایش شرکتهای سهامی

تا پایان قرن هیجدهم میلادی واحدهای انتفاعی یا به صورت موسسات انفرادی و یا به صورت شرکتهای غیر سهامی یعنی با مالکیت چند نفر شریک تاسیس می گردید. به علت اوضاع سیاسی در اروپا در قرن هفدهم و هیجدهم و پیشرفت علم مخصوصاً علوم تجربی و استفاده کاربری از آنها در معیشت افراد بشر مثلاً در کشاورزی استفاده از ماشین تخم پاشی که توسط جترو تال بین سالهای 1647 تا 1741 اختراع شده بود و یا استفاده از ماکوی پرنده در صنایع پوشاک که توسط جیمز وات برای ساختن کندانسور. تبدیل حرکت متناوب پیستون ماشین بخار به حرکت دورانی صورت گرفته همگی باعث پیدایش انقلاب صنعتی در جهان که در اواخر قرن هیجدهم شروع شده و هم چنان تداوم یافته گردیده است.

همزمان با پیشرفت علوم تجربی کشورهای اروپایی معروف شروع به گسترش قلمرو تجارتی خود نموده و علاوه بر تسلط بر بازارهای کشورهای دیگر مستعمرات خود را بسط و توسعه دادند در نتیجه عوامل فوق سرمایه داران برای استفاده بیشتر به فکر استفاده از پولهای اندک مردم افتاده و اقدام به تاسیس شرکتهای سهامی به صورت محدود در اروپا تشکیل شدند (به نقل از صفحه 8 کتاب تاریخ اروپا تألیف لیتل فیلد (ترجمه فریده قرجه داغی)

چاپ سوم 1373 ناشر وزارت فرهنگ و وزارت عالي (به طوري كه گفته اند امروزه هدف اصلي تاسيس شرکتهای سهامی به کار انداختن سرمایه های نقدی در وقياس وسیع تر به منظور کسب سود بیشتر و حفظ سرمایه افراد می باشد زیرا در شرکتهای غیر سهامی و مالکیت فردی (انفرادی) میزان سرمایه به کار انداخته شده کم و از طرفی ریسک از بین رفتن سرمایه مالکین آن بیشتر می باشد.

در صورتی که در شرکتهای سهامی میزان سرمایه و تعداد مالکین شرکت می تواند خیلی بیشتر از شرکتهای غیر سهامی باشد و خطر از بین رفتن سرمایه نیز اولاً کاهش یافته و ثانیاً باعث از بین رفتن تمام سرمایه اشخاص نمی گردد. بدیهی است که تاسیس شرکتهای سهامی به دلیل مزایای متعددی که نسبت به سایر انواع شرکتهای دیگر دارد، سال به سال افزایش یافته و از طرف دیگر شرکتهای سهامی عام که در تمام دنیا مهمترین شرکتهای را تشکیل می دهند، تبلور تکامل شرکتهای سهامی می باشند. برای شناخت بیشتر مطلب فوق به ذکر مثالی می پردازیم. اگر تمام دارائی نقدی فردی به عنوان سرمایه برای ایجاد يك تجارتخانه اختصاص داده شود در صورت از بین رفتن تجارتخانه بر اثر سوانح طبیعی یا غیر طبیعی تمام سرمایه فرد مزبور مفهوم شده و فرد مزبور به تنهایی مفلس خواهد شد.

اگر تجارتخانه با سرمایه دو نفر یا چند نفر شریک تاسیس شده باشد مسلماً بر اثر انهدام تجارتخانه، به شرکاء زیان بزرگی وارد می شود که احتمالاً نمی توانند جبران یا تحمل کنند. اما اگر تجارتخانه مزبور به صورت سهامی و متشکل از تعداد زیادی سهامدار که هر کدام بخش اندکی از سرمایه شرکت را تشکیل دهد در صورت ورشکستگی زیان وارده به سهامداران هرگز نمی تواند به هر یک از سهامداران ضربه سنگینی وارد سازد و تنها بخش کوچکی از سرمایه آنها را از بین خواهد برد و زیان وارده در حقیقت بین تعداد زیادی از افراد جامعه سرشکن می گردد و هر قدر تعداد سهامداران در شرکت زیادتر باشد و سرمایه گذاری آنان بابت خرید سهام کمتر گردد زیان وارده بسیار کم اهمیت تر خواهد شد. مزیت دیگر شرکت های سهامی این است که مالک سهم در صورت نیاز به نقدینگی و اجبار به فروش سهام خود خیلی زود می تواند خریدار برای سهام خود پیدا کند و سرعت نقد شدن سهام بیشتر از نقد شدن فروش یک تجارتخانه فردی یا یک شرکت غیر سهامی می باشد. سومین مزیت شرکت های سهامی این است که وظیفه اداره شرکت به عهده مدیران شرکت که توسط سرمایه گذاران یعنی سهامداران انتخاب می شوند قرار دارد و لذا خرید سهام و به طور کل سهامدار شدن برای هر سرمایه گذار یک امریایک فعالیت فرعی محسوب می شود و در کنار خرید سهام

ويا سهامدار شدن مي تواند شغل اصلي خود را نيز انجام دهد در صورتي كه در موسسات انفرادي يا شرکتهاي غير سهامی چنین فرصت هايي وجود ندارد. چهارمین مزیت شرکتهاي سهامی عدم تاثیر مهم فوت یا ورود و خروج شرکت (سهامدار) می باشد در صورتي كه در موسسات انفرادي به طور كامل و در شرکتهاي غير سهامی در بسياري از موارد فوت ویا ورود و خروج شريك در سرنوشت موسسه تاثیر می گذارد و باعث توقف یا خاتمه مدت شرکت یا موسسه فردي می گردد. پنجمین مزیت شرکتهاي سهامی قدرت بالاي جذب سرمايه و سهامداران جديد است به همین دلیل افزایش سرمايه و یا برعكس کاهش سرمايه با رعايت مقررات قانوني با سهولت بیشتری در شرکتهاي سهامی نسبت به ساير شرکتها وموسسات انفرادي انجام می شود. تمام مزایاي فوق عوامل هستند كه موجب گسترش شرکتهاي سهامی می شوند. بطور كلي شرکتهاي سهامی با ترکیب مناسب سرمايه داران و مدیران برقرار میگردد و تفکر یا فلسفه پیدایش شرکتهاي سهامی استفاده از سرمايه هاي كوچك و اضافي مردم تحت مدیریت مدیران متخصص بوده است و سود آوري شرکت نیز به این دو اصل استوار می باشد. در جدول زیر مقایسه اي بین شرکتهاي سهامی و ساير شرکتها وموسسات به عمل آمده است :

نوع موسسه	هسته اصلي تشكيل	افزايش سرمايه توسط ؟
موسسه فرد (تك صباحي) شرکتهای غير سهامی شرکتهای تعاونی	سرمايه گذاري صاحب موسسه سرمايه گذاري شرکاء خريدهام سرمايه توسط موسسين و مردم خريدهام سرمايه توسط موسسين و ساير اعضاء	فقط توسط صاحب موسسه فقط شرکاء شرکت و يا قبول شرکاء جديد قبول سهامداران جديد با رعايت مقرارات به صورت نا محدود قبول سهامداران جديد (اعضا جديد) در صنف مربوطه و يا افزايش سهام

1-2- نحوه تشکیل شرکت سهامی

به طور کلی نحوه تشکیل شرکت سهامی بستگی کامل به قوانین مصوب هر کشور دارد در ایران نیز قانون تجارت و لایحه قانونی اصلاحی قسمتی از قانون تجارت مصوب اسفند 1347 مقررات مربوط به تشکیل سهامی بایستی عده ای به نام مسئولین که حداقل 3 نفر باشند با توافق یکدیگر مقدمات تشکیل شرکت سهامی را پی ریزی نموده و پس از توافق قطعی با سایر شرکاء همگی به عنوان موسسین شرکت اساسنامه شرکت را طبق اساسنامه نمونه ضمیمه قانون تجارت تنظیم و امضاء نمایند و بهای تمام سرمایه شرکت را یا حداقل 35 درصد از بهای سهام سرمایه شرکت را نزدیکی از شعبات بانکها توزیع نموده و گواهی کتبی از شعبه بانک مربوطه دریافت نمایند. (در شرکتهای سهامی عام موسسین حق ندارند بیش از 20 درصد سهام سرمایه شرکت را به خود اختصاص دهند و 80 درصد سهام سرمایه شرکت بعد از اخذ مجوز از اداره ثبت شرکتهای قوه قضاییه به عامه مردم بایستی عرضه شود) بعد از اخذ گواهی بانکی و تنظیم اساسنامه بایستی موسسین با مدارك شناسائی به اداره ثبت شرکتهای مراجعه و مدارك فوق را جهت ثبت شرکت ارائه دهند پس از بررسی توسط اداره مزبور در صورت اهلیت موسسین اداره ثبت شرکتهای شرکت سهامی را به ثبت می رساند.

در این مرحله شرکت سهامی خاص می تواند بلافاصله به عملیات معین شده در اساسنامه مثل تجارت یا تولید یا خدمات بپردازد اما شرکت سهامی عام در این مرحله حق انجام عملیات تجارتي یا توليدي یا خدماتي را ندارد زیرا به شرکت سهامی عام فقط اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی داده شده است و بایستی موسسین شرکت سهامی عام اعلامیه پذیره نویسی را که مورد تایید اداره ثبت شرکتهای قرار گرفته به طرق مختلف به اطلاع عامه مردم رسانیده و فروش 80 درصد بقیه سهام شرکت را به عموم مردم انجام دهند در مهلت خرید سهام (پذیره نویسی سهام) توسط مردم موسسین نیز می توانند مجدداً حداکثر معادل 29 درصد دیگر از سهام شرکت سهامی عام را خودشان خریداری (پذیره نویسی نماید و بایستی حداکثر سهام شرکت سرمایه یعنی نصف بعلاوه يك (0/51) به اشخاص جدا از موسسین شرکت اختصاص یابد. در پایان مهلت پذیره نویسی یعنی در پایان مهلت فروش اکثریت سهام شرکت به مردم چنانچه سهام خریده شده توسط موسسین مجموعاً از 0/51 سرمایه شرکت که در اساسنامه مشخص شده است بیشتر باشد شرکت سهامی عام می تواند به ثبت قطعی برسد برای اینکار بایستی موسسین و پذیره نویسان اولین جلسه مجمع عمومی شرکت را تشکیل داده و ضمن اعلام رای 51 درصد سهام دایر برتاسیس و شروع بکار شرکت اولین هیات مدیره و بازرسان و روزنامه کثیرالانتشار جهت چاپ آگهی های شرکت را نیز تعیین و بایستی صورتجلسه

کتبی اولین جلسه را برای ثبت شرکت به اداره ثبتشرکتهای قوه قضائیه ارائه نماید. پس از این عمل خلاصه تاسیس شرکت درروزنامه رسمی و روزنامه کثیر الانتشار به هزینه شرکت سهامی عام به چاپ رسید. و شرکت می تواند سرمایه دریافتی از موسسین و پذیره نویسان را برای هدف یا اهداف مقرر در اساسنامه شرکت به کار اندازد. بنابراین هسته اصلی سرمایه پرداخته شده در شرکتهای خاص عبارتست از دارائی هایی که موسسین شرکت (نقد یا غیر نقدی) بابت خرید سهام سرمایه پرداخته اند و در شرکت سهامی عام عبارتست از وجه نقد و غیر نقدی که توسط موسسین و پذیره نویسان (سهامداران غیر موسس) بابت خرید سهام سرمایه شرکت سهامی عام به شرکت پرداخته شده است.

1-3 - حقوق صاحبان سهام

در شرکت معادله حسابداری یا تراز نامه عبارتست از:

بدهی ها – دارائی

1-3- حقوق صاحبان سهام

در شرکت معادله حسابداری یا تراز نامه عبارتست از:

بدهی ها – دارائی ها = حقوق صاحبان سرمایه یا سهام

در شرکت های سهامی چنانچه بدهی ها از دارایی ها کسر گردد ارزش ویژه و یا حقوق صاحبان سهام در شرکت عبارتست از :

1- سرمایه مجاز یا قانونی

2- افزایش سرمایه یا سرمایه پرداخت شده اضافی

3- اندوخته ها

4- سود انباشته (تقسیم نشده)

سرمایه مجاز یا قانونی شامل آن بخش از حقوق صاحبان سهام است که توسط سهامداران یا صاحبان شرکت خریداری یا از محل سودهای مکتب شرکت به صورت سهام سود سهمی به مالکیت سهامداران درآمده است و به شکا سهام عادی و سهام ممتاز می تواند وجود داشته باشد . معمولاً سهام عادی دارای حق رای می باشد و به ندرت سهام ممتاز نیز دارای حق رای خواهند بود و در بیشتر شرکتها سهام ممتاز فاقد حق رای هستند و در اکثر شرکتهای سهامی مقرارت مربوط به بازخرید سهام ممتاز یا تبدیل آنها به سهام عادی پیش بینی شده است سهام عادی سرمایه سهامی هستند که در مقابل هر سهم يك حق رای برای دارنده سهم وجود دارد (بجز شرکتهای تعاونی که هر سهامدار یا عضو فقط یک حق رای دارد) و ضمناً صاحبان سهام عادی فاقد سود تضمین شده هستند و به طور معمول در سود شرکت سهم خواهند بود . در مباحث بعدی حقوق صاحبان سهام به تفصیل گفته می شود لیکن در این بخش مطالبی در مورد گزارش حقوق صاحبان سهام در ترازنامه شرکت معروض می گردد .

1-3-1- گزارش سرمایه قانونی یا مجاز :

در ترازنامه شرکت سهامی بایستی تعدا سهام و مبلغ آن به تفکیک درج شود هر گاه تعدادی از سهام فروخته نشده باشند باید در یادداشت‌های پیوست ترازنامه گزارش گردند علاوه بر آن بایستی سهام که دارای رای غیر معمول (فوق العاده) هستند در زیر نویس ترازنامه افشاء شوند پس از مشخص کردن سهام سرمایه بایستی هرگونه صرف سهام و مبالغ مازادی که نسبت به بهای اسمی و یا بهای اعلام شده سهام از سهامداران وصول شده در بخش حقوق صاحبان سهام ذکر گردد. در صورتی که سهام خزانه فروش رفته باشد این مازاد حاصل از فروش سهام خزانه (در این فصل خواهد آمد) بایستی در بخش حقوق صاحبان سهام در ترازنامه افشا شود. در صورتی که کمک‌های بلاعوض (خودیاری) توسط مردم (بخش غیر دولتی) به شرکت پرداخته شده باشد این کمک‌های مردمی تحت عنوان سرمایه پرداخت شده اضافی در بخش حقوق صاحبان سهام درج شود (کمک‌های دولتی بلاعوض به عنوان درآمد دوره‌های منظور می‌شود)

در بخش حقوق صاحبان سهام در صورت امکان تفکیک حقوق صاحبان سهام سهم سهم اکثریت و سهم اقلیت ارزش گزارش‌گری حقوق صاحبان سهام را به نحو چشمگیری افزایش می‌دهد هر چند که تاکنون کمتر به آن توجه شده است.

2-3-1- اندوخته ها

همانطوري كه در بخش سود تقسيم نشده مي آيد اندوخته ها در واقع بخش تحديد شده از انباشت سود تقسيم شده هستند و در ترازنامه در بخش حقوق صاحبان سهام تحت سرفصل اندوخته ها افشا مي شوند. در درج اندوخته ها در ترازنامه شايسته است كه هر يك از انواع اندوخته ها در ترازنامه به صورت جدا از يكديگر در ترازنامه ذكر شوند.

2-3-1- سود انباشته شده يا تقسيم نشده

پس از تخصيص اندوخته ها و تقسيم سود صاحبان سهام در صورت وجود باقيمانده از سود ويژه دوره جاري و دوره هاي گذشته سود انباشته يا سود تقسيم نشده يا سور سنواتي وجود خواهد يافت. سورسنواتي يا سود انباشته كه حاصل انباشت سودهاي تقسيم نشده در دوره جاري و سنوات قبل است به عنوان بخشي از حقوق صاحبان سهام بايستي در ترازنامه درج شود. سود انباشته سود تقسيم نشده اي است كه بدون كمترين محدوديت در سنوات بعدي قابل تقسيم خواهد بود.

2-3-4- سهام خزانة

هرگاه شركت سهامي مانند افراد عادي نسبت به خريد سهام خود از سهامداران جهت انباشت آن و سپس فروش در موافقي كه افزايش قيمت مناسب حاصل شده باشد اقدام نمايد سهامي كه بدین ترتيب خريداري مي كند

سهام خزانه میگویند. فرق سهام خزانه یا سهام باقیمانده شرکت در این است که سهام باقیمانده در شرکت دست اول هستند یعنی قبلاً فروخته نشده اند در حالیکه سهام خزانه برای شرکت سهام دست دوم هستند یعنی یکبار قبلاً توسط شرکت به سهامدار فروخته شده و بار دیگر شرکت از سهامداران خریداری نموده است تا در وقت مقتضی مجدداً آنها را با بهائی بیشتر بفروشد. از نظر حسابداری سهام خزانه معمولاً بهای سهام خزانه مبنای ثبت سهام خزانه تحصیل شده قرار میگیرد و در موقع فروش سهام خزانه نیز سود حاصل از فروش سهام خزانه زمانی عاید شرکت گردد حساب سود انباشته یا سوری سنواتی بدهکار می گردد. لازم به توضیح است که سهام خزانه را می توان به ارزش اسمی نیز ثبت نمود در این حالت اگر حساب صرف سهام مانده بستانکار داشته باشد مبلغ اضافه پرداختی نسبت به بهای اسمی سهام خزانه را در حساب سهام بدهکار می کنند و ما به التفات را در حساب سود انباشته یا سنواتی بدهکار می سازند.

در بخش حقوق صاحبان سهام بایستی مانده حساب سهام خزانه را از حقوق صاحبان سهام کسر نمود. بعضی از حسابداران آن را بعنوان سرمایه گذاری بلند مدت یا کوتاه مدت (با توجه به برنامه خرید و فروش سهام خزانه) منظور می کنند.

4-1- سرمایه پرداخت شده

بطور کلی سرمایه هر موسسه ای عبارت است از مجموع مبالغ نقدی یا دارائی های غیرنقدی که توسط صاحب یا صاحبان موسسه جهت تأسیس موسسه به کار انداخته شده و یا اختصاص داده شده است. مسلم است که این سرمایه ، سرمایه اولیه واحد انتفاعی بوده و به مرور زمان در صورت کارکرد موفق، شرکت نائل به کسب سود شده و مازاد سودهای حاصله نیز در واقع همراه با سرمایه اولیه جهت کسب درآمد و فعالیت موسسه بکار خواهد رفت و علاوه بر آن وجوه استقراضی واحد انتفاعی از اشخاص حقیقی و حقوقی دیگر نیز نوعی سرمایه گذاری موقت در موسسه است و در کنار سرمایه اولیه و مازاد سود تقسیم نشده، برای فعالیت و کسب سود به کار گرفته می شود. واضح است که استقراض های واحد انتفاعی ممکن است به صورت جاری (کوتاه مدت) و یا بلند مدت انجام شود. دیون جاری یا کوتاه مدت یعنی بدهی هایی که طی یکسال (یکدوره مالی) باید بازپرداخت شوند در صورتی که استقراض های بلند مدت یعنی بدهی هایی که باید طی چند سال (چنددوره مالی) به اقساط یا بصورت یکجا باز پرداخت می شوند و لذا استقراض های کوتاه مدت یا بدهی های جاری را نمی توان بعنوان نوعی سرمایه موقت برای واحد انتفاعی در نظر گرفت، زیرا بازپرداخت آنها در تاریخهای مقرر در طی یک دوره (بجز باتکها و موسسات طرفی) نقش موثری در کسب درآمد برای موسسه نخواهد داشت.

در صورتی که بدهی های بلند مدت (استقراض های بلند مدت) برای همه موسسات کاملاً سودآور خواهد بود (با فرض وجود مدیریت کارآمد و موفق) در نتیجه استقراض های بلند مدت را در کنار سرمایه اولیه و مازاد سودهای تقسیم نشده از شرکت میتوان یک نوع سرمایه موقت محسوب نمود دراین فصل منظور از سرمایه پرداخت شده استقراض های بلند مدت موسسه نبوده و بحث در مورد سرمایه اولیه و مازاد سود تقسیم نشده از شرکت توسط سهامداران (صاحبان) شرکت در شرکتهای سهامی می باشد که معمولاً تا پایان عمر شرکت (تا انحلال) در موسسه دوام داشته و برای انجام فعالیتهای شرکت و کسب درآمد بکار گرفته می شوند. در مورد سرمایه موقت یا استقراض های بلند مدت در مباحث اوراق قرضه پرداختی و سرمایه گذاری ها یا سرمایه پذیری هنا مطالب مربوط تشریح خواهند گردید.

1-4-1 انواع سرمایه پرداخت شده :

سرمایه پرداخت شده از نظر ماهیت، جنس آن حداکثر دو نوع است، نقدی و غیرنقدی در موسسات انفرادی میزان نقدی و غیرنقدی بودن سرمایه توسط مالک موسسه تعیین می شود اما در شرکتهای باسستهای شرکتهای سهامی عام و شرکتهای تعاونی میزان سرمایه نقدی و غیرنقدی بنا به توافق بین شرکاء و سهامداران تعیین خواهد شد. حتی قیمت سرمایه غیرنقدی که از نظر قانون تجارت «آورده غیر نقدی» نامیده می شود می تواند بنا به توافق شرکاء یا سهامداران شرکت سهامی تقویم گردد.

بدیهی است که چنانچه قسمتی از سرمایه بصورت غیرنقدی باشد حساب دارائی مربوط بدهکار شده و سرمایه شرکت در شرکتهای غیرسهامی و یا سرمایه پرداخت شده در شرکتهای سهامی بستانکار خواهد شد اما در شرکتهای سهامی عام یا تعاونی چنانچه موسس یا سهامداری بجای پرداخت نقدی بهای سهام مورد خرید خود آورده غیرنقدی پرداخت نماید بایستی قیمت آورده غیرنقدی توسط کارشناس رسمی دادگستری کتباً تعیین شده و بهنگام ثبت سرمایه در اساسنامه مدارک مالکیت به شرکت منتقل گردد بدیهی است که بهای سرمایه غیرنقدی بیش از قیمت تعیین شده توسط کارشناس رسمی دادگستری نبایستی در دفاتر شرکت انتقال یابد. (ماده 78 قانون اصلاحیه قانون تجارت که به اختصار ق.ا. ق. ت اطلاق می گردد)

2-4-1 – تفاوت سرمایه ثبت شده و پرداخت شده

از مقدمه و بحث دوم نتیجه گرفته می شود که سرمایه در شرکتها بجز شرکتهای تعاونی محدود بوده و بایستی در شرکتهای غیرسهامی در شرکت نامه و در شرکتهای سهامی در اساسنامه شرکت مبلغ کل سرمایه شرکت درج و به ثبت برسد. لیکن تمام سرمایه ثبت شده در شرکتهای غیرسهامی بایستی توسط شرکاء شرکت پرداخت شوند پس در شرکتهای غیر سهامی سرمایه ثبت شده برابر با سرمایه پرداخت شده می باشد اما در شرکتهای سهامی خاص و عام مویدین و پذیره نویسان می توانند (در صورت عدم نیاز) حداقل 35 درصد از سرمایه ثبت شده را به شرکت تادیه نمایند

و 65 درصد باقیمانده را نیز بایستی ظرف مدت 5 سال از تاسیس قطعی شرکت بر طبق مهلت تعیین شده توسط هیأت مدیره شرکت به شرکت پرداخت نمایند بنابراین سرمایه ثبت شده در ابتدا ممکن است بصورت:

سرمایه تعهد شده + سرمایه پرداخت شده = سرمایه ثبت شده

باشد و پس از مطالبه سرمایه تعهد شده مبلغ سرمایه ثبت شده با سرمایه پرداخت شده مساوی خواهد شد. بنابراین مادامی که تمام بهای سهام توسط مویدین و پذیره نویسان پرداخت نشده باشد به اندازه سرمایه تعهد شده یا تعهد صاحبان سهام یا تعهد سهامداران پرداخت شده کمتر از سرمایه ثبت شده خواهد بود اما همانطوری که قبلاً گفته شد هیأت مدیره شرکت موظف است طی مدت 5 سال بعد از تاسیس قطعی شرکت (شروع به کارهای اصلی) تعهد صاحبان سهام یا سرمایه تعهد شده را وصول کند در این صورت آگهی لازم برای تمام سهامداران در روزنامه کثیرالانتشار چاپ شده و بطرق مقرر به اطلاع سهامداران می رساند که ظرف مدت مقرر نسبت به پرداخت بقیه بهای سهام خریداری شده به شرکت اقدام نمایند. در نتیجه از تعهد صاحبان سهام کاسته می شود یعنی حساب جاری بانکی شرکت بدهکار و حساب تعهد سرمایه داران شرکت نسبت به پرداخت بقیه بهای سهام خریداری شده اقدام ننماید هیأت مدیره شرکت بایستی سهام این قبیل سهامداران را رأساً به فروش رسانیده و هزینه های مربوط به فروش سهام را کلاً از پرداختی نقدی قبلی سهامدار مستتکف کسر و از محل فروش سهام وی مبلغ وجه نقد پرداختی وی را مسترد

نماید(ماده 35 ق 10.ق.ت).

بعد از دریافت تمام بهای سهام از سهامداران و مویدین سرمایه ثبت شده یا سرمایه رسمی شرکت با سرمایه پرداخت شده برابر می گردد. از طرف دیگر، به مرور زمان با فرض وجود مدیریت کارآمد و موفق شرکت همه ساله موفق به کسب سود می شود. بدیهی است که ممکن است بخشی از سود سالانه شرکت بعنوان اندوخته های مختلف کنار گذاشته شود از طرف دیگر حداقل 5 درصد سود ویژه بعد از کسر مالیات همه ساله بعنوان اندوخته قانونی کنار باید گذاشته شده همچنین ممکن است قسمتی از سهام باقیمانده شرکت بمبلغ بیشتری از قسمت اسمی آن بفروش برسد و شرکت موفق به کسب صرف سهام گردد و لذا به وجود آمدن اندوخته ها و صرف سهام و سود انباشته یا سود تقسیم نشده باعث افزایش دارایی های شرکت نسبت به قبل از آنها شده و در نتیجه دارایی بیشتری در شرکت بکار می افتد و نقشی همانند افزایش سرمایه در شرکت ایفا می کند بنابراین اقلام فوق نوعی سرمایه پرداخت شده اضافی محسوب می شوند و لذا معنای سرمایه پرداخت شده نسبت به سرمایه ثبت شده (قانونی) وسیعتر خواهد بود و عملاً منبع سرمایه پرداخت شده در دارایی ها رقمی بیشتر از سرمایه ثبت شده خواهد بود و بر همین اساس است که ارزش معاملاتی سهام شرکت در بازار بیشتر از ارزش اسمی (قانونی) شرکت می گردد. یعنی :

سود انباشته+صرف سهام+اندوخته ها+سرمایه قانونی پرداخت شده = ارزش دفتری سهام شرکت
میانگین تعداد سهام سرمایه شرکت

باید دانست که برای هر یک از اقلام فوق بایستی حساب جداگانه نگهداری شود و عملاً نیز در حسابداری شرکتهای سهامی حساب سرمایه قانونی یا سرمایه قانونی پرداخت شده بایستی جدا از حسابهای اندوخته ها و صرف و سود انباشته ثبت شود. زیرا ظاهراً سرمایه قانونی پرداخت شده یا ثبت شده در اساسنامه شرکت به تصویب سهامداران و اداره ثبت شرکتهای رسیده و کاهش و یا افزایش آن با رعایت تشریفات قانونی مجاز می باشد.

در صورتی که مانده حسابهای صرف سهام و سود انباشته بنا به تصمیم مجمع عمومی (بجز اندوخته قانونی) قابل پرداخت است و لذا در نتیجه وجود سود تقسیم نشده، علاوه بر سودهای پرداخت شده همچنین مانده حسابهای فوق افزایش می یابد و بهمین دلیل است که حسابهای فوق از حسابهای سرمایه ثبت شده و پرداخت شده جداگانه نگهداری می گردد، لذا هر یک از اجزاء حسابهای سرمایه قانونی (رسمی) و سرمایه غیررسمی جداگانه بررسی می گردد.

3-4-1- سرمایه مجاز (رسمی)

سرمایه قانونی (رسمی) هر شرکت سهامی شامل سهام سرمایه شرکت است که بایستی توسط سهامداران شرکت وجه آنها پرداخت شده و برگ سهام سرمایه شرکت که بمنزله سند مالکیت سهامدار در شرکت است به سهامدار به تناسب سهام خریداری شده تسلیم گردد.

هر سهامدار به تعداد سهامی که خریداری نموده در شرکت حق رأی دارد و آراء اکثریت سهامداران توسط هیأت مدیره شرکت اجرا می شود. سرمایه قانونی یا ثبت شده ممکن است از یک نوع سهام یا از انواع سهام تشکیل شده باشد که عبارتند از :

الف) سهام با نام و بی نام

بطور کلی در تمام شرکتها ممکن است سهام بی نام همراه سهام با نام وجود داشته باشد یعنی سهام با نام در تمام شرکتهای سهامی وجود خواهد داشت. اما وجود سهام بی نام در همه شرکتهای سهامی الزامی نیست، سهام با نام سهامی را می گویند که نام سهامدار، یا مالک سهام بر روی آن نوشته شده باشد، این قبیل سهام در صورت فروش توسط سهامدار به شخص ثالث بایستی با ثبت در دفتر نقل وانتقالات سهام شرکت انجام شود و نام و مشخصات مالک (سهامدار) جدید بر روی برگ سهام و دفتر نقل و انتقال سهام شرکت توسط کارکنان شرکت قید و به امضاء مسئولین می رسد، اما سهام بی نام، سهامی هستند که روی ورقه سهم محلی برای نوشتن نام سهامدار وجود ندارد و دارنده آن سهام (سهام با نام) مالک سهم یا سهامدار شرکت خواهد بود و نقل و انتقال آن در دفاتر شرکت قابل ثبت نمی باشد.

ب) سهام عادی

اکثریت شرکتهای سهامی دارای سهام عادی هستند، یعنی سهامداران دارای حق رأی بوده و در سود شرکت به حالت عادی سهمیم هستند و اگر شرکت سود داشت به توصیه هیأت مدیره و سهامداران ، سود سهام دریافت خواهند کرد.

اما اگر شرکت سود نداشته باشد و اندوخته های عمومی شرکت نیز در حد بالایی نباشد، سود سهام وجود نخواهد داشت. سود عادی ممکن است با نام یابی نام صادر شود و این امر تابع مقررات اساسنامه و شرایط مندرج در برگ سهام می باشد. بعضی شرکتهای سهامی سهام خود را با نوع الف یا ب مشخص می کنند. اگر سهام نوع الف سهام عادی هستند و چنانچه سهام نوع ب طبق شرایط مندرج در برگ سهام دارای امتیاز خاصی نسبت به سهام نوع الف باشند در این صورت، سهام نوع ب سهام ممتاز خواهند بود. ممکن است سهام نوع ب به جای داشتن امتیاز دارای محدودیتهایی نسبت به سهام الف باشند، مثلاً حق رأی نداشته باشند و از نظر سود نیز در سود عادی شرکت سهمی باشند، مثلاً حق رأی نداشته باشند و از نظر سود نیز در سود عادی شرکت سهمی باشند، در این حالت سهام مزبور را سهام عادی بدون حق رأی می گویند. معمولاً در حسابداری برای حساب سهم عادی عبارت حساب سرمایه - سهام عادی به کار می رود و اگر سهام نوع الف وب باشد برای هر یک حساب جداگانه نگهداری می گردد و به نامهای حساب سرمایه - سهام الف و حساب سرمایه - سهام ب، نامگذاری می شود و اگر سهام سرمایه از نوع ممتاز باشد بنام حساب سرمایه سهام ممتاز نامگذاری و ثبت می شود.

(ج) سهام ممتاز

سهام ممتاز سهامی هستند که امتیازات خاصی دارا باشند و در برگ سهام امتیاز مزبور قید می شود و دارنده سهام ممتاز در عین حال که سهامدار شرکت محسوب می شود،

می تواند از امتیازات سهام ممتاز برخوردار گردد. بندرت سهام ممتاز مانند سهام عادی دارای حق رأی هستند و در اکثر شرکتها، سهام ممتاز فاقد حق رأی می باشند. سهام ممتاز را از لحاظ امتیازاتی که دارند طبقه بندی می کنند و معمولاً حساب سهام ممتاز را با نام نوع امتیاز مندرج در برگ سهام جدا از حسابهای سهام دیگر سرمایه نگهداری می کنند. به دلیل نداشتن حق رأی و نداشتن حقوق کامل مشابه سهام عادی در دارائی های شرکت ، در عوض سهام ممتاز معمولاً دارای اولویت در دریافت سود، یعنی بخشی از دارائی های شرکت هستند، در نتیجه در صورت انحلال شرکت ، پس از پرداخت بدهی ها، ابتدا بهای رسمی سهام ممتاز به صاحبان آنها پرداخت می شود و در صورت باقی بودن وجوه نقد پس بهای اسمی سهام عادی به سهامداران عادی پرداخت خواهد شد (اگر دارائی شرکت بیشتر از بهای اسمی سهام عادی باشد بازپرداخت سهام عادی نیز به نسبت دارائی ها صورت خواهد گرفت). بنابراین هنگام اعلام سود سهام پرداختی ابتدا سود سهام ممتاز کنار گذاشته می شود و تا زمانی که سود سهام ممتاز پرداخت نشود ، سهام عادی نیز قابل پرداخت نخواهد بود. چون میزان سود سهام ممتاز بر اساس امتیازات مندرج در برگ سهام ممتاز تعیین می شود.

لذا انواع سهام ممتاز به شرح زیر طبقه بندی می گردد:

- 1- سهام ممتاز با انباشت (جمع شونده)
- 2- سهام ممتاز بدون انباشت پ
- 3- سهام ممتاز با مشارکت کامل در سود
- 4- سهام ممتاز به مشارکت محدود در سود

5- سهام ممتاز با مشارکت در اندوخته ها

1- سهام ممتاز با انباشت (جمع شونده)

امتیاز سهام ممتاز با انباشت در این است که اولاً سود ثابت و معینی دارند و ثانیاً سود مذکور در برگ سهام ممتاز در صورت عدم وجود پرداخت (کمبود نقدینگی) یا سود ویژه در حساب سود سهام ممتاز انباشته شده و از دوره مربوطه به دوره بعدی منتقل می گردد و در دوره مالی بعد در صورت داشتن وجه نقد کافی سود انباشته سهام ممتاز مربوط به سالهای گذشته و دوره جدید بایستی يك جا پرداخت گردد. ضمناً در صورت نداشتن سود ویژه در سالهای گذشته به محض کسب سود در سال بعد و تقسیم سود بایستی سودهای انباشته شده سهام ممتاز پرداخت گردد. معمولاً این نوع سهام ممتاز از نظر دارندگان سرمایه جذابیت بیشتری دارد زیرا از يك طرف داراي سود تضمین شده است و از طرف دیگر سود متعلقه به سهام در صورت نداشتن پول و حتی سود در حساب سود سهام ممتاز انباشته شده و به محض کسب سود و تامین قدرت پولی سود متعلق به دارنده سهم پرداخت می گردد. در ایران مثال زنده این نوع سهم را در شرکت فروشگاههای زنجیره ای رفاه که در سال 1373 تشکیل شد و سهام ممتاز آن داراي 20 درصد سود سهام قابل پرداخت در هر شش ماه است. می توان مثال زد: بدیهی است که دارندگان این نوع سهام فاقد حق رأی در شرکت می باشند.

2- سهام ممتاز بدون انباشت :

سهام ممتاز بدون انباشت تقریباً مانند سهام عادی می باشد یعنی مانند سهام عادی فقط در سود دوره مالی جاری سهم هستند .

بنابراین در صورتی که شرکت موفق به کسب سود ویژه نشده باشد سود سهام ممتاز نیز مانند سود سهام عادی اعلام نمی گردد . و اصطلاحاً سود سهام رد می شود و در نتیجه صاحبان سهام ممتاز در این حالت نمی توانند از سود سهام ممتاز برخوردار شوند .

3- سهام ممتاز با مشارکت کامل در سود:

سهام ممتاز با مشارکت کامل در سود سهامی هستند که علاوه بر سود ثابت مندرج در برگ سهام ممتاز از حق مشارکت کامل در سود برخوردار هستند یعنی سود ثابت سهام به اضافه مابه التفاوت سود ثابت سهام ممتاز تا سود سهام عادی مثلاً اگر شرکتی سهام ممتاز با سود 10 درصد صادر و فروخته شده باشد و سهام مزبور حق مشارکت کامل در سود را داشته باشد چنانچه شرکت مزبور برای سهام عادی 20 درصد سود سهام تصویب نموده باشد سهام ممتاز با مشارکت کامل در سود نیز مشمول 20 درصد شده و علاوه بر 10 درصد سود ثابت مجدداً ده درصد دیگر نیز از سود سهام برخوردار خواهند شد به نحوی که سهام ممتاز مزبور در هر دوره معادل سود سهام عادی گردد . بدیهی است اگر در این حالت سود سهام برای سهام عادی تصویب نگردد سود سهام ممتاز با حق مشارکت کامل در سود به همان میزان مندرج در برگ سهام ممتاز قابل پرداخت خواهد بود . قابل توجه است که سهام ممتاز با حق مشارکت کامل در سود می تواند با انباشت یا بدون انباشت باشد .

4- سهام ممتاز با مشارکت محدود یا جزئی در سود :

سهام ممتاز با حق مشارکت محدود یا جزئی در سود مانند سهام ممتاز با حق مشارکت کامل در سود می باشند. تنها فرق این قبیل سهام با سهام ممتاز دارای حق مشارکت کامل در سود در این مورد است که علاوه بر سود ثابت مندرج در برگ سهام از یک درصد محدودی از سود اضافی سهام عادی برخوردار خواهند شد. مثلاً شرکتی سهام ممتاز ده درصد با حق مشارکت محدود به میزان 5 درصد صادر نموده است یعنی اگر سود سهام عادی 20 درصد اعلام شود دارندگان سهام ممتاز مزبور علاوه بر ده درصد سود ثابت سهام ممتاز فقط 5 درصد دیگر می توانند از سود سهام عادی برخوردار شوند. قابل توجه است که سهام ممتاز با مشارکت جزئی یا محدود در سود شرکت نیز ممکن است بصورت سهام ممتاز با انباشت یا سهام ممتاز بدون انباشت باشند.

5- سهام ممتاز با حق مشارکت در اندوخته ها :

سهام ممتاز با حق مشارکت در اندوخته های شرکت به سهامی گفته می شود که علاوه بر سود ثابت مندرج در برگ سهام در صورت انحلال شرکت از اندوخته های شرکت نیز سهمی معادل سهم عادی خواهند داشت. بدیهی است که میزان مشارکت در اندوخته ها

همیشه مانند سهام عادي نمي باشد و ممكن است كه ميزان مشاركت در اندوخته ها به صورت كامل ويا بصورت محدود در برگه سهام ممتاز منظور شده باشد ضمناً سهام ممتاز با شركت در اندوخته هابه هر ميزاني كه در اندوخته ها مشاركت داشته باشند ميتوانند بصورت با انباشت يا بدون انباشت باشند .

5-1- سرمايه پرداخت شده غيررسمي يا سرمايه تحصيل شده :

همانطوريكه كه گفته شد بعد ازتاسيس شركت سهامي و شروع فعاليتهاي اصلي چنانچه كارکرد و مديريت شركت مناسب باشد شركت موفق به كسب سود شده و پس از كسر ماليات بر درآمد يا ماليات بر سود ويژه بعد از كسر ماليات طبق مقررات قانوني و تصويب مجمع عمومي (سهامداران) بنا به توصيه مديران تقسيم مي گردد و ازسود ويژه بعد از كسر ماليات بر درآمد حداقل 5 درصد سود ويژه بعد از كسر ماليات بر درآمد حداقل است كه در قانون شرکتهای سهامی آمده است ولي مديران و مجمع عمومي شرکتهای سهامی مي توانند بيش از 5 درصد سود ويژه بعد از كسر ماليات بر درآمد دوره مال را بعنوان اندوخته قانوني کنار بگذارند ليكن كمتر از 5 درصد سود ويژه بعد از كسب ماليات بر درآمد دوره مالي نمي توانند اندوخته قانوني از سود ويژه بعد از كسر ماليات بر درآمد دوره مالي اندوخته نمايند . ضمناً طبق ماده 139 لايحه قانوني اصلاح قانون تجارت کنار گذاشتن حداقل 5 درصد سود خالص بعد از كسر ماليات بر درآمد دوره تا زماني كه مجمع اندوخته قانوني شركت معادل يك دهم سرمايه ثبت شده شركت برسد اجباري بوده و ادامه كسر آن

پس از يك دهم سرمايه ثبت شده نوع اندوخته اختياري محسوب مي شود . اندوخته براندوخته قانوني مديران با تأييد مجمع عمومي و يا وفق اساسنامه مي توانند بخشي از سود ويژه بعد از كسر ماليات بر درآمد رانيز بعنوان انواع اندوخته هاي اختياري از قبيل اندوخته عمومي اندوخته احتياطي و اندوخته هاي خاص ديگر براي استفاده در موارد خاص کنار بگذارند .

فصل دوم

نکاتی در مورد سهام سرمایه

همانطوری که می دانیم تفاوت اصلی شرکت سهامی با شرکت غیر سهامی (تضامنی، نسبی، با مسئولیت محدود و مختلط غیر سهامی) در این است که شرکتهای سهامی موظف به چاپ برگ سهام برای سرمایه شرکت هستند و بایستی برگهای سهام را پس از مهر و امضاء صاحبان حق امضاء در شرکت در مقابل مبلغ پرداختی آنان بعنوان سرمایه به سهامداران تحویل دهند در صورتی که شرکتهای غیر سهامی چنین اجازه ای ندارند. در واقع برگ سهام سند مالکیت و تعیین کننده میزان مالکیت هر سهامدار در شرکت است و طبق مقررات مندرج در اساسنامه شرکت در قانون تجارت در موقع انتقال سهم يك سهامدار به فرد جدید ورقه سهام بنام مالك يا سهامدار جدید ظفرنویسی خواهد شد لذا در این فصل نکاتی در مورد (ورقه) برگه های سهام سرمایه شرکتهای سهامی تشریح میگردد که قبلاً در بحث انواع سهام ممتاز یا عادی مطرح نشده است و عبارتند از:

1-2- حق تقدم در خرید سهام جدید:

علت بوجود آمدن حق تقدم در خرید سهام جدید برای سهامداران موجود شرکت که در واقع مالکین شرکت هستند افزایش سرمایه شرکت می باشد و لذا در این بحث لازم است در مورد طرق افزایش سرمایه و حسابداری آن مطالب لازم بیان گردد. علت افزایش سرمایه در جداول توسعه فعالیتهاى شرکت و در نهایت ازدیاد درآمد شرکت است. لیکن علاوه بر علت اصلی فوق علل دیگری نیز در افزایش سرمایه

که می‌توان این علل را یکی از مصوبات قانونی دانست یعنی در بعضی مواقع قوانین مصوب شرکت به شرکت‌های موجود دستور می‌دهند برای ادامه کار شرکت سرمایه آنها تاسقف معینی افزایش دهند علت دوم اینکه ممکن است شرکت نقدینگی لازم برای پرداخت بدهی‌های خود نداشته باشد و با توافق بستانکاران آنها را بعنوان سهامدار در شرکت وارد نموده و در مقابل طلب آنها سهام افزایش سرمایه را به آنها واگذار نماید و این امر در مقابل اوراق قرضه صادره شرکت سهامی عام که قابل تبدیل به سهام هستند نیز مصداق می‌یابد. بدیهی است که توسعه فعالیت‌های شرکت و در نتیجه ازدیاد تحصیل درآمدهای شرکت عامل اصلی افزایش سرمایه بوده و علت‌های دیگر تحت الشعاع علت مزبور می‌باشند و لذا در ادامه این بحث پیرامون افزایش سرمایه مطالبی بیان می‌گردد.

الف) افزایش سرمایه به وسیله افزایش ارزش اسمی سهام موجود :

برابر ماده 157 لایحه قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب 1347 سرمایه شرکت سهامی را می‌توان از طریق افزایش مبلغ اسمی سهام با توافق کلیه سهامداران اضافه نمود. در صورت تصویب سهامداران برای افزایش ارزش اسمی سهام موجود بایستی برابر ماده 1880 لایحه فوق‌الذکر تمام مبلغ افزایش یافته ارزش سهام نقداً به حساب بانکی جاری بانکی شرکت سهامی پرداخت گردد. بنابراین اولاً شرکت سهامی اجازه افزایش سرمایه از روش افزایش بهای اسمی سهام شرکت را در ثانیاً روش افزایش سرمایه بایستی به ثبت برسد و اداره ثبت شرکت‌های قوه قضائیه

قضائیه بایستی افزایش سرمایه را در روزنامه رسمی کشور (به هزینه شرکت) منتشر سازد و پس از انتشار افزایش سرمایه حسابداری شرکت حق دارد افزایش سرمایه از طریق افزایش سهامی اسمی سهام را در دفاتر ثبت کند. فرض کنید سهام سرمایه شرکت زاهدان (سهامی عام) 5000 سهم یک هزار ریالی باشد. سهامداران همگی توافق نمودند که بهای سهام شرکت به مبلغ 5000 ریال افزایش یابد و هر سهامدار مبلغ 4000 ریال بابت بهای افزایش هر سهم بپردازد و فرض کنید که افزایش بهای سهام شرکت توسط اداره ثبت شرکتهای قوه قضائیه در روزنامه رسمی کشور چاپ شده باشد. این شرکت موظف است سهام 1000 ریالی را باطل و سهام 5000 ریالی چاپ و صادر نموده و به سهامداران شرکت در قبال پرداخت افزایش بهای سهام تحویل دهد. در این حالت بابت ابطال سهام 1000 ریالی حساب سهام سرمایه بدهکار شده و بابت مابه التفاوت دریافتی از سهامداران، حساب وجوه نقد شرکت بدهکار شده و در عوض حساب سهام سرمایه به مبلغ سهام 5000 ریالی بستانکار می شود یعنی ثبت روزنامه زیر در شرکت زاهدان انجام می شود:

$$5000 \times 1000 = 5000000$$

$$5000 \times 5000 = 25000000$$

$$-5000000 = 20000000$$

کل سهام سرمایه 1000 ریالی قبلی

کل سهام سرمایه 5000 ریالی جدید

مبلغ پرداختی افزایش بهای سهام

25000000

ثبت در دفتر روزنامه شرکت :

5000000

20000000

25000000

حساب سهام سرمایه (عادی یا ممتاز)

حساب وجوه نقد (جاری بانکی)

حساب سهام سرمایه (عادی یا ممتاز)

بابت افزایش بهای اسمی سهام 1000 ریالی به سهام 5000 ریالی

ب) افزایش سرمایه به روش توافق با بستانکاران و صاحبان اوراق قرضه به سهام جدید:

حسابهای پرداختی بایستی لارج از محل وجوه نقد (دارایی) یا از محل دارایی جنسی شرکت بازپرداخت گردند، در این رابطه در صورت توافق بستانکاران و تصویب کلیه سهامداران شرکت به جای پرداخت وجه نقد به بستانکاران و دارندگان اسناد پرداختی از شرکت، پس از ثبت افزایش سرمایه و انتشار آگهی آن در روزنامه رسمی کشور، رسماً به جای وجه نقد به بستانکاران و دارندگان اسناد پرداختی شرکت، برگ سهام افزایش سرمایه تحویل شده و بدهی ها به سهام سرمایه تبدیل می گردند

بطور مثال فرض کنید که شرکت سهامی شوشتر به هر يك از آقایان الف وب مبلغ 1500000 ریال بدهکار است. و آقایان جیم نیز از شرکت يك برگ سفته به مبلغ 1000000 ریال دریافت داشته است. هر سه نفر با سهامداران شرکت توافق نمودند که به جاي طلب خود سهام جدید شرکت را دریافت کنند، سهام شرکت 800 سهم 10000 ریالي بود که 400 سهم 10000 ریالي دیگر به عنوان افزایش سرمایه برای 3 نفر نامبرده تصویب و در روزنامه رسمی کشور آگهی گردید و سپس معاوضه بدهی شرکت با سهام سرمایه بعمل آمد. ثبت این عمل در دفتر روزنامه شرکت سهامی شوشتر به قرار زیر است :

3000000

حساب حسابهای پرداختی وبستانکاران

1000000

حساب اسناد پرداختی

4000000

حساب سهام سرمایه (عادی یا ممتاز)

تحويل سهام سرمایه جدید بجاي طلب به آقایان الف وب وجیم بدهی است اگر سهام جدید شرکت دارای ارزشی بیش از قیمت رسمی آنها باشند بایستی بستانکاران (هر 3 نفر یعنی آقایان الف وب وجیم) مبلغ صرف سهام را به شرکت بپردازند. فرض کنید سهام جدید شرکت در بازار به بهای هر سهم 1200 ریال قیمت داشته باشد در اینصورت مبلغ 800000 ریال صرف سهام نصیب شرکت می شود و ثبت تبدیل بدهی به سهام سرمایه به صورت زیر در دفتر روزنامه شرکت به عمل خواهد آمد:

حساب حسابهاي پرداختي (بستانکاران)

حساب اسناد پرداختي

حساب وجوه نقد

حساب سهام سرمايه

حساب صرف سهام

300000

1000000

800000

4000000

800000

تحويل سهام جديد سرمايه به طلب به آقایان الف وب وجيم به قيمتي بيش از بهاي اسمي سهام جديد.

در صورتيکه شرکت اوراق قرضه چاپ و فروخته باشد طبق مواد 69 و 70 لايحه قانون تجارت مي تواند با توافق با مالکين اوراق قرضه به جاي پرداخت وجه نقد به آنان سهام افزايش سرمايه را صادر و به آنان تحويل داده و در نتيجه مالکين اوراق قرضه بعنوان سهامدار جديد به شرکت وارد شوند. در اين حالت حساب اوراق قرضه پرداختي بدهکار و حساب سرمايه بستانکار مي گردد و اگر در اين مورد سودي نصيب شرکت گردد سود تبديل اوراق قرضه به سهام در حساب صرف سهام بستانکار خواهد شد. شرکت سهامي مي تواند به جاي پرداخت وجه نقد بابت سود سهام به سهامداران، سهام افزايش سرمايه منتشر و صادر نموده و به سهامداران تحويل دهد، اين سهام را اصطلاحاً سهام يا جايزه مي گويند. همچنين هر گونه سهامي که در قبال سود تقسيم نشده و يا اندوخته ها به جز اندوخته قانوني به سهامداران موجود تحويل گردد يعني تبديل اندوخته هاي اختياري و صرف سهام و بطور کلي سود تقسيم نشده به سهام و تسليم سهام مزبور به سهامداران که نسبت به سهام موجود آنان در شرکت صورت بگيرد را سهام سود سهمي مي گويند.

برابر مفاد مواد 158 و 160 لایحه قانون تجارت، اجازه صدور سهام جدید در قبال تبدیل اندوخته های اختیاری و سود تقسیم نشده و سود سهام پیشنهادی که با تأیید سهامداران صورت می گیرد،

به شرکت سهامی داده شده است. حسن کار در این است که عواید قابل پرداخت شرکت به سهامداران که در دارایی های شرکت انباشته شده است، بین سهامداران توزیع نمی شود و در نتیجه افزایش سرمایه شرکت حاصل گشته و در عین حال وجهی توسط سهامداران به حساب شرکت پرداخت نمی گردد. مسلم است که در این حالت حساب اندوخته اختیاری یا سود تقسیم نشده یا سود سهام پرداختی بدهکار و حساب سهام سرمایه شرکت بستانکار خواهد شد.
(د) افزایش سرمایه با قبول سهامداران جدید:

طبق ماده 157 لایحه قانون تجارت مصوب اسفند 1374 شرکت سهامی می تواند با صدور سهام جدید و فروش آن بصورت نقدی بین سهامداران موجود و یا به سهامداران جدید یعنی با قبول سهامداران جدید، سرمایه شرکت را افزایش دهد. بدیهی است که بایستی صدور سهام جدید در شرکتهای سهامی عام با تصویب مجمع عمومی فوق العاده و در شرکت سهامی خاص با تأیید همه سهامداران باشد. ضمناً قبول سهامداران جدید در شرکت سهامی عام دارای شرایط خاص صنفی یا محلی است یعنی حداکثر ممکن است که قید شود که سهامدار جدید بایستی تخصص خاصی را داشته باشد و یا اینکه در شهر خاصی ساکن باشد و غیر از این شرایط، شرایط دیگری برای سهامدار جدید مطرح نمی گردد.

اما قبول سهامدار جدید در شرکتهای سهامی خاص فقط به تأیید همه سهامداران شرکت امکان خواهد داشت. لذا با فرض تصویب سهامداران و انجام تشریفات قانونی، ثبت صدور سهام جدید (افزایش سرمایه) در اداره ثبت شرکتهای قوه قضائیه و انتشار در روزنامه رسمی کشور در مورد صدور سهام جدید برای سهامداران جدید مطلب را دنبال می‌نمائیم و لذا با فرض انجام تشریفات قانونی صدور سهام جدید برای سهامداران جدید چنانچه سهام جدید به قیمت مندرج در برگ سهام یعنی به قیمت اسمی فروخته شود، حساب وجوه نقد شرکت بدهکار و حساب سهام سرمایه بستانکار می‌گردد. لیکن اگر سهام صادره جدید به مبلغی بیشتر از بهای اسمی آن فروخته شود تفاوت بهای اسمی و مبلغ دریافتی به عنوان صرف سهام تلقی و در حساب به همین نام بستانکار می‌گردد. ضمناً شرکت می‌تواند هزینه های چاپ و صدور سهام جدید را از محل صرف سهام مستهلك سازد.

ه) صدور سهام جدید با حق تقدم برای سهامدارن قبلي (موجود):

به موجب ماده 166 لایحه قانونی تجارت مصوب اسفند 1347 صاحبان سهام شرکت در خرید سهام جدید حق تقدم دارند و این حق تقدم قابل نق و انتقال بوده و مهلتی که طی آن سهامداران می‌توانند حق تقدم مذکور را اعمال نمایند کمتر از 60 روز از روز شروع پذیره نویسی تعیین می‌گردد اگر در مهلت مقرر صاحبان سهام از حق تقدم خرید سهام سهام جدید استفاده ننمایند، سهام باقیمانده به متقاضیان جدید فروخته خواهد شد (ماده 172)

بطوریکه مفاد مواد قانونی ملاحظه می شود، صاحبان فعلی سهام شرکت در خرید سهام جدید حق تقدم دارند وحتی این حق تقدم را می توانند به شخص ثالث انتقال دهند. نداشتن حق تقدم در خرید سهام جدید بایستی در همان مجمع عمومی فوق العاده ای که افزایش سرمایه شرکت را از طریق صدور سهام جدید تصویب نموده است، قید شده باشد و لذا در واقع سلب حق تقدم در خرید سهام جدید توسط سهامداران شرکت پیش بینی می شود. صاحبان سهام شرکت به نسبت سهام خود در شرکت در خرید سهام جدید حق تقدم دارند یعنی اگر سهام صادره جدید نصف سهام قبلی شرکت باشد و مثلاً یکی از سهامداران 100 سهم از سهام شرکت را در اختیار داشته باشد فقط حق تقدم خرید معادل نصف سهام خود را دارد یعنی 50 سهم می تواند حق تقدم داشته باشد. در نتیجه نداشتن حق تقدم در خرید سهام، این امتیاز برای صاحبان سهام موجود است که بتوانند سهام جدید شرکت را به قیمتی پایین تر از بهای سهام شرکت در بازار خریداری نماید بعد از صدور سهام جدید و انتشار اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید با حق تقدم صاحبان سهام، صاحبان سهام بایستی در مهلت مقرر به مکانهای معین شده در اعلامیه پذیره نویسی مراجعه و با ارائه گواهی حق تقدم خرید سهام نسبت به پرداخت بهای سهام جدید و خرید آنها اقدام نمایند. زمانی که شرکت گواهی نامه حق تقدم در خرید سهام جدید را به نام سهامداران صادر می نماید چون داد و ستدهای صورت نگرفته، لذا در دفاتر شرکت ثبتی بعمل نخواهد آمد، لیکن سهامدار دریافت کننده حق تقدم در خرید سهام، اگر حسابداری داشته باشد و خود يك شخصیت حقیقی یا حقوقی دارای دفاتر قانونی

باشد، بایستی به ارزش گواهی نامه حق تقدم خرید سهام دفاتر خود را ثبت نماید علت این است که این حق تقدم در خرید سهام که به سهامداران اعطاء شده است، نسبت به ارزش جاری سهام در بازار تفاوت قیمت دارند. یعنی قیمتی که سهامدار برای خرید سهام جدید می دهد بین 10 تا 50 درصد کمتر از بهای سهام شرکت در بازار است و در واقع سهام جدید دارای ارزش ترجیحی است، یعنی برای سهامداران نرخ ترجیحی تعیین شده است که نسبت به نرخ بازار رجحان دارد و همین ارزش ترجیحی است که گواهی حق تقدم را مانند يك حواله دارای ارزش نموده و قابل و انتقال می نماید. بدیهی است که سهامداران موقع دریافت گواهینامه حق تقدم در خرید سهام جدید با مذاکره با یکدیگر و اعضای هیات مدیره یا مسئولین شرکت از ارزش گواهینامه حق تقدم خود آگاه می شوند. مثلاً اگر شرکت سهامی عام فرحزاد، سهام جدید افزایش سرمایه به ارزش اسمی 1000 ریال صادر نموده باشد و به فرض آقای الف یکی از سهامداران شرکت که يك درصد سهام شرکت را دارد یعنی از 400000 سهم مندرج در گواهینامه حق تقدم يك درصد سهام را دارد که عبارت از 4000 سهم خواهد بود و با توجه به اینکه تعداد افزایش سهام 200000 سهم یعنی معادل 50 درصد سرمایه قبلی می باشد. از آقای الف از امتیاز حق تقدم خرید سهام جدید به تعداد 2000 سهم برخوردار خواهد شد.

تعداد سهام افزایش سرمایه × تعداد سهام آقای الف

تعداد سهام حق تقدم در خرید آقای الف =

تعداد سهام شرکت قبل از افزایش سرمایه

4000 × 200000

= 2000

تعداد سهامی که آقای الف حق تقدم خرید دارد

400000

همان طوری که در ذیل گواهینامه به حق تقدم در خرید سهام آمده است، سهام جدید به بهای هر سهم 4000 ریال به دارندگان حق تقدم در خرید سهام فروخته می شود یعنی آقای الف که 2000 سهم حق تقدم خرید دارد، برای خرید سهام مزبور بایستی 8000000 ریال بپردازد ($2000 \times 4000 = 8000000$) سپس آقای الف با پرسش و تحقیق متوجه می شود که سهام شرکت فرحزاد در بازار به بهای هر سهم 5350 ریال خرید و فروش می شود و در نتیجه پی می برد که بابت 2000 سهم هر سهمی 1350 ریال گواهینامه حق تقدم برای وی ارزش دارد و لذا جمعاً 2700000 ریال ($2000 \times 1350 = 2700000$) با گرفتن برگ گواهینامه حق تقدم خرید در سهام در در آمد قابل انتظار در اختیار دارد. لیکن باید دانست که آقای الف در ازای کسب این درآمد چه مبلغی را از دست می دهد

زیرا در مهلت استفاده از حق تقدم در خرید سهام قیمت بازار سهام کاهش می یابد زیرا قبل از افزایش سرمایه و صدور سهام جدید ، بهای سهام در بازار ، هر سهم 5350 ریال بود چون به ازای هر دو سهم 5350 ریالی يك سهم 4000 ریالی حق تقدم خرید برای سهامدار وجود دارد ولذا بهای دو سهم قبلي ویک سهم جدید جمعاً $(4000+5350+5350=14700)$ ریال خواهد بود که اگر به 3 سهم تقسیم شود قیمت هر سهم مبلغ 4900 ریال خواهد شد در نتیجه بعلت صدور سهام جدید قیمت سهام در بازار به مبلغ هر سهم 4900 ریال کاهش خواهد یافت

3-2- اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام

به کار انداختن سرمایه که وجوه نقد مهمترین بخش سرمایه هر فرد یا موسسه را تشکیل می دهد یکی از عملیات مداوم صاحب سرمایه می باشد جاذبه به کار انداختن سرمایه کسب در آمد ویا منفعت بیشتر می باشد به همین سبب کسانی که وجوه نقد مازاد بر نیاز دارند دائماً تحقیق میکنند که وجوه نقد اضافی خود را در چه فعالیتی به کار اندازند تا بالا ترین منفعت را بدست آورند و همین امر علت اصلی تاسیس شرکتها و موسسات مختلف می شود بدیهی است که مدیران و صاحبان سرمایه در شرکتها برای کسب در آمد بیشتر امتیازاتی برای دارندگان وجوه نقد مازاد در نظر می گیرند تا آنها را تشویق به سرمایه گذاری در شرکت خود بنمایند .

یکی از طرق جلب صاحبان وجوه نقد به سرمایه گذاری در شرکت های سهامی عام صدور اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام می باشد اوراق قرضه صادره قابل تبدیل به سهام علاوه بر سود ثابتی که دارد یک نوع امتیاز دیگر نیز دارد که حق تبدیل اوراق قرضه به سهام شرکت صادر کننده اوراق قرضه است این حق در شرکتهای سهامی عامی که دارای مدیریت خوب و سوددهی با بیش از بهره متداول بانکی هستند یک نوع جاذبه برای فروش اوراق قرضه به صاحبان سرمایه ایجاد می کند زیرا سهام سرمایه شرکتهائی که مدیریت و سود دهی خوبی داشته باشند ارزش بازار بیشتری نسبت به سهام شرکتهای دیگری که وضع مدیریت و سود دهی مناسب ندارند دارد و لذا صاحبان وجوه نقد با آگاهی از این امر که خرید سهام شرکت دارای وضعیت خوب مشکل و در بازار رقابت گاه غیر ممکن می باشد خودبخود ترغیب می شوند که اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام سرمایه این قبیل شرکتها را خریداری کنند تا در موقع افزایش سرمایه شرکت بتوانند از حق تقدم تبدیل اوراق قرضه به سهام سرمایه شرکت نسبت به متقاضیان عادی استفاده نمایند .

مسلم است که شرکت سهامی عام صادر کننده اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام نبایستی امتیاز تبدیل به سهام را از بین ببرد یعنی نبایستی در شرایط تبدیل اوراق قرضه به سهام شرکت مطالبه صرف سهام نماید و در واقع بایستی برای تشویق صاحبان وجوه نقد به خرید اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام شرکت بهای اوراق قرضه صادره را معادل بهای اسمی سهام شرکت قرار دهد تا در امر تشویق صاحبان

وجوه نقد به خرید اوراق قرضه شرکت موفق گردد در ماده 70 قانون تجارت مصوب اسفند 1347 نیز این امر تصریح شده و مقرر گشته است که معادل مبلغ باز پرداخت نشده اوراق قرضه صادره با حق تبدیل به سهام بایستی از سهام افزایش سرمایه بعد از ثبت افزایش سرمایه با رعایت موازین قانونی به صاحبان این قبیل اوراق قرضه از سهام شرکت تسلیم گردد در صورت وقوع این عمل بایستی در دفاتر حسابداری شرکت سهامی عام صادر کننده اوراق قرضه، حساب اوراق قرضه پرداختنی بدهکار و حساب سرمایه شرکت بستانکار گردد.

4-2- سهام ممتاز قابل تبدیل به سهام عادی

سهام سرمایه شرکت های سهامی می تواند به صورت سهام عادی و بخشی نیز به صورت سهام ممتاز باشد. سهام عادی را معمولاً سهامداران اصلی شرکت خریداری می کنند و خرید سهام ممتاز هم برای سهامداران اصلی و هم سهامداران دیگر آزاد بوده و طبق شرایط پذیره نویسی قابل خرید می باشد. برای اینکه بدانیم آیا سهام ممتاز واقعاً جزو سهام اصلی سرمایه شرکت است یا نه، باید به حق رأی دارندگان سهام ممتاز توجه شود، اگر دارندگان سهام ممتاز حق رأی در اداره امور شرکت را داشته باشند در این صورت سهام ممتاز شرکت مانند سهام عادی بخشی از سرمایه پرداخت در این حالت سهام ممتاز ماهیت واقعی سرمایه پرداخت شده را نمی تواند داشته باشد بلکه در واقع نوعی اوراق قرضه می باشد که به نام سهام ممتاز به خریداران فروخته شده شرکت را تشکیل داده و دارندگان این قبیل سهام

ممتاز نیز سهامدار اصلی شرکت هستند ولی اگر دارندگان سهام ممتاز فاقد حق رای در اداره امور شرکت باشند شده وحق خریدار این قبیل سهام ممتاز فقط دریافت سود سهام ممتاز شرکت در مواعد مقرر می باشد. در این حالت دارندگان سهام ممتاز در صورت اعلام شرکت می توانند برای تعویض سهام ممتاز فاقد حق رأی به سهام عادی اقدام نمایند که حسابداری آن مشابه تبدیل اوراق قرضه به سهام عادی می باشد. لیکن اگر سهام ممتاز با حق رأی باشد، در این حالت سهام ممتاز نیز مانند سهام عادی از افزایش قیمت در بازار برخوردار خواهند شد و در نتیجه دارندگان این قبیل سهام ممتاز می توانند برابر قیمت بازار نسبت به تبدیل سهام ممتاز خود به سهام عادی شرکت اقدام کنند زیرا سهام ممتاز دارای حق رأی معمولاً طبق مقررات شرکت قابل تبدیل به سهام عادی خواهد بود و نرخ تبدیل سهام ممتاز با حق رای به سهام عادی در مقررات فروش سهام ممتاز از قبل اعلام می گردد و در نتیجه همین موضوع قابلیت تبدیل سهام ممتاز به سهام عادی مبین این امر می باشد که سهام ممتاز شرکت بخشی از سرمایه پرداخت شده شرکت را تشکیل داده و برای ایجاد تساوی حقوق سهامداران، در مقررات فروش سهام شرکت نرخ تبدیل سهام ممتاز به سهام عادی منظور می شود و لذا ارزش سهام ممتاز نیز مانند سهام عادی شرکت در بازار افزایش خواهد یافت

5-2- بازخرید سهام ممتاز

ممکن است در اساسنامه شرکت سهامی عام صادر کننده سهام ممتاز، بازخرید سهام ممتاز پیش بینی شده باشد. هدف از بازخرید سهام ممتاز منحصرأ ایجاد تساوی حقوق بین سهامداران بوده و از طرف دیگر حذف تعهد شرکت مثلاً در قبال سود سهام ممتاز نیز در بالا بردن منابع شرکت و در نتیجه کارآیی شرکت موثر می باشد. چون در نتیجه بازخرید سهام ممتاز سرمایه شرکت کاهش می یابد، لذا اگر بازخرید سهام ممتاز و کاهش سرمایه در اساسنامه اولیه شرکت منظور شده باشد از نظر مقررات قانونی مانعی برای اجرای طرح بازخرید سهام ممتاز به وجود نمی آید اما اگر این امر قبلاً پیش بینی نشده باشد، بایستی مجمع عمومی فوق العاده شرکت موضوع بازخرید سهام ممتاز و کاهش سرمایه شرکت را تصویب نموده و به تأیید اداره ثبت شرکتهای قوه قضائیه برساند (طبق ماده 189 و تبصره ذیل آن در لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب 1374).

در تاریخ بازخرید سهام ممتاز حساب سهام ممتاز سرمایه شرکت بدهکار و صفر می گردد و در مقابل حساب وجوه نقد شرکت بابت پرداخت بهای سهام ممتاز بایستی بستانکار شود. در صورتی که سهام ممتاز دارای صرف سهام باشند و صرف سهام مزبور قبلاً به سهامداران پرداخت نشده باشد بایستی حساب صرف سهام ممتاز نیز پرداخت گردد، در نتیجه به هنگام بازخرید سهام ممتاز نیز بدهکار و صفر می شود و حساب وجوه نقد شرکت بایستی بستانکار گردد. چنانچه موقع بازخرید سهام ممتاز، سهام

ممتاز به مبلغی بیش از بهای اسمی آنها بازخرید شوند بایستی تفاوت بهای اسمی و مبلغ پرداتی بابت بازخرید از محل حساب تقسیم سود انباشته یا حساب بود تقسیم نشده بدهکار و وجوه نقد بستانکار گردد. لیکن اگر در موقع بازخرید سهام ممتاز بهای خرید سهام ممتاز کمتر از قیمت اسمی آن باشد در اینصورت تفاوت بهای اسمی سهام و مبلغ بازخرید شده باید در حساب صرف سهام بستانکار شود.

فصل سوم:

سود تقسیم نشده

و

سود سهام

3

فصل

(2)

میانہ

مفهوم

اگر سرمایه گذاری صاحبان يك موسسه را براي يك مدت ثابت در نظر بگیریم و دریافت هر گونه وام از اشخاص دیگر را در يك موسسه نسبت به ابتدای سال بدون تغییر در نظر بگیریم تمام وجوه بدست آمده اضافی بردارائیهها در ابتدای سال را سود صاحبان موسسه می نامند بنا براین یکی از ارکان شناسایی سود عامل مهم زمان می باشد و سود فرآیند داد و ستد است بین يك شرکت یا موسسه در مدت محدودی از زمان .

سود تقسیم نشده:

تعریف:

هر گونه منافع تحصیل شده در يك دوره مالی معین که بین صاحبان موسسه توزیع و پرداخت شده باشد را سود تقسیم نشده می گویند. سود تقسیم نشده شامل منافع تحصیل شده موسسه که از موسسه خارج نشده است می باشد . نمودار ذیل ساختار سود تقسیم نشده در شرکتهای سهامی را نشان می دهد:

زبان ویژه دوره

ساخت کالا و فروش آنها و سایر
مبادلات در هر دوره مالی

انجام خرید و فروش و سایر
مبادلات در هر دوره مالی

انجام درآمد و هزینه سایر
مبادلات در هر دوره مالی

سود ویژه یا سود خالص دوره

مانده سود تقسیم نشده دوره

تقسیمات و تخصیصات پرداختی جاری

سود انباشته

مثال عددی: فرض می کنیم شرکتی به ساخت و فروش خودروی سواری اشتغال دارد. بهای تمام شده هر سواری برای شرکت ۲۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰ ریال یا ۲ / ۰۰۰ / ۰۰۰ تومان می باشد ۳ معین شده است. ۳X بهای تمام شده مزبور در یک دوره مالی سهام سرمایه و داراییهای شرکت در ابتدای سال مبلغ ۸۰۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰ ریال ۳X

$$490 \times 30.000.000 = 14.700.000.000$$

بهای تمام شده خودرو فروخته شده

$$490 \times 20.000.000 = 9.800.000.000$$

بهای تمام شده خودرو فروخته شده

$$14700000000 \times 10\% = 1470000000$$

مالیات بر درآمد شرکت در دوره

صورتحساب سود و زیان سال 3

شرکت X

14700000000 فروش کل

(بهای تمام شده کالای فروش رفته) (9800000000)

4900000000

سود ناویژه (2450000000)

(هزینه های دوره) 2450000000

سود ویژه قبل از کسر مالیات (1470000000)

(مالیات بردرآمد)

سود ویژه

980000000

بدهی است که در هر سال رقم سود ویژه تابع درآمد و هزینه انجام شده در همان سال می باشد در ضمن اگر بطور مثال طبق توصیه هیات مدیره و تأیید مجمع عمومی شرکت مبلغ 80/000/000 به عنوان اندوخته قانونی و 100/000/000 ریال بعنوان اندوخته احتیاطی و 500/000/000 ریال سود سهام به صاحبان سهام تعلق گیرد با تنظیم صورت حساب سود، میزان سود (مبلغ 3X انباشته تقسیم نشده در پایان دوره مالی) سال 300/000/000 ریال خواهد بود به فرض اینکه از سالهای قبل سود انباشته ای باقی نمانده باشد.

صورتحساب تقسیم سود ویژه شرکت

9800000000

• X سال X3

• سود ویژه دوره مالی

• (تقسیمات و تخصیصات سود)

800000000

• اندوخته قانونی

1000000000

• اندوخته احتیاطی

5000000000

• سود سهام

(6800000000)

• جمع کسورات

3000000000

•

سود تقسیم نشده یا انباشته یاسنواتی

ملاحظه می شود سود تقسیم نشده باقیمانده منافع تحصیل شده شرکت که بین صاحبان سهام و سایر امور شرکت تقسیم یا توزیع نشده می باشد. مبلغ سود تقسیم نشده رقم متصل شونده به ترازنامه می باشد و باعث متصل شدن سود و زیان دوره مالی به ترازنامه آخر سال در همان دوره می باشد. با توجه به توضیحات عبارتست از: عبارتست از:

3X فوق ترازنامه اول سال

3X در ابتدای سال 3X ترازنامه شرکت

جمع بدهی و حقوق صاحبان جمع دارایی ها 800000000

سهام و سرمایه، 800000000

حساب 3X صندوق (وجه نقد) شرکت طی سال نیز به شرح ذیل می باشد:

X3 حساب وجه نقد در سال

پرداختي بابت بهاي تمام شده

10000000000

سوارا يها: 500 دستگاه

پرداختي بابت هزينه ها

جمع 15500000000

جمع 12450000000

مانده به نقل زير 3050000000 15500000000

15500000000

3050000000

مانده اول سال 8000000000

دريافتي بابت فروش 14700000000

2450000000

12450000000

با توجه به مانده حساب دارائي ها كه به صورت نقد فرض شده به شرح زير X است ترازنامه
 شركت در پايان سال 3 خواهد بود. ملاحظه مي شود تفاوت در ترازنامه اول سال كلا سود
 مکتسب خالص دوره مالي X و در پايان سال 3 X3 مي باشد.

X در پايان سال 3 ترازنامه شركت

بدهي جاري : دارائي:

3/500000000	وجه نقد	14700000000	ماليات بر درآمد
200000000	موجودي کالا	500000000	سود سهام پرداختي
3250000000	جمع دارائي	1970000000	جمع بدهي جاري

حقوق صاحبان سهام:

800000000	سرمایه
80000000	اندوخته قانوني
100000000	اندوخته احتياطي
300000000	سود تقسيم نشده
3250000000	

سود تقسیم نشده در ماهیت دارایی ها وجود دارد و بطور کلی تمام بخش بدهی ها و سرمایه و سود تقسیم نشده و اندوخته ها از نظر ماهوی در داراییها وجود دارند. این داراییهای یک بخش یا موسسه می باشد که بخشی از آن از محل بدهیهای شخص یا موسسه و بخشی دیگر از محل سرمایه یا حقوق صاحب یا صاحبان موسسه بوجود آمده است. در واقع توزیع سود بین سهامداران یا صاحب موسسه باعث خارج شدن از منابع وجوه نقد یا کاهش دارایی در شرکت یا موسسه خواهد شد باقی ماندن سود در شرکت و عدم توزیع آن یا عدم پرداخت انبعاث برقراری دارایی های شرکت تعادل سود تقسیم نشده خواهد شد حتی اگر بخشی از سود تقسیم نشده به اندوخته ها اختصاص یابد. برابر قانون تجارت مصوب 1345، طبق ماده 239 سود قابل تقسیم که ب بیان دیگر سود تقسیم نشده است عبارتست از سود خالص سال مالی شرکت منهای زیانهای سالهای مالی قبل و اندوخته های قانونی و سایر اندوخته های اختیاری بعلاوه سود قابل تقسیم سالهای قبل. بنابر ماده 239، مانده سود تقسیم نشده هر سال در دوره بعد بعنوان سود قابل تقسیم بایستی با سود قابل تقسیم سال مالی جمع شده و در تسهیم سود سال مالی، مورد تقسیم واقع شود.

مثالی مربوط به مباحث ذکر شده بالا:

اگر يك شرکت را از سال اول تاسیس در نظر بگیریم، این شرکت در ابتدای امر فاقد سود مکتسب می باشد. فرض می شود که در سال اول مبلغ 1/000 ریال سود خالص پس از کسر مالیات بر درآمد دوره داشته باشد این رقم در واقع سود ویژه شرکت پس از کسر مالیات است چون از 1/000 ریال بایستی اندوخته ها و سود سهام کنار گذاشته شود لذا در این حالت برخی به آن سود قابل تقسیم میگویند در صورتی که در ماده 239

قانون تجارت سود قابل تقسیم بعد از کسر اندوخته قانونی و سایر اندوخته های اختیاری می باشد. از طرف دیگر مبلغ 1/000 ریال سود ویژه پس از کسر مالیات، چون تقسیم نشده تا زمان تقسیم می تواند نام سود تقسیم نشده را داشته باشد بنابراین چون مبلغ 1/000 ریال می تواند مورد تقسیم واقع شود از دید برخی از حسابداران سود قابل تقسیم است، از دید برخی سود تقسیم نشده است از نظر قانون تجارت ظاهراً هیچ يك از 2 اصطلاح را شامل نمی شود اما چون قانون تجارت نظر به سود قابل تقسیم بین سهام داران دارد لذا از نقطه نظر مبلغی که بین سهام داران قابل تقسیم است سود قابل تقسیم را مطرح می سازد.

در این میان بعضی از حسابداران خبره اصطلاح سود انباشته را بکار می برند زیرا از نظر آنان مبلغ مزبور بتدریج در طول يك سال مالی از مکانیزم پرداخت هزینه ها و دریافت یا تحصیل درآمدها باقی می ماند و درپایان سال مالی سود ویژه بعد از کسر مالیات را تشکیل می دهد اما بطور کلی می توان گفت که فرآیند کارکرد هر موسسه درشرایط عادی کسب در آمد و در نتیجه سود ویژه می باشد سود ویژه در حسابی به نام سود و زیان یا خلاصه سود و زیان از بدهکار شدن هزینه ها و بستانکار شدن درآمدها به صورت مانده بستانکار باقی می ماند و بهتر است مانده حساب سود و زیان را در صورت وجود سود ویژه به حساب دیگری به نام تقسیم سود انباشته منتقل سازند. بدیهی است که در صورت وجود مانده بدهکار در حساب سود و زیان (که زیان ویژه می باشد) شایسته است آن را نیز به حساب تقسیم سود انباشته منتقل نموده و حساب خلاصه سود و زیان یا سود و زیان را که در واقع يك حساب ادواری می باشد و نتیجه يك سال یا يك دوره کارکرد موسسه را تحت عنوان سود ویژه یا زیان ویژه نشان می دهد صفر نموده و آن را مسدود می سازند. برای این عمل ثبت زیر با فرض داشتن سود ویژه نشان داده می شود :

حساب سود و زیان یا خلاصه سود و زیان بر: Xپایان دوره

حساب تقسیم سود انباشته بر

انتقال سود ویژه به حساب تقسیم و بستن سود و زیان

در صورتی که موسسه در پایان يك دوره مالی زیان ویژه داشته باشد با فرض اینکه حساب تقسیم سود انباشته مانده ای بیش از زیان مذکور داشته باشد بایستی مانده حساب سود و زیان را به حساب تقسیم سود انباشته منتقل نموده و از مانده قبلی حساب تقسیم سود انباشته را کسر نمایند یعنی:

(حساب تقسیم سود انباشته به X در پایان دوره

حساب سود و زیان یا خلاصه سود و زیان بر انتقال زیان ویژه جهت کسر از سود سالهای گذشته اگر موسسه ای در سالهای اولیه فقط زیان ویژه داشته باشد باز هم بایستی آنرا در حساب تقسیم سود انباشته بدهکار سازند تا در سنوات بعد از سود سالهای بعد کسر گردد. بدین ترتیب در حساب تقسیم سود انباشته، به صورت يك حساب دائمی، نتیجه سالها کار در موسسه را بطور متوالی منعکس نموده و سپس تقسیمات و تخصیصات هر دوره را از آن خارج می سازند.

با فرض وجود سود ویژه در سنوات گذشته مانده حساب تقسیم سود انباشته به دلیل مازاد بودن درآمدها نسبت به هزینه ها مانده ای بستانکار بوده و افزایش دهنده حقوق صاحبان سهام می باشد سپس به 2 بخش عمده تبدیل می شود .

یکی اقلام تقسیم شده یا اختصاص یافته برای امور هر دوره مالی و دیگری باقیمانده سود تقسیم نشده که بعنوان یکی از اقلام افزایش دهنده حقوق صاحبان سهام در ترازنامه به حقوق سهامداران اضافه می شود و در پایان دوره مالی مانند حساب بدهی ها و حقوق سهامداران با ترازنامه اختصاصی بسته شده و سال بعد با ترازنامه افتتاحی مفتوح می شود .

بنابراین در حساب سود انباشته (سود ویژه+مانده سود ویژه سنوات قبل) 2قسمت عمده دیده می شود یکی سود تقسیم شده یا اختصاص یافته و دیگری سود تقسیم نشده یا اختصاص نیافته. سود تقسیم نشده یا اختصاص نیافته:

در این بحث لازم است در ابتدا در مورد مالیات بر درآمد که برخی حسابداران آن را نوعی تخصیص دانسته و در حساب تقسیم سود انباشته منظور می کنند و برخی دیگر نیز آن را نوعی هزینه دانسته و در پایان حساب سود و زیان و یا خلاصه سود و زیان منعکس می سازند مطالبی مطرح شود

مالیات بر درآمد دوره:

پس از کسر هزینه ها از درآمدها در حساب سود و زیان (با فرض مازاد بودن درآمدها) سود ویژه حاصل می شود که در این لحظه به آن سود ویژه قبل از کسر مالیات می گویند. موسسات موظفند برطبق ماده 131 قانون مالیاتهای تقسیم مصوب سوم اسفند ماه 1366 که از ابتدای سال 1368 هجری شمسی اجرای آن الزامی می باشد مالیات بر درآمد سود ویژه مربوطه را محاسبه نموده و رقم حاصل را از سود ویژه کسر نمایند برای این کار لازم است حساب سود و زیان یا خلاصه سود و زیان را بدهکار و حساب جدیدی به نام ذخیره مالیات بر درآمد یا مالیات پرداختی را بستانکار نمایند یعنی:

حساب سود و زیان بر

حساب ذخیره مالیات برآمدبر

سپس حساب سود و زیان مانده گیری می شود و مانده جدید به نام سود ویژه پس از کسر مالیات نامیده می شود. برابرقانون مالیاتها ی مستقیم شرکتها و اشخاص حقوقی موظفند، سود و زیان و عملکرد دوره مالی خود را در فرصی که به آن اظهار نامه مالیاتی میگویند بنویسند و میزان مالیات بر درآمد محاسبه شده را مشخص نمایند سپس بایستی چک مالیات محاسبه شده را همراه با اظهار نامه مالیاتی به حوزه مالیاتی مربوطه تسلیم و رسید دریافت نمایند.

معمولا صدور چک مالیات را به عنوان يك پیش پرداخت تلقی می نمایند و حساب پیش پرداخت مالیات را بدهکار و حساب وجوه نقد را بستانکار می سازند: یعنی:

پیش پرداخت مالیات بر

وجه نقد بر

پس از رسیدگی به اظهار نامه مالیاتی توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی اگر مالیات ابرازی صحیح بود برگ مغایر حساب مالیاتی دوره مربوطه صادر می گردد ولی اگر زیادتز از مالیات ابرازی بایستی مالیات پرداخته می شد دراین صورت تفاوت آن دریافت می گردد و در دفاتر موسسه مالیات قطعی به شرح زیر می باشد:

مالیات پرداختی به
پیش پرداخت مالیات بر
سود تقسیم نشده بر
وجه نقد بر

بابت پرداخت کسری مالیات ابراز شده

اگر پس از رسیدگی مشخص شد که مالیات ابرازی موسسه بیش از مبلغ واقعی می باشد در این حالت اضافه پرداخت موسسه برای سال بعد در وزارت امور اقتصادی و دارایی باقی می ماند ولی در دفاتر شرکت مابه التفاوت اضافه پرداختی بایستی به حساب سود سنواتی یا تقسیم نشده بستانکار شود یعنی:

مالیات پرداختی (ذخیره مالیات بردرآمد) به

پیش پرداخت مالیات بر
سود تقسیم نشده بر

پیش پرداخت مالیات به مبلغ مالیات قطعی بستانکار و حذف می شود و باقی مانده بدهکار آن در حساب مربوط برای سال بعد به عنوان پیش پرداخت باقی می ماند و سال بعد به همراه مالیات ابرازی پیش پرداخت می شود.

سود سهام سهامداران :

سود سهام سهامداران عبارتست از توزیع بخشی از دارایی شرکت بین مالکین آنکه از نتیجه کسب درآمد دوره جاری یا دوره های قبل حاصل شده است. هر مبلغی که از این رقم در موسسه باقی بماند و بین سهامداران توزیع نگردد در واقع موفی

ایجاد محدودیت در سود سهام سهامداران می باشد .

سود سهام توزیع شونده بین سهامداران یا بصورت نقدي توزیع میگردد یا بصورت سهام سرمایه (سود سهمی) ممکن است پرداخت سود سهام به علت عدم وجود وجه نقد به صورت جنسی از تولیدات موسسه صورت پذیرد یا اینکه موقتاً به صورت بدهی جاری در موسسه بماند در این صورت باید ظرف سال بعد به صورت اسناد پرداختی تبدیل شود

الف) پرداخت سود سهام به صورت نقد:

ابتدا میزان سود سهام را بر اساس مصوبه مجمع عمومی و یا به توصیه مدیران تعیین نموده و در حساب سود انباشته آن بدهکار و به حساب سود سهام پیشنهادی یا سود سهام عادی یا سود سهام پرداختی بستانکار می کنند .

يعني اگر ميزان سود سهام مصوبه مجمع عمومي باشد سود سهام پرداختي و اگر براساس
توصيه مديران باشد سود سهام پيشنهادي يا عادي تلقي مي شود پس در موقع پرداخت سود هر
سهامدار به وي حساب سود سهام پرداختي يا پيشنهادي يا عادي بدهکار شده و حسابجاري
بانکي موسسه بستانکار مي شود. بايد توجه داشت که در موقع صدور چک سود سهام بایستی دو
فقره چک و يا مجموعا بابت همه سود سهامداران يك چک کلي مجدداً براي ماليات سود سهام
سهامداران صادر گردیده و به وزارت اموراقتصادي و دارايي پرداخت شود.

مثال عددي:

مبلغ 14/000/000 ريال X شرکت بسطام در پايان سال 1

سود ویژه قبل از کسر ماليات دارد. به طور فرض ماليات بر درآمد شرکت
مبلغ 2/100/000 ريال مي باشد. سود سهام مبلغ 5/000/000 ريال بصورت نقد بين سهامداران
توزيع مي شود مطلوبست نمايش عمليات تا پايان پرداخت سود سهام ماليات بر درآمد 10٪
منظور شود:

14/000/000 سود وزيان (خلاصه سود وزيان) X1/12/29:

تقسيم سود انباشته 14/000/000

انتقال سود ویژه به تقسيم سود انباشته

تقسیم سود انباشته (سودوزیان) X1/12/292/100/000:

ذخیره مالیات بر درآمد 2/100/000 کنار گذاشتن مالیات بر درآمد از سود ویژه

تقسیم سود انباشته X1/12/295/000/000:

سود سهام پرداختی 5/000/000

کنار گذاشتن سود سهام قابل پرداخت به سهامداران

سود سهام پرداختی X25/000/000 در طی سال

جاری بانکی 5/000/000

پرداخت سود سهام به سهامداران و مالیات های پرداختی به وزارت امور اقتصادی و دارایی

ب) پرداخت سود سهامداران به صورت غیر نقدی:

در بسیاری از مواقع موسسه با وجود داشتن سود ویژه و در نتیجه سود سهام پرداختی ممکن است وجه نقد کافی برپا پرداخت سود سهام در اختیار نداشته باشند که سود سهام سهامداران را بصورت نقد بپردازند و لذا با موافقت سهامداران ممکن است که از تولیدات موسسه یا موجودی کالا به جای پول نقد استفاده شده

و کالا به سهامداران داده شود. در این حالت اگر کالا به قیمت تمام شده برای موسسه به سهامداران توزیع گردد بایستی حساب سود سهام پرداختی بدهکار و حساب کالا به قیمت تمام شده بستانکار شود. بابت پرداخت مالیات سود سهام هر سهامدار موقع تحویل کالا مبلغی به میزان مالیات سهامدار از هر سهامدار در یافت می شود که حساب جاری بانکی شرکت بدهکار و مالیات پرداختی سود سهام بدهکار و جاری بانکی شرکت بستانکار شده و مالیات در وجه وزارت امور اقتصاد و دارایی پرداخت می شود.

تبصره: باید توجه داشت که پرداخت سود سهام مبلغی به صورت نقد و مبلغی به صورت کالا در ایران بسیار متداول است و در این حالت مالیات سهامدار از مبلغ نقدی پرداخت می شود.

مثال عددی:

شرکت بجنورد سهامی عام تمام سهام سرمایه را به کارکنان به هر سهامدار مبلغ $x1$ شرکت واگذار نموده است. در پایان سال 50/000 ریال سود سهام تعلق گرفته است که با تأیید کارکنان قرار شد به هر سهامدار مبلغ 20/000 ریال نقد و 30/000 ریال کالا پرداخت شود. مالیات هر یک از کارکنان یا سهامداران 10٪ سود سهام فرض شود.

مطلوبست ثبت پرداخت سود سهام به کارکنان به صورت نقدی در دفتر روزنامه شرکت بجنورد (x2 و غیر نقدی در طی سال تعداد سهامداران 500 نفر با سهام مساوی فرض می شود):

:سود سهام پرداختي 250/000X در طی سال

موجودي کالا 30/000

جاري بانكي 19500

مالیات پرداختي سود سهام 500

**پرداخت سود سهام به هر سهامدار : مالیات پرداختي سود
سهام 2250/000X در پایان توزیع در سال جاري بانكي 250/000**

پرداخت مالیات سود سهام پانصد سهامدار، مربوط

1X به سال

**ممکن است پرداخت سود سهام به صورت کالا یا نقد برای شرکت
مقدور نباشد و سهامداران از هیات مدیره بخواهند که سود سهام آنان به
صورت اوراق قرضه یا اسناد پرداختي و یا سهام سرمایه جدید پرداخت
شود.**

ج) سود سهمي:

بعضي از شرکته‌ها به علت گسترش فعاليت شرکت نیاز به افزايش سرمايه دارند و بهترين راه افزايش سرمايه تحويل سهام سرمايه حاصل از محل افزايش سرمايه به سهامداران به جاي وجه نقد است .

اين عمل باعث کاهش دارائيه‌هاي شرکت نشده و در عين حال حقوق صاحبان سهام نیز کاهش نمی یابد . بدیهی است که در این حالت میزان مالیات سود سهام پرداختي از طرف شرکت به وزارت امور اقتصادی و دارایی پرداخت شده و مابقي سود سهام پرداختي به عنوان سود سهمي محسوب شده و ورقه سهام جدید

برای سهامدار صادر و تحويل می شود. سود سهمي باعث کاهش قیمت سهام شرکت در بازار می شود زیرا افزايش تعداد سهام سرمايه به وجود می آید و در نتیجه ارزش ویژه سهام از حد قبلي تنزل می نماید.

مثال عددي:

سرمایه شرکت قوچان شامل 100 سهم 10/000 ریالی است. مبلغ 22/000،000 ریال قبل X1 سود ویژه شرکت در سال از کسر مالیات بود که شرکت تصمیم گرفت در ازای هر سهم يك سهم سود سهمي بعنوان افزایش سرمایه به سهامداران تحویل نماید. دارایی غیر جاری شرکت در سال شامل زمین و ساختمان واثاثه کارخانه بود که ارزش دفتری X1 آن 10/000،000 ریال و داراییهای جاری شرکت نیز معادل 22/000،000 ریال شامل موجودی کالا و قسمتی به صورت وجه نقد بود. بعد از تحویل سود سهمي تعداد سهام سرمایه به 2/000 سهم 10/000 ریالی افزایش می یابد فرض کنید شرکت 2/200/000 ریال مالیات بر درآمد و 1/000،000 ریال مالیات سود سهام که به صورت سود سهمي توزیع شده داشته باشد ترازنامه شرکت قبل از توزیع سود سهمي به صوت زیر است:

ترازنامه شرکت سهامی عام قوچان: X1/12/29

بدهی جاری :	ارایی جاری:
مالیات بر درآمد	2/200 /000
سود سهام پرداختی	11/000/000
جمع	13/200/000
	ارایی غیر جاری:
	22/000/000
	زمین و ساختمان و اثاثه
	10/000/000

ترازنامه شرکت سهامی عام قوچان: x1 /12/29

جمع دارایی حقوق سهامداران:	32/000/000
سهام سرمایه	10/000/000
سود تقسیم نشده	8/800/000
جمع	18/800/000
جمع بدهی و حقوق سهامداران	32/000/000

در این زمان ارزش دفتری سهام عبارتست از دارایی منهای بدهی تقسیم بر تعداد سهام

$$\text{ارزش دفتری هر سهم قبل از سود سهمی} = \frac{32/000/000}{1/000} - \frac{13/200/000}{1/000} = \frac{18/800/000}{1} = 18800$$

در صورتی که اگر بعد از توزیع سود سهمی به ترازنامه شرکت توجه شود میزان بدهی جاری 3/200/000 ریال شده و تعداد سهام به 2/000 سهم میرسد و ارزش دفتری عبارتست از :

$$\text{ارزش دفتری هر سهم بعد سود سهمی} = \frac{32/000/000}{2/000} - \frac{3/200/000}{2/000} = \frac{28/800/000}{2} = 14400$$

به طوری که ملاحظه می شود سود سهمی باعث کاهش ارزش دفتری سهام می شود که ارزش دفتری سهام شرکت تعیین کننده ارزش سهام شرکت در بازار می شود. برای سهولت درک مطلب به ترازنامه ذیل توجه نمائید.

موجودي کالا ووجه نقد 22/000/000

مالیات بر درآمد 2/200/000

مالیات سود سهام بر داختم 1/000/000

3/200/000

جمع

دارایی غیر جاری:

حقوق صاحبان سهام:

سهام سرمایه (2/000)

زمین و ساختمان واثاثه 20/000/000

20/000/000

8/800/ 000

سود تقسیم نشده

28/800/000

جمع

32/000/000

جمع

32/000/000

لازم به ذکر است که کاهش قیمت سهام شرکت در بازار به علت توزیع سود سهمی بیش از 20٪ سهام سرمایه می باشد و معمولاً چنانچه سود سهمی کمتر از 20٪ بین سهامداران توزیع شود کاهش ارزش سهام شرکت در بازار ناچیز خواهد بود به همین جهت کمیته رویه های حسابداری 2 رهنمود در مورد انتقال سود سهمی صادر نموده است:

اول:

در مواردی که توزیع سود سهمی قیمت سهام شرکت را در بازار کاهش ندهد یا کاهش آن اندک باشد شرکت بایستی معادل ارزش بازار سهام جدید صادر شده بابت سود سهمی را از حساب تقسیم سود انباشته به حساب سرمایه انتقال دهد

دوم:

در مواردی که توزیع سود سهمی قیمت سهام شرکت را در بازار بطور آشکار و قابل ملاحظه ای کاهش دهد، شرکت بایستی معادل ارزش اسمی سهام صادره جدید بابت سود سهمی را از حساب تقسیم سود انباشته رابه حساب سرمایه منتقل نماید. بنابراین ثبت دفاتر حسابداری برای سود سهمی فقط در 2 حالت مطرح خواهد شد :

- حالت اول:

ارزش بازار سهام :

در این حالت سود سهمی تاثیر غیر قابل ملاحظه بر قیمت سهام دارد ولذا قیمت سهام در بازار تقریبا به همان بهای قبل از توزیع سود سهمی باقی می ماند .
معمولا در مواقعی که تعداد سهام منتشر شده جدید بابت سود سهمی کمتر از 25٪ سهام سرمایه شرکت باشد این حالت اتفاق می افتد. در این حالت طبق رهنمود کمیته رویه های حسابداری معادل ارزش بازار سهام از حساب تقسیم سود کسر می شود و تفاوت ارزش اسمی و ارزش بازار سهام به عنوان حرف سهام ثبت می شود.

مثال عددي:

مبلغ 40/000/000 ریال $\times 2$ شرکت سهامی عام نیشابور در سال سود ویژه پس از کسر مالیات دارد. مانده سود ویژه تقسیم نشده مبلغ 10/000/000 ریال بود. سهام $\times 2$ شرکت تا قبل از سال سرمایه شرکت شامل 10/000 سهم 10/000 ریالی بود. مجمع عمومی تصمیم گرفت ضمن پرداخت 10٪ سود سهام در مقابل هر 5 سهم یک سهم نیز به عنوان سود سهمی یا سهام جایزه بین سهامداران توزیع نماید در آن زمان ارزش سهام شرکت در بازار از قرار هر سهم 12/000 ریال بود.

مطلوبست ثبت تخصیص سود برای سهامداران در دفاتر شرکت نیشابور:

ده هزار سهم سرمایه وجود داشته که در مقابل هر $5/12/29 \times 2$ سهم یک سهم سود سهمی توزیع می شود در نتیجه $2/000 = 1/000$ تعداد سهام منتشره در سود سهمی می باشد.

بهاي سهام قابل انتشار سودسهمي در بازار

$$2/000 * 1200 = 24/000/000$$

ارزش اسمي سهام قابل انتشار بابت سود سهم

$$2/000 * 10/000 = 20/000/000$$

صرف سهام ناشي از سودسهمي

$$24/000/000 - 20/000/000 = 4/000/000$$

ثبت روزنامه:

تقسيم سود انباشته 2/12/2934/000/000 X:

سود سهام پرداختي 10/000/000

سود سرمايه 20/000/000

صرف سهام 4/000/000

بابت تخصيص سود سهام و سود سهمي براي سهامداران

حسابهای شرکت پس از ثبت سود اختصاص یافته:

تقسیم سود انباشته

مانده	10/000/00	34/000/000
سود	2X	بابت سود سهام
40/000/000		و سود سهمی

سهام سرمایه

مانده	10/000/000
سود	20/000/000
سهامی	
مانده	120/000/000

سود سهام پرداختی

10/000/000

از تقسیم سود

صرف سهام

4/000/000

از تقسیم سود

حالت دوم:

معمولا در مواقعي كه بیش از 25٪ سهام سرمایه به عنوان سود سهمي بين سهامداران توزيع گردد کاهش قابل ملاحظه در بازار براي سهام شرکت بوجود مي آید حتي گاه ارزش سهام شرکت در بازار به اندازه ارزش اسمي تقليل مي يابده همین سبب کمیته رویه های حسابداری ثبت سهام سود سهمي را به بهای ارزش اسمي توصیه نموده است.

مثال عددي:

سرمایه شرکت سهامی عام شیروان شامل 5/000 سهم 5/000 مانده حساب تقسیم سود انباشته شرکت 3X ریالی است. در سال 20/000/000 ریال می باشد مجمع شرکت تصمیم گرفت در قبال هر 2 سهم 1 سهم به عنوان سود سهمی یا سود جایزه بین سهامداران توزیع نماید. قبل از این تصمیم قیمت سهام شرکت در بازار هر سهمی 8/000 ریال بود بعد از تصمیم فوق قیمت سهام شرکت به هر سهم 5300 ریال کاهش یافت.

مطلوبست ثبت سود سهمی در دفاتر شرکت شیروان.

طبق رهنمود کمیته رویه های حسابداری چون بهای سهام به میزان قابل ملاحظه و تا حد و ارزش سهام تقلیل یافته ، صرف سهام محاسبه و سهام قابل انتشار از محل سود سهمی به قیمت اسمی سهام در دفاتر ثبت می شود و چون در مقابل هر 2 سهم 1 سهم جدید داده می شود پس تعداد $2500 = 5/000$ سهم قابل انتشار است که :

2 بهای اسمی سهام از محل سود سهمی $2500 \times 5/000 = 12/500/000$

ثبت روزنامه

تقسیم سود انباشته X3/12/291/2500/000:

سهم سرمایه 12/500/000

بابت سود سهمی
نمایش حسابهای شرکت:

تقسیم سود انباشته

20/000/000	12/500/000
مانده	بابت سود سهمی
	به سرمایه

سهم سرمایه

25/000/000	مانده
12/500/000	از تقسیم سود
	سهمی
37/500/000	مانده جدید

• بعضي حسابداران تريج مي دهند كه به جاي انتقال مستقيم از حساب تقسيم سود انباشته به حساب سرمايه از حساب واسطه ديگري بنام حساب سهام سود سهمي قابل انتشار استفاده كنند و پس از انتشار واقعي سهام ناشي از سود سهمي و تحويل سهام به سهامداران از حساب سهام سود سهمي قابل انتشار حساب سهام سرمايه را افزايش دهند يعني در مثال شركت شيروان ابتدا ثبت زير انجام مي شود:

تقسيم سود انباشته 12/500/000 X3/12/29:

اختصاص سود سهمي هر دو سهم يك سهم

پس در هر تاريخي كه اوراق سهام ناشي از سود سهمي منتشر شد و به سهامداران تحويل گرديد ثبت زير انجام خواهد شد: در تاريخ تحويل برگ سهام: حساب سهام سود

سهمي قابل انتشار 12/500/000

سهام سرمايه 12/500/000

د) صاحبان سود سهام:

طبق ماده 90 و 99 قانون لایحه قانونی اصلاح قسنتی از قانون تجارت مصوب اسفند 1347 کسانی که حق حضور در مجمع عمومی شرکت برای تصویب سود سهام را دارند محق به دریافت سود سهام هستند و لذا در تاریخ تشکیل مجمع عمومی جهت تصویب سود و زیان شرکت هر شخصی که صاحب سهام شرکت باشد صاحب سود سهام شرکت نیز اعم از سود نقدی و سهام جایزه یا سود سهمی می باشد.

بدیهی است که اگر سهامداری سهام خود را حتی 1 روز قبل از تشکیل مجمع عمومی جهت تصویب سود بفروش برساند در تاریخ فروش، سهام فروخته شده را با در نظر گرفتن سود سهام به خریدار می فروشد در واقع سود سهام و بهای سهام را همزمان از خریدار دریافت می دارد و لذا به همین دلیل است که صاحب سود سهام به هر علت که باشد همان مالک سهم شرکت در تاریخ مجمع عمومی شرکت برای تصویب سود سهام خواهد بود .

ه: ثبت های مرتبط با تاریخ:

در رابطه با سود سهام سه تاریخ مشخص وجود دارد:

1- تاریخ پیشنهاد سود سهام

2- تاریخ تصویب و اعلام پرداخت سود سهام

3- تاریخ پرداخت سود سهام

برخی از حسابداران متناسب با تاریخهای فوق سود سهام را در حسابهای مختلف ثبت می کنند به این ترتیب که در تاریخ پیشنهاد سود توسط هیات مدیره حساب سود سهام پیشنهادی را به مبلغ سود پیشنهاد شده توسط هیات مدیره بستانکار و حساب تقسیم سود انباشته را بدهکار می سازند. پس از تصویب سود در مجمع عمومی و تعیین تاریخ پرداخت آن حساب سود سهام پیشنهادی بدهکار شده و حساب جدید دیگری به نام سود سهام پرداختی را بستانکار می نمایند پس به هنگام پرداخت سود سهام حساب سود سهام پرداختی بدهکار و حساب جاری بانکی بستانکار می شود.

و) پاره سهم:

پاره سهم به حالتی می گویند که در هنگام توزیع سود سهمی یا سهم جایزه به سهامداران معادل 1 سهم کامل تعلق نگیرد و

1 یا 1 سهم به وی برسد.

2 3

مثلا سهامداران دارای 10 سهم از سهام سرمایه یک شرکت است. اگر به هنگام توزیع سود سهمی در قبال هر 4 سهم یک سهم سود سهمی به وی تعلق گیرد بنابراین در ازای 10 سهم وی 2/5 سهم به وی سود سهمی تعلق می گیرد در نتیجه

دو سهم جدید کامل به وی داده خواهد شد و چون صدور 0/5 سهم دیگر مقدور نیست لذا به سهامدار بزوريك برگ گواهي يا امتياز نصف سهم داده می شود که گواهي مزبور بين سهامداران مشابه مورد خريد و فروش قرار می گیرد و سهامدار مزبور می تواند امتياز پاره سهم خود را به ديگري بفروشد و يا اينکه پاره سهم، سهامدار ديگري را خريداري نموده و با امتياز خود 1 جا 1 سهم کامل دريافت دارد.

محاسبه سود هر سهم:

سرمایه هر شرکت سهامی ممکن است یا فقط از سهام عادی سرمایه تشکیل شده باشد و یا اینکه علاوه بر سهام عادی سهام ممتاز و اوراق قرضه و اوراق بهادار قابل تبدیل به سهام عادی نیز منتشر و بفروش رسانیده باشد در نتیجه سرمایه شامل سهام عادی، سهام ممتاز و اوراق قابل تبدیل به سهام عادی می باشد .

الف) محاسبه سود هر سهم در حالت عادی بودن سهام سرمایه:

نظر به اینکه طبق ماده 239 قانون لایحه قانونی اصلاح قانون تجارت مصوب اسفند 1347 سود قابل تقسیم شامل سود خالص سال مالی به اضافه سود تقسیم نشده سالهای گذشته منهای زیانهای سالهای مالی قبل و اندوخته قانونی و سایر اندوخته ها می باشد لذا در واقع سود قابل پرداخت هر سهم عبارتست از:

سود تخصیص نیافته تقسیم بر تعداد سهام شرکت یعنی: سود قابل پرداخت هر سهم:
[(زیان سال قبل+اندوخته قانونی)-سودتقسیم نشده قبلی + سودویژه دوره] سودتخصیص نیافته

تعداد سهام سرمایه

سود قابل پرداخت هر سهم که به شرح فوق محاسبه شد در واقع سود سهم پرداختنی به سهامدارمی باشد اما سود سهام برای هر سهم به صورت خام در حالت سرمایه به صورت زیر است :

سودخالص دوره

سود به بسبت هر سهم یا سود هر سهم به صورت خام=

تعداد سهام عادی متعهد

وفروخته شده

اگر تعدادی از سهام سرمایه شرکت به صورت سهام ممتاز دارای حق رای باشد در این صورت بایستی سود سهام ممتاز این قبیل سهامداران محاسبه و از سود خالص دوره کسر گردیده و پس مابقی سودویژه بر تعداد سهام عادی متعهد و فروخته شده تقسیم می گردد. سود هر سهم به صورت خام برای بررسی کارکرد شرکت و مدیریت شرکت يك اهرم كاملا حساس و ارزشمند می باشد.

مثال عددي:

سهام سرمايه شرکت کاشمر شامل 4/000 سهم عادي 5/000 ريال و 1/000 سهم ممتاز 5/000 ريال داراي حق رای مي باشد مبلغ 1/000/000 ريال سود خالص پس X5 شرکت در سال از کسر ماليات دارد سهام ممتاز داراي سودي برابر سهام عادي مي باشد و امتياز آن مربوط به تساوي آراست يني در واقعي که به هنگام رأی گيري در امري تعداد رأی معادل 50٪ حد نصاب باشد در صورتي که اکثريت آرا از سهام ممتاز باشد آن مورد تصويب شده مجمع عمومي تلقي مي گردد در صورتي که شرکت مبلغ 2/000/000 ريال سود تقسيم نشده ي قبلي داشته باشد با فرض اينکه 5٪ سود ويژه بابت اندوخته قانوني و 20٪ سود ويژه بعنوان اندوخته احتياطي در نظر گرفته شده باشد مطلوبست سود خام هر سهم و تعيين سود پرداختي هر سهم با اين فرض که سود سهام 20٪ در نظر گرفته شده است ضمناً سودي که به هر سهم مي توان پرداخت را نيز تعيين نماييد. چون سهام ممتاز مانند سهام عادي در سود شرکت سهيم هستند پس سود خام هر سهم عبارتست از:

$$10/000/000$$

$$=2/000$$

سود خام هر سهم

$$\frac{10/000/000}{5/000}$$

کل سهام سرمایه شرکت $4/000*5/000+1/000*5/000=25/000/000$

$25/000/000*20\%=5/000/000$

سود سهام پرداختی

$5/000/000$

 $=1/000$

سود سهام پرداختی هر سهم

$5/000$

$10/000/000*5\%=500/000$

اوندخته قانونی

$10/000/000*2\%=200/000$

اندوخته احتیاطی

محاسبه سود تخصیص نیافته

$20/000/000$

مانده سود تقسیم نشده سنوات قبل

$10/000/000$

سود ویژه بعد از کسر مالیات

$12/000/000$

جمع سود قابل تقسیم وتخصیص

کسر می شود تخصیصات سود:

500/000

اندوخته قانونی

2/000/000

اندوخته احتیاطی

(2500/000)

جمع تخصیصات

9500/000

مانده سود تخصیص نیافته

9/500/000

حداکثر مبلغ سودی که به هر سهم می توان پرداخت کرد: 900 =

5/000

محاسبه میانگین تعدادسهام عادي:

در صورتی که تعداد سهام عادي شرکت در طول سال ثابت باشد سود خالص دوره مالی را برتعدادسهام عادي تقسیم می کنند و سود خام هر سهم یا سود به نسبت هر سهم بدست می آید لیکن اگر در طول سال در اثر افزایش سرمایه یا در اثر تجزیه سهام یا کاهش سرمایه تعدادسهام دریکسال کامل شخص نباشد بایستی میانگین تعدادسهام عادي محاسبه شده و سود خالص برتعدادمیانگین سهام عادي تقسیم گردد تا سود خالص هر سهم بدست آید. در اجرای این امر بایستی تعدادسهام عادي به نسبت سال تعیین مدت شده و با یکدیگر جمع شوند تا میانگین تعداد بر سهام بدست آید.

مثال عددي:

تعداد $54/000 \times$ فرض کنید شرکت فردوس در ابتدای سال سهم عادي صادر و فروخته باشد در طی سال نیز $1/000$ سهم باقیمانده از سهام شرکت $5 \times$ در تاریخ $1/4/$ را به سهامداران جدید فروخته پس در تاریخ با رعایت مقررات تعداد $5/000$ سهم دیگر بعنوان $1/10/5 \times$ افزایش سرمایه منتشر و به فروش رساند به طوری که به هر سهامدار معادل آنچه داشت سهام جدید فروخته شده است در مبلغ $5 \times$ صورتی که سود ویژه شرکت در سال $78/351/000$ ریال می باشد.

مطلوبست محاسبه میانگین تعداد سهام عادی و تعیین سود خام هر سهم در سال X5:

تعداد 4.000 سهم به مدت 1 سال = 1.000=4.000

4 4

3850 = 15.000 = 5.000=4.000+1.000 سهم به مدت 3 سال

4 4

از تاریخ 10/1 تا 12/29 X5 :

تعداد 1.000 سهم به مدت 1 سال = 2500=10/000

4 4

1/000+3850+2500=7350

میانگین تعداد سهام در طول سال

7835100=10660

سود خام هر سهم

7350

ب) در شرکتهایی که سرمایه شرکت فقط از سهام عادی و ممتاز دارای حق رای تشکیل نشده باشد و علاوه بر سهام عادی انواع اوراق بهادار قابل تبدیل به سهام عادی مانند سهام ممتاز قابل تبدیل به سهام عادی و اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام عادی منتشر و به فروش رسانیده باشد اصطلاحاً سرمایه شرکت دارای ساختار مختلط یا پیچیده تلقی می شود.

در این شرکتها روش میانگین موزون تعداد سهام عادی متناسب با سال مالی بکار می رود لیکن چون در ساختار سرمایه آنها اوراق قابل تبدیل به سهام عادی وجود دارد و علی الاصول در هر تاریخی صاحبان این اوراق می توانند اوراق خود را به سهام عادی تبدیل کنند و لذا این تبدیل شرکتها ابتدا سود اولیه هر سهم و سپس سود تقلیل یافته هر سهم را تعیین و گزارش می کنند.

محدودیت در سود سهام یا سود تقسیم شده اختصاص یافته:

سود انباشته و یا حساب تقسیم سود انباشته به طور کلی شامل دو قسمت است :

1- وجوهی که بابت اندوخته ها و سرمایه گذاریها اختصاص می یابد

2- سود تخصیص نیافته

سود تخصیص نیافته مورد تقسیم بین سهامداران قرار می گیرد ولی سود تخصیص یافته اختصاص به اندوخته ها و وجوهی دارد که شرکت برای اجرای هدفهای آینده از سود اختصاص داده است و لذا آن بخش از سود انباشته که برای اندوخته ها و سایر اقدامات شرکت اختصاص داده شده نمی تواند بین سهامداران به عنوان تقسیم قرار گیرد. برابر ماده 239 قانون لایحه قانونی اصلاح قانون تجارت مصوب اسفند ماه 1347 سود قابل تقسیم عبارتست از:

اندوخته قانونی و اختیاری- سود تقسیم نشده سال قبل+ زیان سال قبل- سود خالص دوره مالی

بنابراین در ماده 239 عوامل محدودکننده سود سهام به طور کامل بیان شده است و عبارتند از:

1- اندوخته قانونی

2- سایر اندوخته های اختیاری

3- زیانهای سال قبل

که در واقع مورد فوق شامل بخشی از سود انباشته یا حساب سود تقسیم سود انباشته است که طبق قانون و یا پیشنهاد هیات مدیره و یا در نتیجه کارکرد سالهای قبل سود ویژه دوره مالی جدید کنار گذاشته می شود و سپس بقیه سود ویژه قابلیت تقسیم بین سهامداران به صورت سود سهام پرداختی یا سود سهمی را پیدا می کند.

بنابراین:

محدودیت در سود سهام شامل مواردی است که برای اندوخته ها و زیانهای سالهای قبل از سود انباشته شرکت اختصاص داده می شود. هر گونه تخصیص از سود ویژه انباشته بایستی در حسابهای مربوط به آن تخصیص ثبت و ضمناً در صورتهای مالی شامل صورت حساب تقسیم سود انباشته و صورت ترازنامه افشا شود و یا جزئیات آنها باید در یادداشت های پیوست صورتهای مالی ثبت و درج گردد.

به طور مثال : اگر بنا به توصیه هیات مدیره و تائید مجمع عمومی قرار باشد که علاوه بر اندوخته قانونی، اندوخته دیگری برای احتیاط و طرحهای آتی شرکت، برای باز خرید خدمت کارکنان و باز خرید اوراق قرضه و باز خرید سهام ممتاز بدون حق رای منظور نماید بایستی در مقابل بدهکار نمودن حساب تقسیم سود انباشته هر يك از حسابهای اندوخته فوق بستانکار گردد.

مثال عددی:

شرکت بیرجند که به کشت و فروش زعفران اشتغال دارد در مبلغ 500/000/000 ریال سود ویژه بعد از کسر 4X سال مالیات دارد. مانده سود تقسیم نشده (سود سنواتی) شرکت در پایان مبلغ 6/000/000 ریال است بنا به توصیه هیات مدیره 3X سال مجمع عمومی با کنار گذاشتن 10٪ از سود ویژه به عنوان اندوخته احتیاطی برای زیانهای احتمالی و 10٪ به عنوان اندوخته باز خرید سهام ممتاز بدون حق رای و 5٪ برای پاداش باز خرید کارکنان شرکت علاوه بر 5٪ اندوخته قانونی موافقت نموده است.

مطلوبست اولاً : ثبت مربوط به تخصیص یا کنار گذاشتن اندوخته های مزبور را دفتر روزنامه شرکت بپیرجند بنویسند. ثانیاً : تعیین مبلغ سود تخصیص نیافته و سود تخصیص یافته ثالثاً : چه مبلغ سود سهام بین سهامداران می توان تقسیم نمود. میزان اندوخته قانونی و معادل آن اندوخته پاداش بازخرید کارکنان یعنی 2/500/000 ریال دیگر

$$50/000/000 \times \%.5 = 2/500/000$$

مبلغ اندوخته احتیاطی و معادل اندوخته بازخرید سهام ممتاز

$$50/000/000 \times \%.10 = 5/000/000$$

ثبت روز نامه شرکت بپیرجند:

X4 /12/29 : تقسیم سود انباشته 15/000/000

اندوخته قانونی 2/500/000

اندوخته پاداش بازخرید 2/500/000

اندوخته بازخرید سهام ممتاز 5/000/000

اندوخته احتیاطی 5/000/000

بابت تخصیص اندوخته ها از سود انباشته

X4 نمایش حساب تقسیم سود انباشته در پایان سال

بابت تخصیص اندوخته ها از سود انباشته
X4 نمایش حساب تقسیم سود انباشته در پایان سال

6/000/000	15/000/000
مانده قبلي	
	بابت اندوخته ها يا
50/000/000	سودتخصیص یافته
سودویژه بعدکسر مالیات	

مانده سود تخصیص نیافته 41/000/000

مبلغ 41/000/000 را می توان بین سهامداران به عنوان سهم سود سهام تقسیم نمود .

فصل چہارم:

اوراق قرضہ پرداختی

مقدمه:

اوراق قرضه پرداختي يکي از انواع تعهدات کتبي شرکت سهامي عام يا دولت درمقابل اشخاص ثالث ميباشد. که دران شرکت سهامي عام منتشر کرده اوراق قرضه يا دولت تعهد نموده است يا مي نمايد که مبلغ مندرج دربرگ اوراق قرضه را در سررسيد يعني تاريخ پرداخت پول به خريدار اوراق قرضه بپردازند. ضمناً تعهد مي کند که در فواصل زماني تعيين سود اوراق قرضه را نيز پرداخت کند بديهي است که شرکتهاي سهامي عام ويا دولت درواقع نياز پولي بيش از منابع قبلي به جاي استقراض از بانکها اقدام به چاپ وانتشار وفروش اوراق قرضه به مردم وشخصيت هاي حقوقي ديگر مي نمايند تا با فروش اوراق قرضه تعهد پرداختي بلند مدت به عهده شرکت باقي مي ماند ونياز کلي شرکت يا دولت برطرف مي گردد. نظر به اينکه برخي دارنده گان پول حاضر نيستند با خريد سهام از شرکت به عنوان سهامدار در زمره مالکين شرکت قرار مي گيرد تا در آينده باسود شرکت شريک شوند

بلکه ترجیح می‌دهند تا پول خود را صرف خرید اوراق قرضه پرداختی از شرکت بنمایند تا جزء سرمایه گزاران شرکت قرار گیرند و از يك طرف سود سرمایه مطمئن و از طرف دیگر دریافت اصل طلب خود قبل از سهامداران بهره‌مند گردد. زیرا خریدار این اوراق قرضه این تفکر را دارد که اگر به جای خرید اوراق قرضه سهام شرکت را خریداری کند موقع انحلال و ورشکستگی واحد تجاری ابتدا بدهیهایی مؤسسه باید پرداخت گردد و در پایان امر مانده داراییهای شرکت به نسبت و تعداد سهام سرمایه بین سهامداران تقسیم گردد و چه بسا در برخی موارد نه تنها سودی عاید سامداران نشده بلکه اصل سرمایه آنان نیز بازیافت نمی‌شود و لذا اکثر دارنده گان پول مازاد بر مصرف ترجیح می‌دهند به جای خرید سهام اوراق قرضه را که سود معین و مشخص داشته و اصل سرمایه نیز در سررسید تقریباً به طور حتمی به آنها باز پرداخت خواهد شد خریداری نماید و یا اینکه برای اطمینان خاطر در بانکها سپرده سرمایه گذاری بلند مدت کنند از طرف دیگر شرکتهای سهامی عام نیز با فروش اوراق قرضه نیاز مالی خود را مرتفع ساخته و در عین حال از مراجعه به بانکها یا وام دهنده گان دیگر یا گرو گذاشتن داراییهای بلند مدت و احتمالاً پرداخت مخارجی در این امر بی‌نیاز خواهند شد لذا شرکتهای سهامی عام نیز ترجیح می‌دهند به فروش و چاپ اوراق قرضه متوسل شوند.

بدیهی است که موفق بودن شرکت در گذشته وساختار وضع مالی شرکت پشتوانه مناسبی برای فروش اوراق قرضه میباشد. برای چاپ اوراق قرضه لازم است:

اولاً : تمام سهام شرکت سهامی عام توسط سهامداران به حساب بانکی شرکت پرداخت شده باشد

ثانیاً : دو تراز نامه شرکت در دوس ال متوالی به تصویب مجمع عمومی شرکت رسیده باشد.

ضمناً : بایستی صورتجلسه مجمع عمومی در مورد انتشار اوراق قرضه و شرایط آن به ادراه ثبت شرکتهای قویه قضایی مستقیم ودر روزنامه رسمی شرکت مصوبه مذبور به چاپ برسد. درهربرگ اوراق قرضه موارد زیر باید چاپ شود:

قیمت اسمی اوراق قرضه

تاریخ سررسید اوراق قرضه

نرخ بهره اوراق قرضه

تاریخهای پرداخت بهره اوراق قرضه

ارزش بازار بازخریدی

فروش اوراق قرضه:

اوراق قرضه در سه حالت خرید و فروش میشود:

- الف -** به قیمت اسمی یعنی به بهاء مندرج در برگهای اوراق قرضه
- ب -** به قیمت بیش از ارزش اسمی مثلاً "یک درصد اضافه تر از ارزش اسمی با عدد صدو یک درصد مشخص میشود. اصطلاحاً می گویند اوراق قرضه به صرف فروخته میشود.
- پ -** فروش به قیمت کمتر از بهاء اسمی مثلاً یک درصد کمتر از ارزش اسمی فروخته میشود که با عدد 99% مشخص میشود و در این حالت فروش اوراق قرضه به کسر صورت میگیرد.

انواع اوراق قرضه:

معمولاً اوراق قرضه به صورت بی نام فروخته میشود یعنی روی برگ اوراق قرضه نام مالکها چاپ نشده است. لیکن برخی از شرکتهای سهامی عام ممکن است نام مالک را روی اوراق قرضه بنویسند انتقال این قبیل اوراق یا با تنظیم سند رسمی در محضر و یا ابطال اوراق قرضه قبلی در تنظیم اوراق قرضه جدید به نام خریدار جدید توسط شرکت صادرکننده صورت میگیرد. و غیر از مورد فوق اوراق قرضه به صورتهای زیر طبقه بندی میشود:

الف - اوراق قرضه داراي پشتيوانه معين وبدون پشتيوانه مشخص .

ممکن است فروش وبازپرداخت اوراق قرضه به پشتيوانه داراي بلند مدت شرکت معين شده باشد در اين صورت موقع باز پرداخت در صورت نداشتن وجه نقد کافي بايستي داراي بلند مدت فروخته شده واز محل آن اوراق قرضه به صاحبان آنان بازپرداخت شود درصورتی که فروش واوراق قرضه بدون تعيين وثيقه ياپشتيوانه مشخصي صورت گرفته باشد در اين صورت فروش وبازپرداخت اوراق قرضه اعتبار کلي انجام ميشود. بدیهي است که در هر دو حالت اعتبار وحيثيت شرکت پشتيوانه اوراق قرضه صادره خواهدبود ولذا ارزش اوراق قرضه ارتباط کامل با اعتبار شرکت صادرکننده وشرايط قابل توجه اوراق قرضه خواهدداشت مثلاً" اگر شرکت معتبر باشد ليکن نرخ بهره اوراق قرضه صادره شرکت کمتر از نرخ بهره سرمايه گذاري نزد بانکها يا حتي معادل آنها باشد. احتمال فروش اوراق قرضه شرکت در جمع سرمايه داران براي خريد اوراق قرضه بعيد مي باشد. ليکن اگر شرکت معتبر باشد ونرخ بهره اوراق قرضه صادره آن يك تا دودرصد بيش از نرخ بهره سرمايه گذاري نزد بانکها معين شده باشد در اين صورت ارزش اوراق قرضه شرکت حتي ممکن است 5% بيش از ارزش اسمي آن معاله آن شود.يعني اوراق قرضه شرکت به صرف فروخته شود.

ب - اوراق قرضه قابل تبدیل:

شرکتهای که دارای حسن سابقه سوددهی هستند و از وضعیت مالی خوبی برخوردار هستند به عنوان يك امتیاز برای جلب نظر سرمایه گذاران اقدام به صدور اوراق قرضه و بابتعهد قابلیت تبدیل به سهام شرکت در رسید یا در تاریخهای معین می نمایند.

معمولاً این قبیل شرکتها از صدور سهام جدید تا رسید اوراق قرضه یا تاریخهای مشخص شده در اوراق قرضه خوداری می کنند و بابتوجه به حسن سابقه شرکت ارزش سهام سرمایه شرکت در بازار به طور محسوس به وجود می آید. و در نتیجه دارندگان اوراق قرضه نسبت به تبدیل اوراق قرضه به سهام اقدام خواهد نمود.

پ: اوراق قرضه دارای سر رسید متوالی:

این اوراق قرضه که به آن قرضه سریال می گویند اوراق قرضه های هستند که در سالهای متوالی هر بخشی از آن پرداخت می شود مثلاً بازپرداخت اولین بخش در 3 سال دیگر در سال چهارم و در سالهای بعد انجام خواهد شد این قبیل اوراق قرضه به سرمایه گذاران این بخش اختیار را می دهد که مدت باز پرداخت اوراق قرضه را خودشان تعیین یا انتخاب نمایند.

فروش اوراق قرضه به کسر:

هرگاه به هنگام صدور و فروش اوراق قرضه نرخ بهره‌ای که بابت خرید به خریداران پرداخت گردد کمتر از نرخ بهره متداول بازار باشد در این صورت قیمت اوراق قرضه کمتر از بهای اسمی آن در بازار به فروش خواهد رسید و لذا این کاهش قیمت اوراق قرضه را کسر اوراق قرضه می‌گوییم.

در حالت فروش اوراق قرضه کسر تمام مبلغ اسمی اوراق قرضه شرکت فروشنده نمی‌شود در حلیکه در سر رسید علاوه بر پرداخت سود در هر سال بایستی تمام مبلغ اسمی اوراق قرضه را پرداخت نمایند به همین دلیل کسر اوراق قرضه در هنگام فروش مانند نوعی هزینه بدهکار خواهد شد اما کسر اوراق قرضه تا مدت سر رسید اوراق قرضه همراه با پرداخت سالانه بهره اوراق قرضه همه ساله مستهلک شده و در موقع پرداخت آخرین بهره اوراق قرضه آخرین مانده کسر اوراق قرضه نیز پرداخت و حساب آن صفر خواهد شد. مانده حساب کسر اوراق قرضه در هر سال در تراز نامه شرکت از اوراق قرضه پرداختی کسر می‌شود زیرا معادل کسر اوراق قرضه وجه نقد کمتر از ارزش اسمی اوراق قرضه می‌باشد برای محاسبه مبلغی که بایستی همه ساله از حساب کسر اوراق قرضه در موقع پرداخت بهره اوراق قرضه کسر شوند دو روش متداول است :

1- روش استهلاک بهره موثر

2- روش خط مستقیم

روش استهلاك بهره موثر برای كسر اوراق قرضه:

در این روش كسر اوراق قرضه از مبلغ اسمی اوراق كم می شود و ارزش دفتری مشخص می شود ارزش دفتری اوراق قرضه را در نرخ بهره بازار ضرب میکنند و نرخ بهره هر سال به نرخ بازار بدست می آید كه تفاوت آن و بهره متعهد شده اوراق قرضه مبلغی است كه از كسر اوراق قرضه باید كاهش یابد و این عمل همه ساله تكرر می شود تا حساب كسر اوراق قرضه صفر شود .

مثال عددی:

• شركت سهامی عام زاهدان 100 برگ اوراق قرضه 1000000 ریال با نرخ بهره 12% با سررسید 5 ساله منتشر كرد نرخ بهره بازار در تاریخ انتشار 15% بود و در نتیجه این اوراق به كسر فروخته شد ند سود اوراق قرضه در پایان هر سال پرداخت شد و بعد 5 سال در پایان سال 5x بهای اوراق قرضه تماما باز پرداخت شد مطلوب است ثبت عملیات مرتبط به فروش اوراق قرضه در سال اول

بهره پرداخت هر سال اوراق قرضه در سالهای 1x, 2x, 3x, 4x, 5x

باز پرداخت اوراق قرضه در پایان سال 5x

كسر اوراق قرضه را به روش استهلاك بهره موثر مستهلك نمایید

ارزش فعلی یک ریال با نرخ بازار (15%) در 5% عبارتست از 0/497177 و مجموع
ارزش فعلی 5 سال بهره قسطی یک ریال عدد 3/352155

مبلغ بهره پرداختی اوراق قرضه در هر سال

$$100000000 \times 12\% = 12000000$$

ارزش فعلی 100000000 اوراق قرضه

$$100000000 \times 0/497177 = 49717700$$

مجموع ارزش فعلی بهره هر سال برای 5 سال

$$12000000 \times 3352155 = 40225860$$

قیمت فروش اوراق قرضه

$$49717700 + 400225860 = 89943560$$

کسر اوراق قرضه در ابتدای سال اول

$$100000000 - 89943560 = 10056440$$

برای استهلاك کسر اوراق قرضه در سال 1x مبلغ 8994356 ریال قیمت دفتری سال اول
خواهد بود که آن را در نرخ بهره بازار ضرب می کنند و مبلغی که کسر اوراق قرضه باید
مستهلك شود به دست می آید:

$$89943560 \times 15\% = 13491534$$

در سال x1 مبلغی که باید کسر اوراق قرضه کم شود

$$13491500 - 12000000 = 1491500$$

ارزش دفتری سال x2

$$89943500 + 1491500 = 91435000$$

بهره اوراق قرضه به نرخ بازار در سال x2

$$91435000 \times \%15 = 13715000$$

مبلغی که در سال x2 از کسر اوراق قرضه باید کم شود

$$13715000 - 12000000 = 1715000$$

ارزش دفتری سال x3

$$91435000 + 1715000 = 93150000$$

بهره به نرخ بازار در سال x3

$$93150000 \times \%15 = 13972500$$

مبلغی که در سال x3 از کسر اوراق قرضه باید کم شود

$$13972500 - 12000000 = 1972500$$

ارزش دفتری x4

$$93150000 + 1972500 = 95122500$$

بهره به نرخ بازار x4

$$95122500 \times \%15 = 14268000$$

مبلغی که در سال 4x از کسر اوراق قرضه باید کم شود

$$14268000 - 12000000 = 2268000$$

ارزش دفتری 5x

$$95122500 + 2268000 = 97390500$$

بهبود نرخ بازار 5x

$$97390500 \times \%15 = 14608500$$

مبلغی که در سال 5x از کسر اوراق قرضه باید کم شود

$$14608500 - 12000000 = 2608500$$

$$97390500 + 2608500 = 99999000 = 1000$$

ثبتهای دفتر روزنامه شرکت سهامی عام زاهدان:

ابتدای سال x1 :

89943560	وجه نقد
10056440	کسر اوراق قرضه
100000000	اوراق قرضه پرداختی

آخر سال x1 :

13491500	هزینه بهره اوراق قرضه
12000000	وجه نقد
1491500	کسر اوراق قرضه
	پرداخت بهره سال اول اوراق قرضه
	آخر سال x2 :

13715000	هزینه بهره اوراق قرضه
12000000	وجه نقد
1715000	کسر اوراق قرضه

آخر سال x3 :

13972500	هزینه بهره اوراق قرضه
12000000	وجه نقد
1979500	کسر اوراق قرضه

آخر سال x4 :

14268000	هزینه بهره اوراق قرضه
12000000	وجه نقد
2268000	کسر اوراق قرضه

آخر سال x5 :

14609440	هزینه بهره اوراق قرضه
12000000	وجه نقد
2609440	کسر اوراق قرضه

پرداخت بهره اوراق قرضه

آخر سال x5 :

100000000

اوراق قرضه پرداختی

100000000

وجه نقد

بابت بازپرداخت اصل اوراق قرضه

روش استهلاك خط مستقيم برای كسر اوراق قرضه:

این روش ساده تر از روش استهلاك بهره موثر میباشد در این روش منبع كل كسر اوراق قرضه را به مدت اوراق قرضه تقسیم می کنند و مبلغ هر سال را كه در سالهای بعد نیز مساوی میباشد به بهره تعهد شده اوراق قرضه اضافه می نمایند و هزینه بهره هر سال به دست می آید.

بطور مثال: اگر در مسئله شرکت سهامی عام زاهدان استهلاک کسر اوراق قرضه به روش مستقیم استهلاک منظور شود کل مبلغ کسر اوراق قرضه که مبلغ **10056440** است به مدت اوراق قرضه که 5 سال است تقسیم میگردد. یعنی:

مبلغی که هر سال از کسر اوراق قرضه مستهلک میشود

$$10056440 \div 5 = 2011288$$

هزینه بهره قابل ثبت هر سال

$$12000000 + 2011288 = 14011288$$

ثبت پرداخت بهره اوراق قرضه در پایان سال **x1** :

: x1 / 12 / 29

14011288

هزینه بهره

12000000

وجه نقد

2011288

کسر اوراق قرضه

: x2 /12/29

14011288 هزینه بهره
12000000 وجه نقد
2011288 کسر اوراق قرضه

: x3 /12/29

14011288 هزینه بهره
12000000 وجه نقد
2011288 کسر اوراق قرضه

: x4 /12/29

14011288 هزینه بهره
12000000 وجه نقد
2011288 کسر اوراق قرضه

: x5/12/29

14011288 هزینه بهره
12000000 وجه نقد
2011288 کسر اوراق قرضه

حساب کسر اور اق قرضہ در روش مستقیم استهلاک

10056440	: x1/12/29	10056440	: x1/1/1
2011288	: x2/12/29	2011288	
2011288	: x3/12/29		
2011288	: x4/12/29		
2011288	: x5/12/29		
10056440	جمع		

فروش اوراق قرضه با صرف :

هرگاه در توزیع اوراق قرضه بهره تعهد شده اوراق قرضه بیش از بهره بازار باشد ارزش بازار اوراق قرضه به قسمتی بیشتر از مبلغ اسمی آن و حدوداً به مبلغی معادل متفاوت بهره بازار و بهره اوراق قرضه به فروش خواهد رسید در چنین حالتی در قبال فروش اوراق قرضه بیش از قیمت اسمی تفاوت وجوه نقد دریافتی شرکت و بهای اسمی اوراق قرضه در ترازنامه شرکت به حسابی به نام صرف اوراق قرضه بایستی بستانکار شود. مانده صرف اوراق قرضه در ترازنامه شرکت به حساب اوراق قرضه پرداخت اضافه میشود زیرا معادل صرف اوراق قرضه در وجه نقد شرکت اضافه دریافتی انجام شده است. صرف اوراق قرضه نیز میبایستی در مدت عمر اوراق قرضه مستهلک شده و هر سال به هنگام پرداخت بهره اوراق قرضه، هزینه بهره اوراق قرضه معادل نرخ بازار در حسابها منظور گردیده و حساب صرف اوراق قرضه معادل تفاوت بهره بازار و بهره تعهد شده اوراق قرضه بایستی بدهکار و مستهلک شود.

برای محاسبه مبلغی که هر سال بایستی از صرف اوراق قرضه کسر گردد نیز مانند، استهلاك کسر اوراق قرضه 2 روش استهلاك نرخ بهره موثر و روش استهلاك خط مستقیم عمل میشود.

روش مستقیم استهلاك صرف اوراق قرضه:

در این روش مبلغ صرف اوراق قرضه را برمدت اوراق قرضه مستقیم نحوه و مبلغی که هر سال باید از صرف اوراق قرضه مستهلك شود بدست می آید. مبلغ مذکور ضمن بدهکار شدن در صرف اوراق قرضه عیناً از مبلغ بهره پرداخت شده اوراق قرضه کم میشود و هزینه اوراق قرضه به نرخ روز در حساب هزینه بهره بدهکار خواهد شد.

مثال عددی:

شرکت سهامی عام خاش تعداد 50 برگ اوراق قرضه 500/000 ریالی را با بهره 12% در سال منتشر و به فروش رساند چون در سال سال $x1$ نرخ بهره بازار 10% بود لذا این اوراق به صرف فروخته شدند. در پایان سال $x5$ که موعد سر رسید اوراق قرضه بود اوراق قرضه، خریداران بازپرداخت شد و در طول سالهای $x1$ تا $x5$ نیز بهره اوراق قرضه به نرخ 12% به خریداران پرداخت شد. مطلوبست ثبت فروش اوراق قرضه به صرف.

ثبت بهره اوراق قرضه و استهلاك صرف اوراق قرضه و ثبت بازپرداخت اوراق قرضه در دفاتر شرکت سهامی عام خاش.

روش استهلاك صرف اوراق قرضه به طریق مستقیم استهلاك عمل گردد.

ضمناً ارزش فعلی 1 ریال بر مبنای نرخ 10%، 0/620921 و ارزش فعلی 5 قسط یک ریالی بر مبنای 10%، 3/790787 میباشد.

کل ارزش اسمی 50 برگ اوراق قرضه

$$50 \times 500000 = 25000000$$

بهره تعهد شده سالیانه اوراق قرضه

$$25000000 \times 12\% = 3000000$$

ارزش فعلی 25000000 ریالی اوراق قرضه 5 ساله

$$25000000 \times 0/620921 = 15523025$$

ارزش فعلی 5 قسط 3000000 ریالی بهره اوراق قرضه

$$3000000 \times 3/790787 = 11372361$$

مبلغ فروش رفته 25000000 ریال اوراق

$$15523025 + 11372361 = 26895386$$

کل مبلغ صرف اوراق قرضه

$$26895386 - 25000000 = 1895386$$

مبلغی که هر سال از صرف اوراق قرضه مستهلک میشود

$$1895386 \div 5 = 379077/2$$

مبلغ هزینه بهره هر سال

$$3000000 - 379077/2 = 2620922/8$$

ثبت عملیات در دفتر روزنامه شرکت سهامی خاش:

: x1 /1/1

2620992/8	هزینه بهره
379077/2	صرف اوراق قرضه
3000000	وجه نقد

: x2/12/29

2620992/8	هزینه بهره
379077/2	صرف اوراق قرضه
3000000	وجه نقد

: x3 /12/29

2620992/8	هزینه بهره
379077/2	صرف اوراق قرضه
3000000	وجه نقد

: x4/12/29

2620992/8	هزینه بهره
379077/2	صرف اوراق قرضه
3000000	وجه نقد

: x5/12/29

25000000	اوراق قرضه پرداختی
25000000	وجه نقد

استهلاك صرف اوراق قرضه به روش استهلاك بهره:

در این روش ابتدا سهامی فروخته شده اوراق قرضه که در واقع ارزش دفتری میباشد را در نرخ بهره بازار ضرب میکنند و مبلغ هزینه به قیمت روز سال اول فروش اوراق قرضه به دست می آید.

تفات هزینه بهره به نرخ بازار و نرخ بهره تعهد شده مبلغ استهلاك صرف اوراق قرضه در سال اول را معین میکند. مجدداً مبلغ استهلاك صرف اوراق قرضه در سال 1x را از ارزش دفتری سال کسر می کنند و ارزش دفتری اوراق قرضه در سال دوم معین می شود.

پس ارزش دفتری سال دوم را در نرخ بهره ضرب میکنند و هزینه بهره اوراق قرضه در سال دوم بدست می آید که تفاوت آن با بهره پرداخت شونده میزان استهلاك صرف اوراق قرضه را در سال دوم مشخص می نماید. مجدداً در سال سوم مبلغ استهلاك صرف اوراق قرضه در سال دوم را از ارزش دفتری سال دوم کسر میکنند و قیمت دفتری اوراق قرضه پرداختی برای سال سوم بدست می آید و به همین ترتیب در مدت این اوراق قرضه این عمل همه ساله تکرار می شود.

مثال عددی:

مفروضات مربوط به شرکت سهامی خاش را به روش استهلاك بهره حل نمائید.

26895386

بهای فروش اوراق قرضه

هزینه بهره سال $x1$:

$$26895386 \times 10\% = 2689538$$

استهلاك صرف اوراق قرضه $x1$:

$$3000000 - 2689538 = 310500$$

ارزش دفتری $x2$:

$$26895386 - 310500 = 26584886$$

هزینه بهره $x2$:

$$26584886 \times 10\% = 2658488$$

استهلاک صرف اوراق قرضه سال x2:

$$3000000-2658500=340500$$

ارزش دفتری اوراق قرضه سال x3:

$$26584886-3401500=26243386$$

هزینه بهره x3 :

$$26243386 \times \%10 = 2624338$$

استهلاک صرف اوراق قرضه x3:

$$3000000-2624338=375700$$

ارزش دفتری اوراق قرضه x4:

$$26243386-37570=25867686$$

هزینه بهره x4:

$$25867686 \times \%10 = 2586768$$

استهلاک صرف اوراق قرضه x4:

$$3000000-2586768=413200$$

ارزش دفتری x5:

$$25867686-413200=25454486$$

هزینه بهره x5:

$$25454486 \times \%10 = 2545448$$

استهلاک صرف اوراق قرضه x5:

$$3000000-2545448=454500$$

$$+341500+375700+25867686+413200+45400=1895500$$
$$310500$$

جمع استهلاك صرف اوراق قرضه مبلغ 12 ريال بيش از صرف اوراق است. صرف اوراق قرضه در طول 5 سال مي باشد و 12 ريال مزبور از آخرين مبلغ استهلاك صرف اوراق قرضه كم ميشود در نتيجه استهلاك صرف اوراق قرضه به شرح زير مي باشد:

استهلاك صرف اوراق قرضه در سال 5x :

$$454500-12=454488$$

ثبت پرداخت بهره اوراق قرضه در دفتر
روزنامه شركت خاش به روش استهلاك بهره:

:x1/12/29

2689500	هزينه بهره
310500	صرف اوراق قرضه
3/000/000	وجه نقد

:x2/12/29

2658500	هزينه بهره
341500	صرف اوراق قرضه
3/000/000	وجه نقد

:x3/12/29

2624300

هزینه بهره

375700

صرف اوراق قرضه

3/000/000

وجه نقد

:x4/12/29

2586800

هزینه بهره

413200

صرف اوراق قرضه

3/000/000

وجه نقد

:x5/12/29

2545512

هزینه بهره

454488

صرف اوراق قرضه

3/000/000

وجه نقد

حساب اوراق قرضه به روش استهلاک بهره

1895388	:x1/1/1	310500	صرف سال x1:
		341500	صرف سال x2:
		375700	صرف سال x3:
		413200	صرف سال x4:
		454488	صرف سال x5:
		1895388	جمع

فروش اوراق قرضه با سر رسید متوالی به کسر یا صرف:

ممکن است به جای سر رسید در اوراق قرضه سر رسید متوالی تعیین شده باشد. در این حالت اوراق قرضه فروخته شده با سر رسید متوالی را بصورت دسته بندی شده برای هر سر رسید بایستی جدا از سر رسید دیگر محاسبه و در حسابها ثبت نمایند.

مثال عددی:

اگر شرکت سهامی الف 5 برگ اوراق قرضه با سر رسید متوالی 10 برگ 3 ساله، با برگ 4 ساله، 10 برگ 5 ساله، 10 برگ 6 ساله و 10 برگ 7 ساله منتشر نموده و به فروش رسانیده باشد بهتر است برای 3 ساله جداگانه برای 4 ساله نیز جداگانه و به همین ترتیب برای هر سر رسید جداگانه محاسبات مربوط به کسر یا صرف اوراق قرضه را به عمل آورده و هزینه بهره هر سر رسید را با یکدیگر جمع نموده و بعنوان هزینه بهره دوره مالی منظور نمایند.

کسر یا صرف اوراق قرضه با سر رسید متوالی را نیز برای هر سر رسید جداگانه، محاسبه نموده و جمع استهلاك صرف یا کسر اوراق قرضه برای تمام سر رسیدها را منظور نمایند.

بازپرداخت اوراق قرضه:

فروش و بازپرداخت اوراق قرضه صادر در تاریخ بهره:

اوراق قرضه فروخته شده یا منطبق با موعد پرداخت بهره فروخته شده اند یا اینکه فاصله زمانی بین موعد پرداخت بهره آنها به فروش رفته اند. در حالت اول فرض میشود که اوراق قرضه درست در موعد پرداخت بهره به فروش رفته باشند. در این حالت به قیمت اسمی فروخته شده اند و در نتیجه به قسمت اسمی هم بازپرداخت میشوند.

مثال عددی:

شرکت سهامی عام زابل 10 برگ اوراق قرضه 500000 ریالی به سررسید 5 سال را در تاریخ $1/4/1 \times$ (روز صدور) به فروش رسانید. بهره اوراق قرضه همه ساله به نرخ 20% در تاریخ $1/4/1$ هر سال پرداخت گردید و در تاریخ $6/4/1 \times$ بهای اوراق قرضه بازپرداخت شد. مطلوبست نمایش آخرین بهره در پایان سال پنجم و بازپرداخت اوراق در $6/4/1 \times$ در دفتر روزنامه شرکت زابل و نمایش بهره پرداختی اوراق قرضه از ابتدا تا پایان سال پنجم.

چون اوراق قرضه در تاریخ $4/1$ صادر و به فروش رسیده اند بنابراین در پایان هر سال 9 ماه بهره پرداختی باید ثبت شود و در تاریخ $4/1$ حساب وجه نقد معادل بهره 12 ماه را پرداخت می کند لیکن سه ماه آن به حساب هزینه و 9 ماه آن به حساب بهره پرداختی بدهکار خواهد شد.

بنابراین در ابتدای سال 6x حساب بهره پرداختی با 9 ماه مانده بستنکار در دفتر کل شرکت
زابل افتتاح شده است یعنی:

$$10 \times 5000000 = 50000000$$

کل اوراق قرضه شرکت زابل

$$50000000 \times \%20 = 10000000$$

بهره هر سال اوراق قرضه

$$10000000 \times = 750000$$

بهره 9 ماه سال 5x که در 6/4/1 پرداخت می شود

ثبت روزنامه زابل در تاریخ 6/4/1 :

6/4/1x:

750000

بهره پرداختی

هزینه بهره اوراق قرضه

250000

10000000

وجه نقد

بابت پرداخت بهره سال پنجم اوراق قرضه

6/4/1x :

50000000

اوراق قرضه پرداختی

50000000

وجه نقد

بابت بهره پرداختی اوراق قرضه 6/4/1

حساب بهره پرداختی اوراق قرضه در دفتر کل شرکت زابل

750000	x1/12/29	750000	x2/4/1
750000	x2/12/29	750000	x3/4/1
750000	x3/12/29	750000	x4/4/1
750000	x4/12/29	750000	x5/4/1
750000	x5/12/29	750000	x6/4/1

فروش و بازپرداخت اوراق قرضه صادره در بین موعد مقرر:

در صورتی که اوراق قرضه بعد از موعد پرداخت بهره فروخته شده باشند رسم بر این است که علاوه بر دریافت اصل مبلغ ورقه قرضه، بهره مدت سپری شده نیز از خریدار وصول می گردد و پس در موعد پرداخت بهره ، بهره یکسال کامل به وی پرداخت خواهد شد.

مثال عددی:

شرکت سهامی ایرانشهر 5 برگ اوراق قرضه 500000 ریالی خود را که در تاریخ 4/1 هر سال سررسید پرداخت بهره آن بود در تاریخ 15/5/1 x فروخت بهره اوراق قرضه همه ساله در تاریخ 4/1 هر سال پرداخت گردید و در پایان سال پنجم یعنی 1/4/6 x ضمن پرداخت آخرین بهره بهای اوراق قرضه نیز بازپرداخت شد.

مطلوبست ثبت فروش اوراق قرضه در 15/5/1 x و پرداخت اولین بهره اوراق قرضه در 1/4/2 x و بازپرداخت اوراق قرضه در 1/4/6 x در دفتر روزنامه شرکت ایرانشهر. ضمناً بهره اوراق قرضه 20% در سال بود.

$$5 \times 500000 = 2500000$$

بهای 5 برگ اوراق قرضه بدون کسر یا صرف

$$2500000 \times \%20 \times 45 = 62500$$

بهره اوراق قرضه از 1/4/1 x تا 15/5/1 x

$$\underline{\underline{360}}$$

مبلغ 62500 ریال بهره اوراق قرضه از خریداران وصول می شود و لیکن بایستی در حساب بهره پرداختی بستانکار شود و ثبت زیر بابت فروش اوراق قرضه در $x51/15$ انجام می شود.

$x1/5/15$:

2562500

وجه نقد

62500

بهره پرداختی

2500000

اوراق قرضه پرداختی

در $x1/12/29$ بهره پرداختی 9 ماه سال x محاسبه می شود

$$2500000 \times \%20 \times 9 = 275000$$

12

پس مبلغ 62500 ریال دریافتی از خریدار از آن کسر در حساب بهره پرداختی ثبت خواهد شد یعنی:

$x1/12/29$:

312500

هزینه بهره

312500

بهره پرداختی

ثبت بهره اوراق قرضه فروخته شده در $x1/5/15$

مانده حساب بهره پرداختی در پایان سال $x1$ مبلغ 375000 است. در تاریخ $x2/4/1$ که اولین بهره یکساله پرداخت شد ثبت زیر به عمل می آید.

$x2/4/1$:

375000

بهره پرداختی

هزینه بهره اوراق قرضه

125000

500000

وجه نقد

بابت پرداخت بهره سال اول اوراق قرضه

در پایان سال پنجم بابت بازپرداخت اوراق قرضه اصل بهای اوراق قرضه باید بازپس داده شود

$x6/4/1$:

2500000 اوراق قرضه پرداختی

2500000 وجه نقد

بازپرداخت اوراق قرضه فروخته شده در $x1/5/15$

بازپرداخت اوراق قرضه قبل از سررسید:

در صورتی که شرکت سهامی عام صادرکننده اوراق قرضه برابر تصمیم هیئت مدیره و مجمع عمومی خود زودتر تراز سررسید اوراق قرضه وجه آن به خریداران اوراق قرضه بازپرداخت نماید چنانچه این اوراق بدون کسر یا صرف فروخته شده باشند بهره اوراق قرضه تا تاریخ بازپرداخت بر اساس نرخ مندرج در اوراق قرضه محاسبه و همراه بهای اوراق قرضه بازپس داده میشود.

مثال: اگر اوراق قرضه با سررسید 5 سال با نرخ 20% به مبلغ 1000000 ریال که بهره آن هر 6 ماه یکبار پرداخت می شود بعد از 33 ماه پس از فروش یعنی 27 ماه قبل از سررسید باز پس داده شود شرکت نمی تواند ادعای کاهش بهره اوراق قرضه را از خریدار بنماید مگر آنکه روی برگ اوراق قرضه چنین شرطی را قید کرده باشد که چنین شرطی از جلب مشتری برای خرید اوراق قرضه شرکت می کاهد لذا 20% بهره با فرض اینکه آخرین دفعه پرداخت بهره در ماه 30 درصد در صورت گرفته لذا شرکت فقط برای 3 ماه دیگر باید بهره اوراق قرضه را همراه 1000000 ریال بهای اوراق قرضه به خرید آن باز پس دهد یعنی:

$$1000000 \times 20\% \times 3 = 50000$$

به همراه 3 ماهه اوراق قرضه

ثبت روزنامه:

در تاریخ باز پرداخت:

اوراق قرضه پرداختی

هزینه بهره

وجه نقد

1000000

50000

1050000

بابت بازپرداخت اصل و بهره 3 ماه آخر

بدیهی است اگر اوراق قرضه به صرف یا کسر فروخته شده باشند ابتدا حساب صرف یا کسر اوراق قرضه اصلاح می شود پس ضمن بازپرداخت بهای اوراق قرضه و استهلاك باقیمانده حساب صرف یا کسر اوراق قرضه سود یا زیان بازپرداخت اوراق قرضه در حسابها ثبت می شود.

بدیهی است که سود یا زیان بازپرداخت اوراق قرضه در زمانی بوجود می آید که شرکت صادر کننده اوراق قرضه خود را به قیمتی غیر از مبلغ اسمی خریداری نماید. اگر بیش از مبلغ اسمی یا بهای فروخته شده بازپرداخت کند زیان و در صورتیکه کمتر از مبلغ اسمی یا بهای فروخته شده بازپرداخت کند سود پرداخت حاصل می شود. در حین عمل یعنی بازخرید اوراق قرضه به مبلغی کمتر یا بیشتر در صورتی اتفاق می افتد که اوراق قرضه خود را از بازار یا بورس باز خرید کند.

مثلاً: فرض کنید شرکت سهامی خاش 50 برگ اوراق قرضه 5 ساله 500000 ریالی را که با بهره 12% منتشر نموده و چون نرخ بهره در بازار 10% بوده است آنها را به صرف فروخته است در پایان سال سوم باز خرید نماید. اگر قیمت 500000 ریال و صرفی که فروخته بود بازپرداخت کند که سود یا زیان بازپرداخت نخواهد داشت فقط باید صرف اوراق قرضه در پایان سال سوم ابتدا تعدیل گردد. یعنی با فرض اینکه صرف اوراق قرضه با روش مستقیم صورت گرفته باشد در پایان سال سوم انتشار اوراق قرضه یعنی در 3/12/21 هزینه بهره اوراق قرضه در پایان سال سوم به شرح زیر ثبت میشود.

x3/12/29 :

هزینه بهره اوراق قرضه
2620992/8

صرف اوراق قرضه
وجه نقد

379077/2
3000000

بابت پرداخت بهره اوراق قرضه در پایان سال سوم

حساب صرف اوراق قرضه

1895386	x1/1/1	379077/2	x2/4/1
		379077/2	x 2/4/1
		379077/2	x 2/4/1
1895386	جمع بستانکار	1137231/6	جمع بدهکار
758154/4	مانده بستانکار		

پس ضمن پرداخت بهای اوراق قرضه به مبلغ اسمی به اضافه صرف اوراق قرضه تمام مانده حساب صرف اوراق قرضه نیز بدهکار می شود یعنی:

: x3/12/29

اوراق قرضه پرداختی 25000000

صرف اوراق قرضه 758154/4

وجه نقد 25758154/4

بازپرداخت اوراق قرضه به همان قسمتی که فروخته شده بود

در صورتیکه اگر شرکت خاش در پایان سال سوم اوراق قرضه خود را به قسمت 1% بیشتر از قسمت اسمی بازپرداخت می نمود در آن صورت:

مبلغ اضافی نسبت به قیمت اسمی $25000000 \times 1\% = 250000$

بهای بازپرداختی بابت خرید اوراق قرضه $25000000 + 250000 = 25250000$

سود بازپرداخت اوراق قرضه $25758154/4 - 25250000 = 508154/4$

و در دفاتر شرکت خاش ثبت صفحه بعد در پایان سال x3 به عمل می آید.

x3/12/29 :

25000000

758154/4

508154/4

اوراق قرضه پرداختی

صرف اوراق قرضه

وجه نقد

بدیهی است شرکت خاش بیشتر از 3% ارزش اسمی اوراق قرضه، اوراق خود را بازخريد نماید زیان بازپرداخت اوراق قرضه برای شرکت ایجاد می شود.

سپرده وجوه استهلاکی اوراق قرضه:

در حالت انتشار و فروش اوراق قرضه با سررسد ثابت بعضی از شرکتها به تقاضای خریداران اوراق قرضه یا جهت جلب نظر خریداران اوراق قرضه همه ساله مبلغی از درآمد شرکت را بنام اندوخته وجوه استهلاکی تخصیص میدهند که به هنگام این تخصیص حساب تقسیم سود انباشته بدهکار و حساب اندوخته وجوه استهلاکی بستانکار میشود. در نتیجه این اندوخته در داراییهای شرکت به کار گرفته می شود و سود قابل تقسیم بین سهامداران را کاهش می دهد.

معادل مبلغ این اندوخته مجدداً سرمایه گذاری می شود یعنی اصل و فرع دوباره سرمایه گذاری می شود بطوریکه در سرسید این سرمایه گذاری ابطال وجوه آن بابت بازخرید اوراق قرضه پرداخت میشود.

بعد از بازپرداخت اوراق قرضه اندوخته وجوه استهلاکی به حساب سود سنواتی یا اندوخته های دیگر منتقل میشود و ممکن است هیئت مدیره شرکت با تصویب مجمع عمومی قسمتی از دارایی نقد خود را بابت تضمین بازپرداخت اوراق قرضه در حساب سپرده های بانکی در نزد شعبه بانک سپرده نمایند. در این حالت حساب سپرده وجوه استهلاکی بدهکار و حساب جاری بانکی شرکت بستانکار میگردد.

در موقع بازپرداخت اوراق قرضه به جای بستانکار شدن وجه نقد شرکت مستقیماً حساب سپرده وجوه استهلاکی بستانکار و حساب اوراق قرضه بدهکار میشود.

در صورتیکه شرکت اختیار داشته باشد یا زمانی که بدون اجبار اقدام به افتتاح حساب سپرده وجوه استهلاکی نموده است شرکت می تواند تا فرارسیدن سرسید بازپرداخت اوراق قرضه، سپرده وجوه استهلاکی را به کار انداخته و صرف خرید یا سرمایه گذاری سودآور بنماید. در صورت سرمایه گذاری سپرده وجوه استهلاکی را به کار اندوخته و صرف خرید یا سرمایه گذاری سودآور بنماید.

در صورت سرمایه گذاری سپرده وجوه استهلاکی بایستی حساب سرمایه گذاری وجوه استهلاکی را بدهکار و حساب سپرده وجوه استهلاکی بستانکار شود و هر بار که سود سرمایه گذاری کسب شود باید حساب سپرده وجوه استهلاکی بدهکار و حساب درآمد سرمایه گذاری وجوه استهلاکی بستانکار گردد.

بدیهی است که به هنگام فروش اصل سرمایه گذاری وجوه استهلاکی به حساب سپرده وجوه استهلاکی به مبلغ فروش بدهکار و حساب سرمایه گذاری وجوه استهلاکی بدهکار و درآمد سرمایه گذاری وجوه استهلاکی بستانکار خواهد شد.

حسابداري چالانہ ۲ فصل پنجم

سرمایه گذاری بلند مدت در سهام و اوراق قرضه .

سرمایه گذاری شرکتی در شرکت دیگر از طریق خرید سهام شرکت (اگر شرکت سهامی باشد) و یا مشارکت در سرمایه شرکت (اگر شرکت غیر سهامی باشد) و یا خرید اوراق قرضه از شرکت سهامی عامی صورت می گیرد.

اگر سرمایه گذاری شرکت برای حداکثر مدت
یک سال دوام داشته باشد آن را سرمایه گذاری
موقت یا کوتاه مدت می گویند ولی اگر سرمایه
گذاری شرکت در سهام و اوراق قرضه شرکت
دیگر برای سالیان متمادی دوام داشته باشد در
این صورت آن را سرمایه گذاری بلند مدت می
نامند .

سرمایه گذاری بلند مدت مانند دارایی
جاری می باشد لیکن سرمایه گذاری بلند
مدت مانند دارایی غیر جاری یا بلند مدت
می باشد امروزه هدف از سرمایه گذاری
بلند مدت ، شامل چندین منظور است .

و در واقع ، سرمایه گذاری بلند مدت سرمایه
گذاری دارای چندین هدف است که مهمترین
آنها عبارتند از :

کسب سود از طریق سود سهام یا سود اوراق
قرضه یا افزایش بهای آنها در بازار .

اعمال نفوذ و کنترل مدیریت در شرکت سرمایه
پذیر .

تأمین مالی شرکت سرمایه پذیر به منظور استفاده منظم از تولیدات شرکت سرمایه پذیر جهت دوام شرکت سرمایه گذار .

1-5- سرمایه گذاری در سهام سایر شرکت ها .

خرید سهام سایر شرکت ها توسط شرکت سهامی دیگر در بلند مدت ، بیشتر برای نفوذ و کنترل شرکت سرمایه گذار در شرکت سرمایه پذیر است .

در نتیجه حسابداری سرمایه گذاری بلند مدت
در سهام شرکتهای دیگر تابع نفوذ و کنترل
سرمایه گذار در سرمایه پذیر است . برای
مثال اگر شرکت سهامی رکن آباد 15% از
سهام شرکت سهامی عام شیراز را خریداری
کرده باشد میزان نفوذ شرکت رکن آباد در
شرکت شیراز قابل ملاحظه نمی باشد .

در شرکت مزبور عملاً نمی تواند در
برنامه ریزیها و سیاست کاری
شرکت شیراز تأثیر مورد نظر را
بگذارد و تصمیم گیریهای مجمع
عمومی، رأی شرکت رکن آباد نقش
رهبري کننده را ایفاء نخواهد کرد

و لذا سهامی که شرکت رکن آباد از شرکت شیراز
خریده بیشتر از بازده سرمایه گذاری مورد توجه
قرار می گیرد و بدین لحاظ، حسابداری سرمایه
گذاری در سهام عادی شرکت دیگر در مواردی که
سرمایه گذار کمتر از 20% سهام شرکت دیگر را
خریداری نموده باشد ، باید از روش اقل قیمت تمام
شده یا بازار انجام شود .

در صورتی که شرکت سرمایه گذاری
بیش از 20% سهام شرکت دیگر را
خریداری کرده باشد و آن میزان حداکثر
کمتر از 50% باشد ، در مجامع عمومی
با توجه به اینکه 30% آرا غیبت دارند

لذا حضور شرکت سرمایه گذار و نفوذ
وي در شرکت از طریق داشتن اکثریت
نسبی در مجامع کاملاً محسوس خواهد
بود و سایر سهامداران شرکت سعی می
کنند که تا اندازه ای نظرات شرکت
سرمایه گذار را قبول کنند

و لذا در تصميم گيريهاي شرکت
سرمایه پذیر نفوذ قابل ملاحظه اي
خواهند داشت ، در اين حالت ،
حسابداري سرمايه گذاري در سهام
شرکت ديگر بر اساس روش ارزش
ويژه انجام خواهد شد .

اما اگر شرکت سرمایه گذار بیش از 50% سهام شرکت سرمایه پذیر را خریده باشد ، چون در مجامع اکثریت مطلق را دارد ، لذا تصمیم گیریهای شرکت سرمایه پذیر کلاً با رأی شرکت سرمایه گذار انجام می گیرد .

در نتیجه شرکت سرمایه گذار شرکت اصلی
و شرکت سرمایه پذیر شرکت فرعی خواهد
بود . و معمولاً ضمن تهیه صورت های مالی
تلفیقی از روش حسابداری خرید و یا ارزش
ویژه و یا اتحاد منابع در حسابداری سرمایه
گذاری سهام استفاده می گردد .

1-1-5- روش بهای تمام شده :

در روش بهای تمام شده، سرمایه گذاري به بهای تمام شده یا تحصيل سهام ثبت مي شود و سود سرمایه گذاري نیز محدود به سود بهای سرمایه گذاري شده در هر دوره مالي مي باشد

بنابر این چنانچه سود سهام دریافت
شده، فقط از سود ویژه دوره مالی
صورت نگرفته باشد و بخشی از
سود سهام شامل سود تقسیم نشده
سالیان قبل یا اندوخته های قبلی
شرکت سرمایه پذیر باشد

در آن صورت سود سهام را به نسبت
سود ویژه دوره مالی منظور می کنند و
فقط در مواقعی که بهای سهام خریده
شده دائمی و مهمی نسبت به قیمت تمام
شده خرید، رخ می دهد

می توان کاهش ارزش سرمایه گذاری
را به بهای بازار در حسابها ثبت نمود و
در نتیجه تغییر روش قیمت تمام شده به
روش اقل قیمت بین بهای تمام شده و
بهای بازار جایز خواهد بود

بنابراین در ثبت خرید سهام شرکت های
دیگر کمتر از 20% سهام باید قیمت تمام
شده و اصل سود سهام دریافتی به عنوان
درآمد ثبت شرکت شود . و تغییرات موارد
فوق به شرح زیر قابل شناسایی و ثبت در
دفاتر می باشد .

الف : اگر سود سهام شامل سود ویژه دوره و سودهای دوره قبل باشد .

چنان چه سود سهام پرداختی به
سرمایه گذار شامل سود ویژه
دوره مالی و بخشی نیز از سود
تقسیم نشده یا اندوخته های
سالهای قبل شرکت سرمایه پذیر
بوده باشد

در این حالت شرکت سرمایه گذار مبلغ اضافه دریافتی نسبت به سود ویژه دوره مالی را باید برگشت سرمایه تلقی نمود و حساب سرمایه گذاری را بستانکار سازد و درآمد سرمایه گذاری را به اندازه سود سهام از سود ویژه دوره مالی شرکت سرمایه گذار بستانکار نماید .

مثال :

شرکت رکن آباد در تاریخ N 2/2/5
تعداد صد سهام 10000 ریالی شرکت
سهامي عام شیراز را به قرار هر سهم
13/000 ریال خریداري کرد و بابت خرید
سهام 40/000 ریال نیز کارمزد پرداخت
نمود .

و در تاریخ 72/9/10 شرکت سهامی عام
شیراز سود سهامی معادل 50% بهای اصلی
سهام شرکت به شرکت رکن آباد پرداخت نمود
نیمی از سود دریافتی از شرکت شیراز از محل
سود تقسیم نشده سالهای قبل می باشد مطلوب
است ثبت خرید سهام و دریافت سود سهام در
دفتر روزنامه شرکت رکن آباد .

بهاي خريد 100 سهم

$$13000 \times 100 = 1300000$$

قيمت تمام شده ، خريد 100 سهم

$$1300000 + 40000 = 340000$$

ثبت روزنامه در تاريخ N2/2/5 :

(N 2/2/5) سرمايه گذاري بلند مدت (سهام شركت شيراز)

1340000

وجه نقد (صندوق يا بانك)

1340000

بابت خرید 100 سهم 10000 ریالی شرکت
سهامي شیراز

سود سهام دریافتي از شرکت شیراز

$$1000000 \times 50\% = 500000$$

بخشي از سود دریافتي که از سود سالهاي
گذشته است

$$500000 \times \frac{1}{2} = 250000$$

مبلغ 250000 سود سهام از سود
ویژه سال N1 و بخشی دیگر یعنی
250000 ریال از محل سود سنواتی
یا سود سالهای قبل می باشد که
برگشت سرمایه حساب می شود .

ثبت در دفتر روزنامه شرکت رکن آباد

در N2/9/10

N2/9/10 وجوه نقد (صندوق یا بانک)

500000

درآمد سرمایه گذاری در سهام

250000

سرمایه گذاری بلند مدت (سهام شرکت شیراز)

250000

ثبت دریافت سود سهام که نیمی از آن مربوط به سود سالهای قبل است .

نمایش حساب سرمایه گذاری بلند مدت (سهام شرکت شیراز در دفتر کل شرکت رکن آباد N2/2/5)

(N 2/9/10)

1340000

250000

1090000

مانده حساب

ب: درحالت سقوط ثابت ارزش سرمایۀ گذاري

**در صورتي كه در اثر عوامل متعدد
شرکت سرمایۀ پذیر دچار رکود اقتصادي
و در نتیجه زیان مي شود ، بهاي سهام
شرکت سرمایۀ پذیر به طور محسوس
مبلغی کمتر از ارزش اسمي سقوط خواهد
نمود**

مثلاً شرکت تولید کاغذ که با سهام
سرمایه ای به مبلغ 500000000 ریال
شامل 50000 سهم يك هزار ریالی برای
تولید کاغذ تاسیس شده بود ، به علت
خرید زمین جهت کارخانه در محلی که از
نظر محیط زیست ممنوع تشخیص داده
شده ، دچار رکود شد

و در نتیجه ارزش سهام شرکت کاغذ
در بازار کاهش یافت و ارزش سهام
1000 ریالی به هر سهم 800 ریال
سقوط نمود و شرکت کاغذ سهام
شرکت را رسماً هر سهم 800 ریال
تغییر داد .

شرکت لوازیم التحریر که 20% سهام شرکت
کاغذ را در اختیار داشت ناچار شد 20%
قیمت سهام خریداری شده را در دفاتر تقلیل
دهد در صورتی که شرکت لوازیم التحریر سهام
شرکت کاغذ را با پرداخت يك درصد کارمزد
خریداری نموده باشد

مطلوبست ثبت سقوط رسمي ارزش سهام شرکت
کاغذ در دفاتر شرکت لوازم التحریر .

بهاي سهام خريده شده از شرکت کاغذ

$$500000000 \times \%20 = 100000000$$

کارمزد خرید سهام

$$100000000 \times \%1 = 1000000$$

قیمت تمام شده سهم خریده شده

$$100000000 + 1000000 = 101000000$$

تعداد سهام خریده شده از شرکت کاغذ

$$50000 \times \%20 = 10000$$

بهای سهام شرکت کاغذ بعد از سقوط ارزش

$$10000 \times 800 = 8000000$$

مبلغ سقوط ارزش سهام شرکت کاغذ

$$101000000 - 80000000 = 21000000$$

ثبت روزنامه در دفتر شرکت لوازم التحریر بعد
از سقوط قطعی بهای سهام شرکت کاغذ :

شماره سند الف) زیان کاهش ارزش سرمایه
گذاری

21000000

سرمایه گذاری بلند مدت سهام شرکت کاغذ
2100000

بابت سقوط ارزش سهام خرید شده از
شرکت کاغذ

نمایش حساب سرمایه گذاری بلند مدت)
سهامی شرکت کاغذ)

در دفتر کل شرکت لوازم التحریر

21000000

101000000 سند الف

مانده قبل از سقوط

80000000

مانده بعد از سقوط قیمت سهام

پ: جایگزینی قاعده اقل قیمت بین قیمت تمام شده و بهای بازار

در سرمایه گذاری بلند مدت در سهام سایر شرکتها در صورتی که کمتر از 20% از سهام شرکت سرمایه پذیر باشد

در صورت کاهش ارزش سهام
شرکت سرمایه پذیر در بازار چون
به قیمت تمام شده بازار در دفاتر
سرمایه گذار ثبت شده اند باید به
قیمت کاهش یافته بازار تبدیل شوند

و چون کاهش قیمت سهام به علت عدم
فروش سرماییه گذاري به بهاي بازار
، يك نوع پيش بيني زيان است پس
بايد مانند مطالبات مشكوك الوصول
براي اين زيان پيش بيني شده ذخيره
در نظر گرفته مي شود

و هر سال ذخیره مزبور با توجه به
اقل قیمت بین بازار و قیمت تمام شده
تعدیل خواهد شد و پس از فروش
سرمایه گذاری بلند مدت تعدیل نهایی
به عمل خواهد آمد .

5-1-2 حسابداري سرمايه گذاري بلند مدت به روش ویژه .

همان طوریکه قبلاً توضیح داده شد خرید سهام
يك شرکت توسط شرکت دیگر بیش از 20%
منجر به نفوذ قابل ملاحظه شرکت سرمایه گذار
در شرکت سرمایه پذیر خواهد شد ،

در نتیجه شرکت سرمایه گذار می تواند با استفاده از نفوذ خود در شرکت سرمایه پذیر علاوه بر استفاده از سود سهام به امتیازات دیگری دست یابد زیرا سرمایه گذاری با داشتن بیش از 20% سهام شرکت سرمایه پذیر نفوذی معادل مؤسسين شرکت سهامی عام پیدا خواهد کرد

و دیگر سهامداران یا نظر او را
خواهند یافت یا پذیرفت و یا به
قدرت نظرات سهامداران دیگر
غالب می گردد ، لذا در این حالت
سود سرمایه گذاری نمی تواند فقط
محدود به سود سهام باشد

و لذا سرمایه گذاری بیش از 20% در
سهام شرکت دیگر مستلزم ثبت موارد
مربوط به سرمایه گذاری به روش ارزش
ویژه در دفاتر شرکت سرمایه گذار را ایجاب
می کند بنابراین قاعده خرید سهام از شرکت
سرمایه پذیر در ابتدا به قیمت تمام شده
خرید در حسابها ثبت می شود .

لیکن در پایان هر سال ، برابر
درصدی که از سهام شرکت سرمایه
پذیر دارد بایستی ارزش سرمایه
گذاری را برابر درصد سرمایه
گذاری نسبت به ارزش ویژه شرکت
سرمایه پذیر تعدیل نماید

و پس به هنگام دریافت سود
سهام، معادل سود سهام
دریافتی وجوه نقد خود را
بدهکار و حساب سرمایه گذاری
را بستانکار نماید،

لذا بعد از پایان اولین سال خرید سهام
از شرکت سرمایه پذیر ، بایستی ارزش
ویژه با قیمت خالص داراییهای شرکت
سرمایه پذیر توسط شرکت سرمایه گذار
بررسی شود

و حساب سرمايه گذاري به نسبت ارزش
ويژه دارايبهاي شرکت سرمايه پذير در
دفاتر سرمايه گذار تعديل گردد . مثلاً فرض
کنيد شرکت برازجان معادل 30% از سهام
شرکت سهامی عام بندر را در تاريخ
N2/7/1 به بهاي 4500000 ريال
خریداري نمود ،

مبلغ پرداختي شرکت برازجان برابر
30% ارزش ویژه شرکت بندر مي باشد .

مجموع حقوق	ارزش ویژه	بدهي بلند	دارائي غير	بدهي	دارائي
=	=	=	-	+	-
صاحبان سهام	شرکت	مدت	جاري	جاري	جاري

از مهر ماه به بعد شرکت بندر تحت نفوذ
شرکت برازجان درآمد . در پایان سال N2
شرکت برازجان سود ویژه ای معادل
40000000 ریال تحصیل کرده است که قرار شد
مبلغ **10000000** ریال به سهامداران پرداخت
شده و بقیه به عنوان اندوخته ها منظور شود .

نکته اول :

به هنگام ثبت سود سرماییه گذاري بر اساس ارزش ویژه شرکت سرماییه پذیر در دفاتر شرکت سرماییه گذار، بایستی آن قسمت از سود سهم شرکت سرماییه گذار که از بخش درآمد غیر مترقبه شرکت سرماییه پذیر می باشد .

5-1-3 مقایسه حسابداری ارزش ویژه با روش بهای تمام
شده :

در مقایسه حسابداری سرمایه
گذاری بلند مدت در سهام به
روش بهای تمام شده و روش
ارزش ویژه می بینیم

که روش بهای تمام شده سرمایه
گذاری بلند مدت به بهای تمام شده
ثبت گردیده در طی سالهای بعد فقط
سود سهام پرداختی در دفاتر شرکت
سرمایه گزار ثبت می شود .

اما در روش ارزش ویژه علاوه بر ثبت
سرمایه گذاري بلند مدت به نسبت ارزش ویژه
سهام خريداري شده شرکت سرمایه پذیر، در
دفاتر شرکت سرمایه گذار، بایستی درآمد
سرمایه گذاري نیز به ثبت کل مبلغی که شرکت
سرمایه پذیر افزایش ارزش ویژه داشته است
در دفاتر شرکت سرمایه گذاري ثبت شود.

5-1-4 روش قیمت تمام شده و ارزش ویژه در پایان
عمر شرکت سرمایه پذیر:

در پایان عمر شرکت سرمایه پذیر
سهام حقیقی شرکت سرمایه گذار
بعد از تسویه بدهی شرکت سرمایه
پذیر عبارت است از :

خارج قسمت باقیمانده دارایی شرکت
تقسیم بر تعداد سهام سرمایه شرکت
و لذا در پایان عمر شرکت سرمایه
پذیر آنچه که به شرکت سرمایه گذار
یا سهامداران می رسد مبلغ مشخصی
است

که در هر دو روش ثبت مبلغ
مزبور یکسان است لیکن تفاوت
دو روش در پایان عمر شرکت
سرمایه پذیر به این نتیجه خواهد
رسید

که درآمد حاصل از تصفیه
شرکت سرمایه پذیر در روش ثبت
به بهای تمام شده بیشتر از درآمد
حاصل از تصفیه شرکت سرمایه
پذیر در روش ثبت به بهای تمام
شده

بیشتر از درآمد حاصل از تصفیه شرکت
سرمایه پذیر در روش ثبت به ارزش
ویژه باشد و لذا درآمد اضافی قبل از
تصفیه در روش ارزش ویژه و در این
حالت با درآمد سرمایه گذاری در روش
ثبت به بهای تمام شده یکسان خواهد شد

■

5-1-5- سود سهمي و سرمايه گذاري بلند مدت در

سهام :

هر گاه در نتیجه خرید سهام شرکت ،
شرکت سرمايه پذير ، سود سهمي در
عوض پرداخت وجه نقد به
سهامداران تحويل نمايد .

چون سهام سود سهمي يا سهام
جايژه از محل سود انباشته شرکت
سرمایه پذیر که ارزش ویژه شرکت
يا حقوق صاحبان سهام منظور شده
به سهامداران اهداء مي گردد

ولذا از نظر سرمایه گذاری بلند
مدت در شرکت سرمایه گذار
افزایش یا کاهش ایجاد نمی نماید و
فقط تعداد سهام در اختیار شرکت
سرمایه گذار اضافه خواهد شد

و همانطور که در بخش سود سهمی
گفته شده بعد از تحویل سود سهمی به
سهامداران ارزش بازار سهام کاهش
یافته و معادل بهای سهم به علاوه
سهام سود سهمی خواهد شد .

ولي به تدريج سهام شرکت در بازار افزايش
حاصل مي کند و براي شرکت سرمايه امکان
فروش تعدادي از سهام خريداري شده را به
بهايي بيشتري در بازار فراهم مي نمايد که اگر به
فروش رساند ، درآمد فروش سهام با سرمايه
گذاري بلند مدت بايستي شناسايي و در دفاتر
شرکت سرمايه پذير ثبت گردد .

5-1-6 بهاي بازار و حسابداري سرمايه گذاري بلند مدت :

عده اي از حسابداران ثبت
سرمايه گذاري در دفاتر شرکت
سرمايه گذاري را به بهاي بازار
انجام مي دهند

و عمده دلایل آنها در انجام این عمل
شخصی بودن ارزش سهام شرکت
سرمایه پذیر در بازار می باشد . بهای
عمومی سهام شرکت ها در اطاق
بورس هر کشور مشخص می شود .

حالا اكثر حسابداران ثبت
سرمایه گذاري بلند مدت را به
روش بهاي بازار به دليل
نوسانات دائمي ارزش سهام در
بازار غير استاندارد
دانند

و معتقد اند که سود یا زیان دوره
مالی دستخوش این نوسانات قرار
گرفته و سود یا زیان ناپایدار به
وجود خواهد آمد و ثبتهای
حسابداران همواره تغییر خواهد
کرد

در موقع فروش سهام توسط شرکت
سرمایه گذار این دو نظریه یکسان می
شود زیرا در موقع فروش تفاوت بهای
بازار و بهای ثبت شده در قالب سود یا
زیان فروش سرمایه گذاری به عمل
خواهد شد .

و عدم ثبت به بهای بازار توسط طرفداران اصل
بهای تمام شده ، در این زمان تعدیل خواهد گردید

5-1-7 سرمایه گذاری در سهام شرکت دیگر بیش از 50% :

در سرمایه گذاری در سهام شرکت بیش از
50% سرمایه گذار با داشتن 51% از سهام
شرکت سرمایه پذیر عملاً صاحب اکثریت
رای می شود

و لذا به تنهائي مي تواند اعمال نظر کند
در مورد انتخاب مديران و مديريت شرکت
سرمایه پذیر عملاً اقدام نماید در اين حالت
شرکت سرمایه گذار يا مادر يا اصلي و
شرکت سرمایه پذیر شرکت فرعي محسوب
مي شود .

در چنین حالتی ثبت شرکت سرمایه گذاری در
روش ویژه در دفاتر سرمایه گذاری صورت می
گیرد و باید در پایان هر دوره مالی صورتهای
مالی و تلفیقی توسط شرکت اصلی و فرعی تهیه
شده و توسط شرکت اصلی به صورت شخصیت
واحدی منعکس شود

حال اگر شرکت اصلی و فرعی با یکدیگر
ادغام شوند ثبت سرمایه گذاری در
شرکت اصلی به روش بهای تمام شده
صورت می گیرد و شرکت اصلی و فرعی
با تهیه کاربرگ به یکدیگر پیوند
می خورند.

5-2 - سرمایہ گذاری بلند مدت در اوراق قرضه :

اوراق قرضه : اوراقی هستند که به موجب آنها دولت یا يك شرکت سهامی عام متعهد می شود مبلغ معینی را در سر رسید معین با سود شخص به خریدار اوراق قرضه بپردازد

تقریباً مانند سفته یا برات پرداختی می باشد (برای
متعهد) در ایران چندین اوراق قرضه منتشر
شده.

1- اوراق قرضه ملی

2- اوراق اصلاحات ارضی

3- اسناد خزانه در دهه پنجم قرن چهاردهم (به پشتوانه
جواهرات بانک مرکزی)

4- اسناد خزانه عباس آباد به پشتوانه اراضی عباس
آباد تهران

1-2-5- خرید اوراق قرضه با اضافه بهاء :

ثبت خرید اوراق قرضه با اضافه
بهاء به طریقہ حساب واحد
صورت می گیرد و یا در دو
حساب.

در طریقه حساب واحد مبلغ اصلی و
اضافه بهاء هر دو در يك حساب سرمایه
گذاري بلند مدت يا اوراق قرضه دریافتي
بلند مدت ثبت مي شود.

در روش ثبت در دو حساب، مبلغ اضافه
بهاء در حسابي جدا و به همین نام بدهکار
مي شود

و بهاي اصلي اوراق قرضه نيز در
حساب اوراق قرضه دريافتي بلند مدت
سرمايه گذاري بلند مدت بدهكار خواهد
شد. تفاوت اين دو در موقع ثبت سود
دريافتي اوراق قرضه آشكار مي شود.

2-2-5- خرید اوراق قرضه با تخفیف یا کسریها :

اگر اوراق قرضه در بازار بهره ،
سود کثري نسبت به سود در بازار
داشته باشد ، در این حالت اوراق
قرضه به کسر تخفیف بهای اصلی
فروخته می شود

و سرمایہ گذاری در اوراق قرضه
زیر قیمت اصلی انجام می شود در
این حال نیز می توان اوراق قرضه
خریداری شده را یا به قیمت تمام
شده در یک حساب ثبت نمود

یا اینکه بهای اوراق قرضه به قیمت
اصلی در حساب سرمایه گذاری ثبت
نمود و تفاوت خرید و بهای اصلی را
در جایی به نام کسری ها یا تخفیف
بهای سرمایه گذاری ثبت نمود .

مثال :

شرکت کازرون در تاریخ N5/1/1 تعداد
صد برگ اوراق قرضه 50000 ریالی پنج
ساله از شرکت سهام عام خریداری نمود .
سود اوراق قرضه هر سال در تاریخ
12/29 پرداخت می شد .

سود اوراق قرضه شرکت اِرم 10% در سال
بود . نرخ سود پول در بازار 12% در سال
انجام می گیرد شرکت کارزون اوراق قرضه
شرکت ارم را به مبلغ 4639500 ریال
خریداری نمود و مبلغ 360500 هزار ریال
تخفیف با کسر بها نصیب شرکت کارزون گردید

.

تغییرات در حسابداری. تهیه صورت های مالی از

6-1 – تغییرات در حسابداری

تغییرات حسابداری کلاً در سه گروه قابل طبقه بندی هستند و عبارتند از :

الف : تغییرات در اصول و روشهای حسابداری
مثل تغییر در روش محاسبه استهلاك از مستقیم به نزولی .

ب: تغییر در برآوردهای حسابداری مثل تغییر قیمت اسقاط .

ج: تغییر در شخصیت حسابداری واحد
گزارشگر مثل یکی شدن دو شرکت

1-1-6 - تغییر اصول حسابداری

منظور از تغییر اصول حسابداری در يك
مؤسسه ، تغییر کاربرد يك اصل حسابداری
به اصل دیگری می باشد

و این به معنی نفی يك اصل حسابداری
نیست ، بلکه به معنی ضرورت وروش
جدید برای موسسه مناسب تر است واین
تغییر هنگامی قابل پذیرش است که
وضعیت مالی وکارکرد مالی موسسه را
مناسبتر و مطلوبتر منعکس کنند .

مثلاً :

1- تغییر در ارزیابی موجودی کالا آخر دوره از مایفو به لایفو .

2- تغییر روش محاسبه استهلاک داراییهایی که قبلاً تهیه شده از مستقیم به نزولی .

3- تغییر روش در حسابداری
پیمانها و قراردادهای که قبلاً
قراردادهای بر حسب پیشرفت کار
ثبت می شده بعداً به روش کار
تکمیل شده .

2-1-6 - تغییر در برآوردهای حسابداری

استفاده از برآوردها در حسابداری لازم می باشد ، توسط خبرگان امر به عمل می آید . اثر تغییر برآورد در صورت های مالی دوره جاری در صورت اهمیت

حتماً^{۲۹} بایستی به ترتیب در سود ویژه
بعد از اقسام غیر مترقبه مالیات بر
درآمد و سود ویژه و سود خام هر
سهم نشان داده شود و این تغییرات
باید در آینده به صورت های مالی
آینده گزارش شود .

و برآوردهای مداوم سالانه مطابق با
نیاز هر سال محاسبه گردد و نیاز به
گزارش جداگانه ای ندارد و اگر این
تغییرات نسبت به وضع مالی موسسه
بی اهمیت باشد لازم به افشاگری
جداگانه ای نیست .

3-1-6- تغییر در شخصیت حسابداری

در صورت ترکیب شرکتها و
موسسات با یکدیگر و یا جذب و
ادغام در یکدیگر تغییر در
شخصیت حسابداری به وجود می
آید

پس در این حالت همواره باید صورتهای
مالی اولین سال شخصیت حسابداری ،
سود ویژه قبل از اقلام غیر مترقبه و سود
ویژه بعد از آثار تغییر شخصیت و سود
ویژه بعد از مالیات ضمن نمایش تغییر
مالیات وهم چنین سود خام هر سهم نیز
مشخص گردد .

6-2 تهیه صورتهای مالی از مدارك ناقص

مقدمه :

وقتي مؤسسات كم درآمد كه امکان استخدام حسابدار يا انجام حسابداری دوطرفه را ندارند .
در پایان هر دوره مالی با پرداخت مبلغی به يك
حسابدار ، از آن خواهان تهیه صورتهای مالی
شامل

سود زياد و ترازنامه براي مؤسسه
شان مي شوند كه به صورت بدون
سند مالي و در دفتر يادداشت و سر
رسيد هاي مؤسسه نوشته مي شوند .

6-2-1 - تهيه سود و زيان از مدارك لازم

الف : استفاده از فرمول تغییرات سرمایه

اگر سرمایه ابتدایی دوره مورد نظر
مشخص باشد ، با تعیین اختلاف
سرمایه آخر دوره با سرمایه اول
دوره یا با تعیین تفاوت حقوق صاحب
یا صاحبان مؤسسه بین اول و آخر
دوره

پس از کسر سرمایۀ گذاري مجدد صاحب
يا صاحبان موسسه و افزودن برداشتهاي
صاحب يا صاحبان موسسه بدون داشتن
اطلاعات مربوطه به خريد و فروش با
هزينه هاي درآمدها مي توان سود يا
زيان ويژه موسسه را تعيين نمود و پس
مي توان ترازنامه را تنظيم كرد.

ب: تعیین سود با استفاده از فرمول ترازنامه :

برابر معادله حسابداری در هر
لحظه داراییهای يك مؤسسه
برابر است با مجموع بدهیهای
مؤسسه و حقوق صاحب یا
صاحبان مؤسسه .

بنابراین با داشتن اطلاعات ناقص شامل دارائیه‌ها و بدهیه‌ها در ابتدا و پایان دوره مالی می‌توان سرمایه اول دوره و آخر دوره را محاسبه نمود و از تفاوت آنها به روش 6-2-1 سود ویژه موسسه را محاسبه نمود و همچنین نسبت به تنظیم ترازنامه اقدام کرد .

6-2-2 تهیه صورتهای مالی ازدریافتهای و پرداختهای نقدی :

بر اساس یادداشت‌های روزانه مؤسسه از دریافت و پرداخت نقدی که بدون سند و ثبت صورت می‌گیرد می‌تواند منبع مهمی برای تنظیم حسابها و صورت حسابها محسوب شود .

بنابراین با تجزیه دریافتهای نقدی می
توان میزان درآمدهای نقدی ، میزان
فروش نقدی ، مبالغ دریافتی از بدهکاران
و استقراضها را مشخص کرد و حساب
های فروش ، بدهکاران و یا حسابهای
دریافتی و پرداختی را بازسازی نمود .

ب: حل مسئله بدون تنظیم حسابهای دوطرفه

1- برای تعیین فروش دوره باید
فروش نقد و فروش نسیه را به
یکدیگر جمع زد . فروش نقد مشخص
است اما در فروش نسیه تغییرات
حساب بدهکاران را باید محاسبه کرد

و مبالغ دریافتي از بدهکاران در دوره
را با برگشت از فروش و تخفیفات
نقدي فروش و مانده بدهکار در آخر
جمع نمود و سپس مانده بدهکار را در
اول دوره از ان کسر کرد تا فروش
نسبه مشخص شود .

2- برای محاسبه خرید دوره نیز
مشایه فروشش ، باید مبلغ خرید
های نسبه مشخص گردد و حساب
بستانکاران مخصوص ثبت خرید
های نسبه می باشد . پس تغییرات
بستانکاران باید محاسبه شود .

3- علاوه بر تعیین خرید و فروش باید ارقام دارایی و بدهی را که مانده دوره اول و دوره آخر آن یکسان نیست را بررسی کرده و با توجه به دریافت ها و پرداخت ها وجوه نقد و سایر تغییرات اتفاق افتاده را محاسبه و برای صرت های مالی ارقام لازم را استخراج کرد .

صورت تغییرات در وضعیت مالی (صورت گردش وجوه نقد)

وجوه نقد مهمترین عامل اقتصادی
برای هر شخص حقیقی و حقوقی می
باشد. اهمیت بسیار وجوه نقد در
شرکت ها، بررسی تغییرات

وجوه نقد در هر دوره مالی و
مشاهده میزان و اندازه ورود و
خروج وجوه نقد در شرکت و
بالاخره تعیین مقدار وجوه نقدي
که براي هر دوره مالی لازم بوده

و مازاد اضافي وجوه نقد براي
سرمایه گذاريهاي بلند مدت و کوتاه
مدت و ساير تصميم گيريهاي پولی،
از مهمترين عمليات مالی و
حسابداري می باشد . در نتیجه تهیه
صورت تغییرات

وضعیت مالی که به شکل صورت گردش وجوه نقد تنظیم می شود در شمار صورتهای مالی (اساسی) جزء وظایف اصلی حسابداری می باشد .

اطلاعات مربوط به گردش وجوه نقد :

سنجش نقدینگی و ارزیابی توان واحد انتفاعی در ایفای به موقع تعهدات، پرداخت سود و تأمین نیازهای نقدی.

کمک به عملیات از طریق شناسایی
ارتباط بین عملیات و گردش وجوه نقد
مربوط و تفسیر درباره سود .

ارزیابی فعالیت های تامین مالی
و سرمایه گذاری واحد انتفاعی .

مقایسه صورت گردش وجوه نقد با
سایر صورتهای مالی اساسی :
غیر از صورت گردش وجوه نقد،
صورتهای مالی اساسی دیگری مثل
ترازنامه ، صورت سود و زیان و
صورت حساب سود انباشته می باشد

ترازنامه هر مؤسسه وضعیت مالی يك
مؤسسه را در تاریخ تهیه ترازنامه نشان
می دهد و اکثریت اقلام آن تاریخی
هستند. اقلام ترازنامه نشان دهنده نتایج
تصمیم گیری عملیاتی در گذشته ، وضع
سرمایه گذاریها

و تامین مالی در گذشته یعنی مانده
داراییها و بدهیهای پرداخت نشده و
حقوق صاحبان سهام را نشان
دهد .

صورت حساب سود و زیان هر دوره ،
عملکرد موسسه را بر اساس ارزش

پولي و نتيجه عمليات يك دوره را كه
در اثر فعاليتهاي عملياتي باعث تغييراتي در
خالص دارايتها شده اند بيان مي كند.

صورت حساب سود انباشته، ميزان سود
انباشته سالهاي قبل و تغييرات آن را در دوره
جاري مشخص مي سازد .

2-7- مفهوم ورود و خروج وجوه نقد :

هر گونه فعاليتي که در اثر آن وجوه نقد
اوليه مؤسسه اضافه شود، ورود وجوه
نقد به مؤسسه تلقي مي گردد و بر عکس
هر فعاليتي که موجب مصرف وجوه نقد

مؤسسه گردد به نام خروج وجوه نقد
نامیده می شود .

عمده ترین فعالیت‌هایی که منجر به
افزایش وجوه نقد و در نتیجه جریان
ورود وجوه نقد به مؤسسه را فراهم
می سازد عبارتند از :

1- فروش کالا و ارائه خدمات .

2- فروش سرمایه گذاریهای بلند مدت
و کوتاه مدت .

3- فروش انواع ، ماشین آلات و
تجهیزات و سایر داراییهای مالی
نامشهود .

4- دریافت وام و هرگونه استقراض .

5- سرمایه گذاری مجدد و هرگونه
افزایش مستقیم نقدی در سرمایه
مؤسسه توسط صاحبان آن .

6- دریافت هدایای نقدی و دریافت
خسارات ناشی از رأی محاکمه
صالحه .

عمده ترین فعالیت‌هایی که باعث خروج وجوه نقد از موسسه می‌گردد عبارتند از:

1- خرید انواع کالاهایی که برای فروش عرضه می‌شود .

2- پرداخت انواع هزینه ها (مزد کسانی که برای موسسه کار انجام می‌دهند) .

3- خرید انواع سرمایه گذاریهای بلند مدت یا کوتاه مدت .

5- خرید انواع داراییهای بلند مدت شامل اموال، ماشین آلات ، تجهیزات و نامشهود .

6- پرداخت وامها و سایر بدهیها و پرداخت سود به صورت نقد به سهامداران پرداخت خسارت ناشی از رأی محاکمه صالحه .

در موقع فروش دارائي ها شامل ،
سرمایه گذاري ها ، اموال و تجهيزات
، ماشین آلات و ساير دارائي هاي
نامشهود ، وجوه دريافت مي شود ،
هم چنين هنگام دريافت وام و ايجاد
بدهي و

سرمایه گذاري مجدد از طرف صاحبان
مؤسسه ، وجوه نقد دریافت مي گردد پس
مي توان جریان هاي ورودی وجوه نقد
به مؤسسه را به سه دسته خلاصه
کرد :

1- فروش دارائیهاي غير نقدي و خدمات يعني
کاهش دارائي غير نقدي .

**2- افزایش بدهی ها یعنی اخذ وام
و کسب استقراضها از دیگران .**

**3- افزایش حقوق صاحبان سهام
در نتیجه افزایش و انتشار سهام
جدید .**

در هنگام تحصیل دارائی های غیر
نقدی یعنی افزایش دارائی های
غیر نقدی بایستی وجوه نقد
پرداخت شود هم چنین موقع
پرداخت انواع بدهیها و بازخرید
اوراق قرضه یعنی کاهش در بدهی
ها

و کاهش در حقوق صاحبان سهام
شامل ، پرداخت سود سهام به
سهامداران یا بازخرید انواع سهام
ممتاز و سهام خزانه ، بایستی
وجوه نقد پرداخت گردد لذا عمده
موارد که خروج وجوه نقد از
مؤسسه را ایجاد می نماید :

1- افزایش در دارائی های غیر نقدي

2- کاهش در بدهي ها .

3- کاهش در حقوق صاحبان سهام .

3-7- طبقه بندي اطلاعات در صورت حساب

گردش وجوه نقد .

فعاليتهايي که هر موسسه انجام مي دهد :

1- فعالیتهای عملیاتی یعنی اعمالی که منجر به کسب سود و زیان شده است .

2- فعالیت های سرماییه گذاری یعنی اعمالی که برای خرید و فروش سرماییه گذاری های بلند مدت یا کوتاه مدت انجام می شود .

3- فعالیت های تأمین پولی یعنی
اعمالی که شامل استقراض و دریافت
سرمایه گذاری جدید و بازپرداخت
وجوه استقراضی و سود سهام و
خرید سهام خزانه و سهام ممتاز می
گردد .

با توجه به این سه مورد که هر
مؤسسه انجام می دهد به 3 طبقه
کلی تقسیم کرد . ابتدا
فعالیت های عملیاتی و سپس فعالیت های
سرمایه گذاری و فعالیت های سرمایه
گذاری و فعالیتهای

تأمین مالی از نظر ورود و خروج
وجوه نقد نوشته می شود و در پایان
افزایش یا کاهش خالص از سه بخش
فعالیت‌های فوق‌الذکر محاسبه می
گردد که مبلغ موجود باید با تفاوت
موجودی نقد در

ابتدا و انتهای دوره مالی برابری کند
پس برای تنظیم صورت گردش
وجوه نقد جریانهای ورودی و
خروجی وجوه در ارتباط با سه بخش
فعالیت عملیاتی ، سرمایه گذاری
و تامین مالی محاسبه گردد .

4-7 - ورود و خروج وجوه نقد مربوط به فعالیت های عملیاتی :

فعالیت هایی که منجر به سود و زیان یا اجرای اهداف اصلی مؤسسه می شود را فعالیت های عملیاتی می گویند در فعالیت های عملیاتی هزینه ها پرداخت می شود

(خروج وجوه نقد) و درآمدها دریافت
می شود (ورود وجوه نقد) و تفاوت
درآمدها و هزینه ها سود ویژه و یا
زیان ویژه خواهد بود که اگر
حسابداری ثبت و ضبط رویدادهای

مالي به روش نقدي باشد يعني هزينه
هايي كه فقط نقداً پرداخت شد و
درآمدهائي كه فقط نقداً دريافت شد،
ثبت شده باشد نماينده مبلغ افزايش يا
كاهش وجوه نقد ناشي از فعاليتهاي
عملياتي خواهد بود .

5-7 - ورود و خروج وجوه نقد مربوط به فعالیت

های سرمایه گذاری :

فعالیت های سرمایه گذاری

ورود وجوه نقد در فعالیت های سرمایه گذاری :

1- فروش دارائی های غیر جاری مشهود و نامشهود .

2- دریافت وجه اسناد دریافتی غیر تجاری .

3- دریافت وجه سرمایه گذاریهای کوتاه مدت که مشابه وجه نقد نیستند .

خروج وجوه نقد در فعالیتهای سرمایه گذاری :

1- خرید انواع داراییهای غیر جاری مشهود و نامشهود .

2- پرداخت وام به دیگران با دریافت اسناد دریافتی غیر تجاری .

3- خرید و پرداخت وجه انواع سرمایه
گذارها که شبه نقد نیستند .

مثلاً :

ممکن است گفته شود حساب سرمایه
گذاری کوتاه مدت در سهام سایر شرکتها
در ابتدای دوره 1000 ریال

و در پایان دوره 900 ریال می باشد در
این صورت

$$100 = 1000 - 900$$

ریال کاهش در حساب سهام سایر شرکتها
وجود دارد که بایستی این کاهش ناشی از
فروش سهام سایر شرکت ها وجود دارد

که در نتیجه فروش سهام به مبلغ
100 ریال وجه نقد وارد موسسه
شده و لذا مبلغ 100 ریال افزایش
در ورود وجوه نقد به مؤسسه
وجود دارد .

ولي اگر ضمن اطلاعات اضافي
عنوان شود که در طول دوره مبلغ
700 ريال سهام شرکت الف خريداري
شده و مبلغ 800 ريال از سهام
شرکت ب که قبلاً تحصيل شده بود

فروش رفته است در این صورت
برای گزارش کامل ورود و خروج
وجوه نقد نیایستی فقط 100 ریال
کاهش سهام سایر کشورها به نام
افزایش ورود وجوه نقد در پایان
جریانات نقدي نوشته شد .

بلکه باید 700 ریال خرید سهام
شرکت الف به عنوان افزایش خروج
وجوه نقد و مبلغ 800 ریال فروش
سهام شرکت ب به عنوان افزایش
ورود وجوه نقد به موسسه در
صورتحساب جریانات نقدي درج گردد

■

6-7 - ورود و خروج وجوه نقد مربوط به فعالیت
های تأمین مالی و پولی :

مؤسسات برای انجام فعالیت
های سرماییه گذاری ، نیاز به
پول و انواع دیگر مال را دارند
برای تأمین

نیازهای پولی مؤسسه اولین راه ،
سرمایه گذاری یا افزایش سرمایه
صاحبان مؤسسه در مؤسسه است .
راه دوم استقرار و ایجاد بدهی بلند
مدت و کوتاه مدت می باشد .

برای تأمین انواع دیگر مال که
مورد نیاز اقدام کند ولی در بعضی
مواقع برای تحصیل اموال مورد
نیاز مؤسسه از عملیات تأمین
مالی پولی نیز استفاده می کند مثل
خرید

ساختمان و یا سایر اموال در قبال
صدور و تحویل سهام جدید سرمایه
که يك نوع فعالیت مالی و سرمایه
گذاري توأم محسوب می شود البته از
نوع فعالیت های مال غیر پولی.

بنابر این فعالیت‌های مالی پولی مؤسسه در
بدهی‌های بلند مدت و بدهی کوتاه مدت غیر
تجاری و غیر عملیاتی و افزایش حقوق
صاحبان سهام با افزایش جریان ورود
وجوه نقد به مؤسسه می‌گردد

و برعکس هرگونه پرداخت گونه
بدهی های بلند مدت و بدهی غیر
عملیاتی و غیر تجاری و کاهش حقوق
صاحبان سهام باعث کاهش جریان
ورود وجوه نقد به مؤسسه خواهد شد

■

تجزیه و تحلیل صورتهای مالی :
انتخاب اطلاعات مالی ، مقایسه و
مشخص نمودن رابطه بین اطلاعات
مالی ، تفسیر و ارزیابی مقایسات و
ارتباطات تعیین شده را تجزیه و تحلیل
صورتهای مالی می گویند .

تجزیه و تحلیل صورتهای مالی به ترتیب زیر
انجام می شود .

1- انتخاب اطلاعات مالی :

اقلامی که برای تهیه و تحلیل برگزیده می شود
از دیدگاه صاحبان مؤسسه انتخاب می شوند تا
تحلیل انجام شده برای او مفید واقع گردد به
طور مثال :

اگر تجزیه و تحلیل صورتهای مالی برای یکی از بانکها انجام می شود ، چون برای پرداخت وام و سایر تسهیلات بانکی به مؤسسات، قدرت پرداخت و استحکام وضع مالی و سود آوری آنها برای بانک حائز اهمیت است .

تحلیلگر باید اقلام منتهی اطلاعات فوق را
انتخاب و تجزیه و تحلیل نماید.

2- مقایسه و مشخص نمودن ارتباط بین
اطلاعات مالی :

هدف از مقایسه نمودن ارتباط بین
اطلاعات مالی انتخاب شده بررسی

علل و موجبات تغییرات کمی و آثار
نتایج کیفی اطلاعات مزبور است .
آثار کمی و کیفی اقلام انتخاب شده از
طریق نسبت یابی درصد گیری و
روندیابی صورت می گیرد .

3- تغییر و ارزیابی :

یعنی نسبت ها و روندها و
درصدهای تهیه شده از مرحله
مقایسه و از مشخص نمودن
ارتباطات بین اطلاعات مالی گذشته
مؤسسه و وضع کنونی آن توانایی
مؤسسه را در ادامه

کار وکسب درآمدها پیش بینی نماید و
دیگر اینکه در مورد رضایت بخش
بودن سودآوری و وضع مالی
مؤسسه اظهار نظر نماید برای این
کار 4 روش استفاده می شود:

الف : روش تجزیه و تحلیل مقایسه ای
که شامل مقایسه اقلام مندرج در يك
صورت حسابهای چند دوره با یکدیگر
است .

ب : روش تجزیه و تحلیل درونی که
شامل مقایسه اقلام مندرج در يك صورت
حساب با یکدیگر .

پ: روش تجزیه و تحلیل سرمایه در گردش که شامل سرمایه در گردش که شامل شناسایی عوامل موثر در تغییرات وضعیت مالی و کاهش و افزایش پول مورد نیاز مؤسسه است

■

ت: روش تجزیه و تحلیل
خطر که شامل سنجش
خطراتی که سرمایۀ گذاری
مؤسسه با آن مواجه است .

1-8- تجزيه و تحليل دورني با تجزيه و تحليل عمودي :

هرگاه اقلام مندرج در صورت حساب
يك دوره مالي با يکديگر مقايسه و
تجزيه تحليل قرار گيرند به آن تجزيه
وتحليل دروني مي گويند .

مثلاً بررسی اقلام مندرج در ترازنامه
مؤسسه یا صورت حساب سود و
زیان يك دوره مالي با یکدیگر و
مقایسه و تجزیه تحلیل آنها با هم
تجزیه و تحلیل درونی می باشد .

اولین صورت حسابهایی که مورد تجزیه و تحلیل درونی قرار می گیرد ترازنامه پایان دوره مالی می باشد که اقلام مندرج در آن را با یکدیگر مقایسه می کنند . به منظور انجام این مقایسه ثبت های مزبور را تفسیر می کنند که تفسیرها صد درصد قطعی نیستند .

1-1-8 - انواع ثبت ها :

ثبتها به 4 دسته تقسیم می شوند :

1- ثبت های نقدینگی: توانایی واحد تجاری

نسبت به بازپرداخت بدهیهای جاری .

2- ثبت های فعالیت: کاربرد منابع مالی یا

دارئی ها در اختیار مدیران .

3- ثبت هاي سرمايه گذاري: نحوه
تركيب سرمايه شركت و ميزان بازيافت
مطالبات توسط طلبكاران و وام دهندگان
مؤسسه.

4- ثبت هاي سود آوري: ميزان سود
آوري مؤسسه را بيان مي كند.

2-1-8 – نسبت های نقدینگی

مهمترین نسبت های نقدینگی : س

الف : نسبت جاری :

از تقسیم مجموع اقلام دارایی جاری ترازنامه بر تمام اقلام بدهی جاری ثبت جاری مشخصی می گردد

مثال :

مجموع دارایی جاری شرکت فردین 24000000
ریال و مجموع بدهی جاری

شرکت 80000000 ریال است. نسبت جاری را تعیین کنید .

دارایی جاری

= نسبت جاری

بدهی جاری

نسبت جاری 3 می باشد .

24000000

= 3

80000000

يعني در مقابل هر يك ريال بدهي 3 ريال دارائي

▪

هر قدر نسبت جاري بزرگتر باشد قدرت بازپرداخت بدهي جاري افزايش مي يابد و طلبكاران با اطمینان خاطر بیشتر وام يا خدمات يا کالا در اختيار شرکت قرار خواهند داد .

ب : ثبت آني يا سريع يا فوري

از تقسيم دارائيهاي زود نقد شونده بر
بدهيهاي جاري نسبت آني حاصل
مي شود دارائيهاي جاري به دو
دسته تقسيم مي شوند يكي دارائيهاي
جاري سيال يا زود نقد

و دوم دارائی های جاری غیر آئی
یا غیر سیال که باید در جریان
فروش قرار گیرند. و تبدیل به نقد
شوند. مثل موجودیهای کالا یا
دارائیهای جاری مصرف شونده.

3-1-8- نسبت های فعالیت :

مهمترین نسبت های فعالیت عبارتند از :

الف: ثبت دوره وصول مطالبات .

برای تعیین نسبت دوره وصول مطالبات علاوه بر ترازنامه پایان دوره مالی داشتن مانده اول دوره حسابداری دریافتی و اسناد دریافتی و میزان فروش نسبی هم لازم است

و براي تعيين اين ثبت ابتدا بايد
گردش مطالبات و يا دفعات گردش
تعيين شود و براي تعيين گردش بايد
توسط مطالبات محاسبه شود .

متوسط مطالبات يعني مجموعه مانده
حسابهاي دريافتي و اسناد

تجاري در اول و آخر دوره مالي را
بر 2 تقسيم مي كنيم تا مشخص شود
بعد از تعيين متوسط مطالبات مجموع
فروش نسيه دوره را بر متوسط
مطالبات تقسيم مي كنند

تا دفعات گردش به دست آید .
آنگاه سال را بر حسب روز که
360 روز مقرر شده بر دفعات
گردش مطالبات تقسیم می کنند .
پس نسبت وصول مطالبات
شخصی می شود .

ب: دوره گردش کالا و دفعات گردش کالا
:

برای محاسبه دفعات گردش کالا :
اطلاعات لازم از صورت حساب سود و
زیان استخراج می شود . موجودی کالای
اول دوره و موجودی کالای

پایان دوره و بهای تمام شده کالای
فروش رفته اطلاعاتی هستند که لازم
است ابتدا از تقسیم مجموع موجودی
کالای اول و آخر دوره بر عدد 2
میانگین کالا مشخص می کنند

و سپس بهای تمام شده کالای فروش
رفته را بر متوسط موجودی کالا
تقسیم می کنند تا دفعات گردش کالا
معین شود . از تقسیم نمودن 360
روز بر دفعات گردش کالا دوره
گردش به دست می آید .

پ: دوره گردش عملیات :

مؤسسات فروش کالا دو نوع است :

که کالا را از منابع دیگر خریداری و
به مشتری عرضه می کند که این
مؤسسات صرفاً تجاری یا بازرگانی
هستند .

مؤسسات فروشنده کالا که کالا را
راساً می سازند و سپس می
فروشند که به آنها تولیدی می
گویند و دوره گردش عملیات
شامل مدت زمانی که کالا ساخته می
شود .

ت: نسبت کالا به سرمایۀ در گردش :

سرمایۀ در گردش عبارت است از دارائی جاری منهای بدهی جاری از تقسیم نمودن موجودی کالا مؤسسه بر سرمایۀ در گردش ، نسبت کالا به سرمایۀ در گردش حاصل می شود .

نسبت کالا به سرمایه در گردش قدرت
بازپرداخت مؤسسه را در قبال خریدهای کالا
به طور نسبه نشان مي دهد .

ث: ثبت گردش سرمایه جاري :

چگونگی استفاده از سرمایه جاري درآمد و
فروش کالا یا در مسیر کارهای اصلی شرکت .

برای تعیین ثبت گردش در سرمایه جاری
باید فروش خالص را بر سرمایه در
گردش تقسیم کنند تا ثبت معین گردد .

ج: دوره بازپرداخت بستانکاران

برای برنامه ریزی و بودجه بندی پرداخت به
بستانکاران در هر ماه و میزان

وجه نقدي به شرکت بايد در هر ماه براي پرداخت به بستانکاران فراهم سازد. ضمناً بستانکاران محاسبه تاريخ دريافت طلب خود را از شرکت با آن پيش بيني مي کند بستانکاران بايد ايام يكسال را بر دفعات پرداختي به بستانکاران تقسيم کند.

بر تعیین دفعات بازپرداخت به بستانکاران
باید قیمت تمام شده کالای خریداری شده
دوره را بر متوسط بستانکاران تقسیم کنند
و برای تعیین متوسط بستانکاران مجموع
مانده حسابهای پرداختی ، تجاری و اسناد
پرداختی تجاری یا

بستانکاران تجاري را در ابتدا و پايان دوره مالي را بر 2 تقسيم نمايند .

4-1-8- نسبت هاي سرمايه گذاري :

2 نوع اند :

يکي : نسبت دارائي ثابت به ارزش ويژه که ميزان سرمايه گذاري در دارائي ثابت به مؤسسه با آن سنجيده مي شود .

دیگری : ثبتهای اهرمی هستند که
ثبت بدهیها را به ارزش ویژه تعیین می
کنند یعنی تعیین کننده در ساختار
ارزش ویژه شرکت انواع بدهی به چه
نسبت ترکیب شده اند و

چون بدهي ها به دو دسته بدهي هاي
جاري و بلند مدت تقسيم مي شد ثابت هاي
اهرمي 3 حالت دارند . يكي ثابت كل بدهي
به ارزش ويژه دومي ثابت بدهي هاي
جاري به ارزش ويژه سوم ثابت بدهي
هاي بلند مدت به ارزش ويژه .

این بدهی ها امکانات سود دهی مؤسسه
یا بهره گیری فرد را افزایش می دهند و
مانند یک اهرمی نیروی مضاعفی به
انسان می دهند و چون مؤسسات با کسب
بدهی به نیروی مضاعفی

جهت کسب سود مجهز می
شوند لذا به ثبت های
بدهی به ارزش ویژه، ثبت
های اهرمی می گویند .

منظور ارزش ویژه :

الف: ثبت دارایی ثابت به ارزش ویژه :

از تقسیم جمع بهای داراییهای ثابت
به ارزش ویژه شرکت ثبت داراییهای
ثابت به ارزش ویژه حاصل می شود .
معمولاً این

**ثبت براي مؤسسات توليدي و يا
صنعتي به لحاظ نياز صنعت و توليد
به سرمايه گذاريهاي بلند مدت بين
75% تا 100% مناسب است ولي
در مؤسسات تجاري اين ثبت بين
20% تا 50% است .**

ب: ثبت کل بدهی :

خارج قسمت کل بدهی مؤسسه تقسیم بر
ارزش ویژه شرکت :

این ثبت میزان مالکیت طلبکاران و
صاحب یا صاحبان شرکت در شرکت
را نشان می دهد از

نظر طلبکار زیر يك بودن خوب
است ولي شرکت بالاتر از يك را
بد نمي داند. اما از نظر طلبکاران
اگر بیش از 1 باشد نشان دهنده
ورشکستگی شرکت و طلب آنان
قابل وصول نمي باشد.

پ: نسبت بدهی جاری به ارزش
ویژه :

از تقسیم مجموع بدهی های جاری
مؤسسه بر ارزش ویژه حاصل می شود.
میزان بستانکاران جاری ثبت به مالکیت
صاحب یا صاحبان مؤسسه. این ثبت به
طلبکاران

کوتاه مدت مؤسسه میزان اطمینان از بازیافت
طلب آنان را از طرف مؤسسه نشان می دهد .

ت: ثبت بدهیهای بلند مدت به ارزش ویژه :
میزان ظرفیت وام گیری از منابع وام دهندگان
را بیان می کند هر قدر این

ثبت كوچك باشد ، آسان اخذ وام براي
مؤسسه بيشتر خواهد شد.

5-1-8- نسبتهاي سودآوري :

نسبتهاي سودآوري كار كرد مديران و
مؤسسه را از نظر بازدهي سود تشريح
مي كند . معمولاً سودآوري و

معتبر بودن مؤسسه دو موضوعي
است که بیشتر مورد علاقه صاحبان
و مشتریان مؤسسه است و ثبتهای
که سودآوری یا شاخصهای
سودآوری مورد توجه آنان قرار می
گیرد.

مهمترین ثبت ها برای سود آوری :

الف : بازده فروش :

از تقسیم سود ویژه به فروش خالص
ضرب در عدد 100 ، درصد بازده فروش
مشخص می شود .

مثلاً : سود خالص شرکت سامان
4500000 ریال

و فروش خالص شرکت 135000000 ریال است
بازده فروش چند درصد است ؟

4500000

درصد بازده = $\frac{\text{4500000}}{\text{135000000}} \times 100 = 33\%$

135000000

1

هر ریال فروش سود ویژه است .

3

ب: بازده ارزش ویژه :

این درصد نشان می دهد که در قبال
حقوق صاحب یا صاحبان
مؤسسه (سرمایه گذاری آنان) چند
درصد سود، نصیب آنان شده است
برای محاسبه بازده ارزش

ویژه سود خالص را بر ارزش ویژه
تقسیم و در عدد 100 ضرب می کنند تا در
صد بازده ارزش ویژه حاصل گردد .

پ: درصد بازده دارایی :

این درصد برای سنجش بازدهی دارایی و
یا در واقع برای بکارگیری

درائیه‌ها برای کسب و کار مورد
استفاده قرار می‌گیرد و در واقع
شاخص نهایی برای سنجیدن استفاده
بهینه از دارائیه‌ها می‌باشد تفاوت آن
درصد و درصد بازده، میزان سود
آوری بدهی‌ها یا سود آوری اهرمی
نامیده می‌شود .

ت: نسبت بازده سرمایه در گردش
و درصد بازده سرمایه در گردش :

اگر سود ویژه بر سرمایه در گردش تقسیم
شود ثبت بازدهی سرمایه در گردش مشخص
می شود و اگر ثبت مزبور را در عدد 100
ضرب کنند درصد بازدهی سرمایه در گردش
مشخص خواهد شد .

مثال :

در شرکت ماهان اگر دارایی جاری، 15000000 ریال باشد چون بدهی شرکت معادل 40% داراییها بود یعنی 11200000 ریال لذا سرمایه در گردش مبلغ 3800000 ریال می شود .

سرمایه در گردش و بازده سرمایه در گردش

$$15000000 - 11200000 = 3800000$$

$$\frac{3800000}{6800000}$$

$$\times 100 = 79\%$$

$$3800000$$

این درصد ، در صد مطلوبی است .

6-1-8- سایر نسبت ها

الف : سود به نسبت هر سهم EPS :

سود به نسبت هر سهم یا سود خام هر سهم حکایت از تقسیم سود ویژه

بر تعداد سهام عادي سود به نسبت هر
سهم شخص مي شود از مقايسه اين
نسبت تمايل به خريد سهام شركت در
خريداران شخص مي شود و از طرف
ديگر نسبت قيمت

سهام سودبه نسبت هرسهم سنجیده می شود و ارزش سهام در بازار تعیین می شود.

ب: بازده سرمایه گذاری (نسبت یابی دو پانت) :

این بازده که میزان سود آوری فعالیت های یک مؤسسه می باشد از حاصلضرب بازده فروش در نسبت گردش دارایی حاصل می گردد .

2-8- تجزیه و تحلیل مقایسه ای .

در تجزیه و تحلیل مقایسه ای صورتهای مالی چند دوره پیاپی از طریق مقایسه نسبتهای ترازنامه ای و سودوزیانی که بطریق تجزیه و تحلیل

دروني محاسبه و اندازه گيري شده اند ،
به تجزيه و تحليل صورتهاي مالي
و کارکرد مؤسسه مي پردازند . با مقايسه
نسبت ها و درصدهاي چند دوره مالي مي
توان به روند فعاليت و سود دهی مؤسسه
در گذشته و پيش بيني آنها در آينده پي
برد .

علاوه بر نسبت ها سایر اطلاعات تهیه
شده در طی چند دوره نیز مورد مقایسه
قرار گرفته و روند یابی می شود تا کاهش
یا افزایش یا سیر صعودی یا نزولی
فعالیت های مؤسسه را در سوددهی
وبازدهی سرمایه آشکار نماید .

1-2-8- روند فروش .

از مقایسه صورت حساب سود و زیان
چند دوره متوالی روند فروش خالص را
چند دوره متوالی مشخص می کنند و علاوه
بر آن روند فروش در دوره های مهم
تاریخ با

مؤسسات مشابه دیگر مقایسه می
گردد افزایشها یا کاهشهای ناگهانی
در مقایسه روند فروش در چند سال
پیاپی در خود مؤسسه و در مقایسه با
سایر مؤسسات تحلیل گر را وادار
می کند

تا به یافتن علل بپردازد و سهم بازار و مدیریت در مؤثر بودن تغییرات را کشف نماید در تعیین تغییرات افزایش یا کاهش نه تنها کاهش و افزایش روند قیمتها و منابع فروش بلکه روند میزان و مقدار فروش را هم باید در نظر داشت .

3-2-8- روند سود

از مقایسه سود ویژه چند دوره پیاپی ،
روند سود مؤسسه در سنوات اخیر آن
حاصل می گردد اگر روند سود مثبت باشد
یعنی نوسان منفی نداشته باشد نشانه
کارکرد

خوب مؤسسه است روند سود ارتباط
مستقیم با روند فروش دارد یعنی در حالت
عادی افزایش فروش منجر به افزایش
سود می شود و برعکس کاهش فروش
باعث کاهش سود می گردد

مسلم است که کاهش فروش تا حد
نقطه سر به سر باعث صفر شدن
سود می گردد بنابراین روند سود از
نقطه سر به سر به بعد شروع می
گردد . هر چند

روند فروش افزایش یابد روند سود نیز
اضافه خواهد شد . افزایش روند سود با
فرض عادی بودن هزینه ها وجود خواهد
داشت اما در صورت افزایش ناگهانی
هزینه ها و مواد یا مالیات ها ممکن است
افزایش فروش منجر به افزایش سود
نگردد .

3-2-8- روند ارزش ویژه :

از مقایسه حقوق صاحبان سهام در
ترازنامه چند دوره پیاپی روند ارزش
ویژه مشخص می گردد اگر روند
ارزش ویژه افزایش را در سنوات
اخیر نشان دهد

و یا اگر کاهش را نمایان سازد
بایستی تحلیل گر علل افزایش و کاهش
ارزش ویژه را بررسی و تحلیل نماید .
افزایش ارزش ویژه از محل عدم
تقسیم سود و تبدیل سود ویژه دوره
مالی به سود

انباشته یا سنواتی می باشد اندوخته
ها نیز سهم اختصاص یافته ای از
انباشته ها هستند که ارزش ویژه را
افزایش می دهند . افزایش ارزش
ویژه در اثر افزایش سود ویژه دوره
مالی به سود انباشته ،

نشانه مطلوبیت مدیریت و کارایی
مؤسسه خواهد بود در بررسی روند
ارزش ویژه باید تغییرات کاهش و
افزایش ارزش حاصل از عملیات روند
تجاری و سود از یکدیگر تفکیک شوند

■

4-2-8 – روند سرمایه در گردش :

از مقایسه سرمایه در گردش چند دوره
پیاپی روند سرمایه در گردش حاصل می
گردد اگر روند سرمایه در گردش از سال
پایه تا سال جاری،

داراي افزايش تدريجي باشد و شتاب
با افزايش روند عمليات سرمايه در
گردش، افزايش يافته باشد مؤسسه
مطلوبترين روند سرمايه در گردش را
دارد. بر عكس اگر سرمايه در

گردش داراي کاهش تدريجي باشد
نامطلوب و اگر بدهي جاري نيز
متناسب با سرمايه در گردش روند
کاهش نداشته باشد کاهش تدريجي
سرمايه در گردش نشانه در خطر
افتادن مؤسسه خواهد بود .

5-2-8- روند نسبتها .

بررسي روند نسبتها و درصدها نيز براي نشان دادن نحوه کارکرد و مطلوبيت يا نامطلوب بودن روند عمليات در مؤسسه، ضروري مي باشد از مقايسه نسبتهاي سنوات اخير، روند نسبتها حاصل مي گردد

■

الف: روند نسبت‌های جاری و آنی در صورتی که سیر صعودی داشته باشد مطلوب و در صورت یکنواخت بودن خوب خواهد بود .

ب: روند دوره وصول مطالبات در صورتی که یکنواخت بوده و در سالیان اخیر مشابه باشد مطلوب می باشد .

پ: افزایش روند نسبت دارایی ثابت
به ارزش ویژه ، دلالت بر سرمایه
گذاري غير ضروري و بیش از توان
مؤسسه خواهد بود.

ت: چنانچه روند نسبت بدهی به
ارزش ویژه سیر

نزولي داشته باشد نشانه ادای به موقع
تعهدات مؤسسه می باشد و باعث
خوشنامی خواهد بود.

تجزیه و تحلیل سرمایه در گردش :

افزایش یکنواخت سرمایه در گردش به
صورت هماهنگ با عملیات یک مؤسسه و

يا كاهش هماهنگ آن در زمان کاهش
عمليات يك مؤسسه، نشانه مناسب
بودن سياست مالي مديران مؤسسه
مي باشد . چون سرمايه در گردش با
سرمايه جاري تفاوت دارايي جاري
منهاي بدهي جاري مي باشد.

از افزایش یکسان در دارایی جاری و
بدهی جاری و یا برعکس کاهش
مشابه در دارایی جاری و بدهی
جاری ، تغییر مبلغ در سرمایه در
گردش را بوجود نمی آورد ممکن
است

اجزای سرمایه در گردش بدون افزایش یا کاهش در سرمایه در گردش تغییراتی درونی داشته باشد .

1-3-8- شناسایی تغییرات سرمایه در گردش .

الف : بدهی جاری و دارایی جاری :

بدهی جاری را از دارایی جاری کسر می کنند
وسرمایه در گردش

حاصل مي شود . اگر بدهي جاري
اضافه شود و مبلغ اضافي بدهي
در اقلام دارايي جاري اضافه گردد
تغييري در سرمايه در گردش به
وجود نمي آورد .

ب: تغییرات دارایی ثابت :

در صورتی که افزایش داراییها ثابت و یا غیر جاری از محل دارایی جاری صورت گیرد باعث کاهش سرمایه در گردش می شود . زیرا کاهش دارایی جاری منجر به کاهش سرمایه در گردش می گردد .

پ: تغییرات در بدهی بلند مدت :

بدهیهای بلند مدت اگر به دارایی جاری
واریز شوند . دارایی جاری را افزایش می
دهند و برعکس اگر از دارایی جاری
بازپرداخت کردند، دارایی جاری را کاهش
می دهند .

اگر بدهی بلند مدت به بدهی جاری تبدیل
شوند ، بدهی جاری افزایش می یابد .

ت: تغییرات در حقوق صاحبان سهام :

افزایش حقوق صاحبان سهام اگر به
صورت واریز به دارایی جاری صورت
گیرد .

دارايي جاري را اضافه نموده و سرمايه
درگرددش اضافه خواهد شد .

4-8- تجزيه و تحليل خطر سنجي :

تجزيه و تحليل خطر سنجي به آينده نظر
دارد و خطرات آينده را براي فعاليتهاي

تجاري و تولیدي و خدماتي پيش بيني
نموده و با انجام برنامه ريزي هاي
صحيح و بودجه نويسي خطرات
سرمایه گذاري را به حداقل کاهش مي
دهد . خطر سنجي بحث آینده گري
اساس کار را تشکيل مي دهد .

1-4-8- بودجه و برنامه ریزی :

بودجه به برنامه مالی يك شرکت برای رسیدن به هدفی که در تحلیل سود شخص گردیده تعریف می شود . هدف تنظیم و اجرای بودجه ، حفظ سرمایه و تأمین سود مورد نظر صاحبان و مدیران مؤسسه است .

براي رسيدن به هدف برنامه ريزي يعني نحوه
و ميزان به کارگيري ، نيروي انساني ، سرمايه
و مواد لازم است . به منظور حصول هدف،
برنامه ريزي ضروري بوده و براي برنامه
ريزي تنظيم بوجه توسط شخص با قسمت
شخص از شرکت با کسب اطلاعات مورد نیاز
انجام مي شود .

پیش بینی فروش شرکت از نظر مقداری و
ریالی ، اولین گام تنظیم بودجه را تشکیل می
دهد . با پیش بینی فروش مقدار تولید شرکت
تعیین می گردد و متعاقب آن هزینه های تولید
هزینه عمومی اداری و هزینه های توزیع
و فروش پیش بینی شده و سود مورد نظر تعیین
می گردد .

4-8- تجزيه و تحليل خطر سنجي.

تجزيه و تحليل خطر سنجي به
آينده نظر دارد و خطرات آينده را
براي فعاليتهاي تجاري و توليدي و
خدماتي پيش بيني نموده و با انجام
برنامه ريزي هاي صحيح و

بودجه نويسي خطرات سرمايه گذاري را به
حداقل کاهش مي دهد . خطر سنجي بحث آينده
گري اساس کار را تشکيل مي دهد .

1-4-8- بودجه و برنامه ريزي .

بودجه به برنامه مالي يك شركت براي رسيدن
به هدي كه در تحليل سود شخص گرديده
تعريف مي شود .

هدف تنظیم و اجرای بودجه ، حفظ
سرمایه و تأمین سود مورد نظر
صاحبان و مدیران مؤسسه است .
برای رسیدن به هدف برنامه ریزی
یعنی نحوه و میزان به کارگیری ،
نیروی انسانی ، سرمایه و مواد لازم
است .

به منظور حصول هدف، برنامه ریزی ضروری بوده و برای برنامه ریزی تنظیم بودجه توسط شخص با قسمت شخص از شرکت با کسب اطلاعات مورد نیاز انجام می شود .

پیش بینی فروش شرکت از نظر مقداری و ریالی ، اولین گام تنظیم بودجه را تشکیل می دهد .

با پیش بینی فروش مقدار تولید
شرکت تعیین می گردد و متعاقب آن
هزینه های تولید هزینه عمومی
اداری و هزینه های توزیع و فروش
پیش بینی شده و سود مورد نظر
تعیین می گردد .

2-4-8- خطر سنجي بودجه .

صورتهاي مالي اطلاعات جامع
مفيدي دارند واز روي صورتهاي مالي
، با تقريب مي توان پيش بيني
بسياري از احتمالات آينده موفق گرديد
در پيش بيني يا آينده نگري ،
عمليات انجام شده

تجزیه و تحلیل گشته و از طریق تجزیه
و تحلیل های درونی ، تجزیه و تحلیل
مقایسه ای و تجزیه و تحلیل سرمایه در
گردش ، وضعیت گذشته و حال مؤسسه را
به طور واضح مشخص نموده و پس با
بودجه نویسی ، برنامه آینده را مشخص
می سازیم .

مهمترین مسئله در يك مؤسسه براي
آينده ، نحوه فراهم نمودن وجوه نقد
مورد نیاز به کار انداختن منابع نقدي
و غير نقدي براي انجام فعاليتهاي
شرکت با تأمين حداکثر سود مي باشد

■